

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی، زبان قرآن (۳)

رشته علوم و معارف اسلامی

پایه دوازدهم

دوره دوم متوسطه



www.Daneshchi.ir



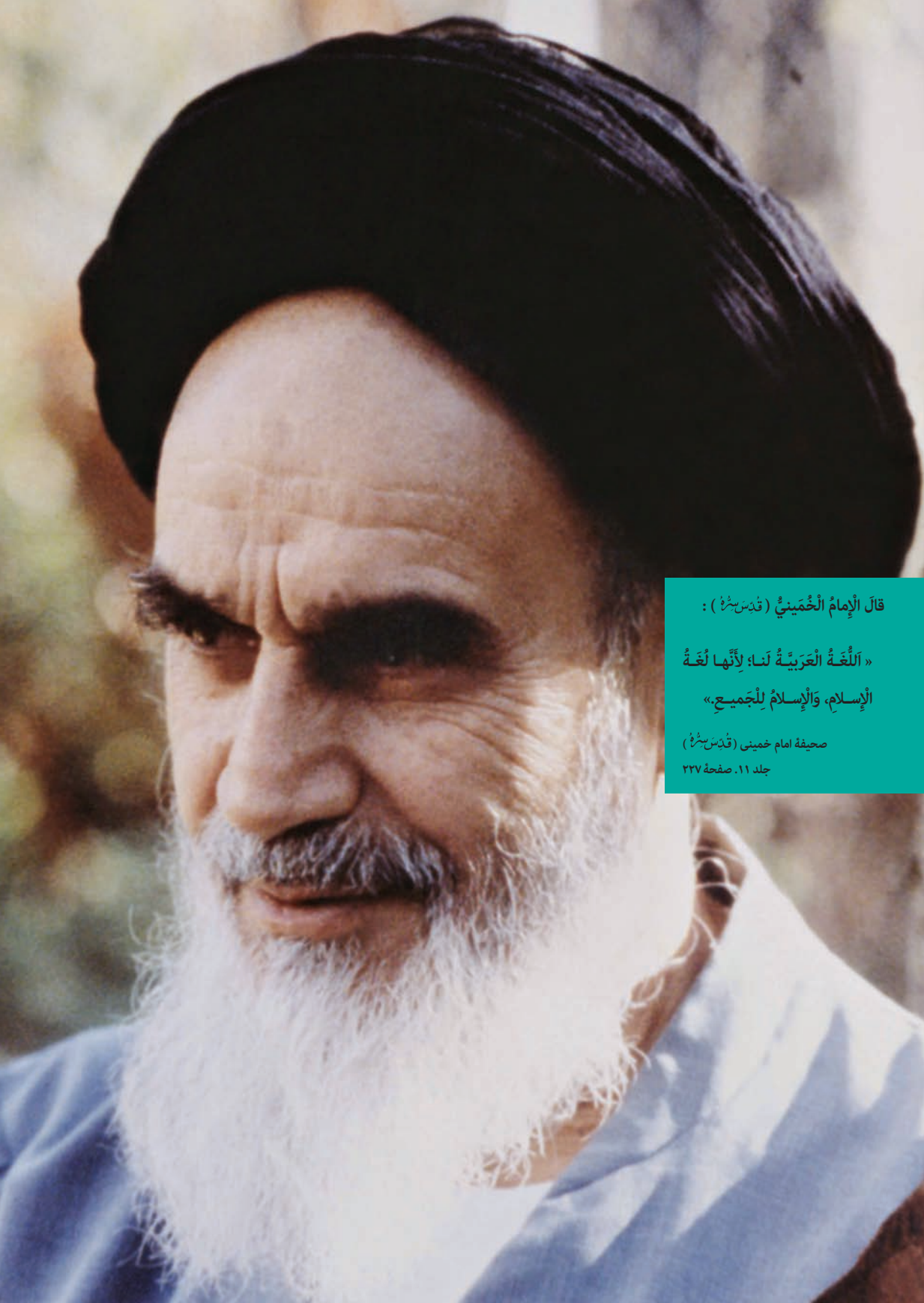


وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب: عربی، زبان قرآن (۳) - پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۲۲۰۸
- پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: محی‌الدین بهرام محمدیان، علی جان بزرگی، حسن حیدری، سیدمحمد دلبری، محمد حسین رحیمی، سکینه فتاحی زاده، ابوطالب فراهانی، معصومه ملک‌ی و فاطمه یوسف‌نژاد (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: ابادر عباچی، علی چراغی، حبیب تقوایی و عادل اشکیوس (اعضای گروه تألیف) - عادل اشکیوس (سرگروه تألیف) - محمد کاظم بهنیا (ویراستار)
- شناسه افزوده آماده‌سازی: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- نشانی سازمان: احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - محمد مهدی ذبیحی فرد (مدیر هنری) - آزاده امینیان (طراح جلد، صفحه‌آرا و تصویرگر) - نوشین معصوم‌دوست، الهام جعفرآبادی، فاطمه پزشکی و حمید ثابت کلاچاهی (آمور آماده سازی)
- ناشر: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
- چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
- سال انتشار و نوبت چاپ: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
چاپ چهارم ۱۴۰۰

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۳۱۵۳-۲

ISBN: 978.964.05.3153.2



قال الإمام الخميني (قدس سره) :

«اللُّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ لَنَا؛ لِأَنَّهَا نَعْتُهُ
الإِسْلَامَ، وَالْإِسْلَامُ لِلْجَمِيعِ.»

صحيفة امام خميني (قدس سره)

جلد ۱۱، صفحه ۲۲۷

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

الفهرس

أَصْفَحَةُ	قَوَاعِدُ الدَّرْسِ	نَصُّ الدَّرْسِ	أَعْتُونَا
			الْمُقَدِّمَةُ
١	وَزْنُ الْفِعْلِ الْمُجَرَّدِ وَ الْمَعْتَلِّ الْمَجْهُولِ وَ الْمَصَادِرُ	لُغَةُ الْقُرْآنِ	الدَّرْسُ الْأَوَّلُ
١٩	إِسْمُ الْمَرَّةِ وَ النُّوعِ وَ الْإِسْمِ الْمَقْصُورِ وَ الْمَمْدُودِ وَ الْمَنْقُوضِ وَ الْمُدَكَّرِ وَ الْمُؤنَّثِ	مَكَّةُ الْمُكْرَمَةِ وَ الْمَدِينَةُ الْمُتَوَرَّةُ	الدَّرْسُ الثَّانِي
٣٣	الصَّمِيرُ وَ الْإِسْمُ الْمُؤْصُولُ	ثَلَاثُ قِصَصٍ قَصِيرَةٍ	الدَّرْسُ الثَّلَاثُ
٤٩	مَرْتَبَةُ الْمُبْتَدَأِ وَ الْخَبَرِ وَ أَنْوَاعِ الْخَبَرِ وَ صَمِيرِ الْفُضْلِ وَ أَفْعَالِ الْمُقَارَبَةِ	نِظَامُ الطَّبِيعَةِ	الدَّرْسُ الرَّابِعُ
٦٧	الْمَفْعُولُ الْمُطْلَقُ وَ أَفْعَالُ الْقُلُوبِ	الْحَرْبُ الْمَفْرُوضَةُ	الدَّرْسُ الْخَامِسُ
٨٣	الْمُنَادَى وَ التَّعَجُّبُ وَ الْمَدْحُ وَ الذَّمُّ وَ التَّحْذِيرُ وَ الْإِعْرَاءُ	الْفَرَزْدَقُ	الدَّرْسُ السَّادِسُ
٩٥	الْمَفْعُولُ لَهُ وَ الْمَفْعُولُ فِيهِ وَ الْحَالُ	مِنْ غَرَائِبِ الطَّيُورِ	الدَّرْسُ السَّابِعُ
١٠٩	الْتَّمِييزُ وَ الْإِسْتِثْنَاءُ وَ الْإِضَافَةُ	الْوَجْهُ النَّافِعُ وَ الْوَجْهُ الْمَضِرُّ	الدَّرْسُ الثَّامِنُ
١٢٥	التَّوَابِعُ (الْتَّعْتُ وَ الْعَطْفُ وَ التَّوَكِيدُ وَ الْبَدَلُ)	الْكُتُبُ طَعَامُ الْفِكْرِ	الدَّرْسُ التَّاسِعُ
١٤١	تَمَارِينُ عَامَّةٌ	غَرَائِبُ الْبَحْرِ	الدَّرْسُ الْعَاشِرُ
١٥٦	نَمَازِجُ لِلتَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ الْإِعْرَابِ	الْمُحَقَّاتُ	
١٦٣	جَدْوَلٌ لِتَصْرِيْفِ الْأَفْعَالِ		



مقدمه

گفتاری با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای دانش‌آموزان

شایسته است دبیر محترم عربی برای تدریس این کتاب:

۱. کتاب‌های عربی و قرآن پایه‌های هفتم تا یازدهم را تدریس یا مطالعه کرده باشد.

۲. مقدمه کتاب را با دقت بررسی کرده باشد.

خدای بخشنده را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش آخرین کتاب «عربی، زبان قرآن» رشته علوم و معارف اسلامی به جوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه کنیم. در پایان راه برنامه شش ساله آموزش «عربی، زبان قرآن» هستیم. اکنون دانش‌آموز کوشا به شایستگی قدرت فهم متون رسیده است. در این چند سال، مهم‌ترین قاعده، مربوط به شناخت فعل بود. دانش‌آموز باید انواع فعل ماضی، مضارع، مستقبل، امر، نهی و نفی را بشناسد. قواعد کتاب عربی رشته علوم و معارف اسلامی مطابق مصوبه تأسیس مدارس علوم و معارف اسلامی به زبان عربی است.

رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است:

«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی»

هدف اصلی آموزش عربی در ایران، فهم متن به‌ویژه فهم قرآن کریم و نیز متون دینی همانند احادیث، دعاها و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است.

هرچند شیوه تألیف کتاب‌های عربی متن‌محوری است؛ اما در رشته علوم و معارف اسلامی وضعیت متفاوت است. بخش قواعد در این رشته مفصل است. انتظار می‌رود دانش‌آموز پایه دوازدهم رشته علوم و معارف اسلامی بتواند در پایان سال تحصیلی متون و عبارات قرآنی، حدیث و نیز ترکیبات و عبارات عربی متون نظم و نثر فارسی را در حد ساختارهای خوانده‌شده، درست بخواند و معنای آنها را با کمک فرهنگ لغت بفهمد و ترجمه کند.

کتاب‌های درسی با توجه به مصوبات اسناد بالادستی «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند تألیف کتب درسی است. راهنمای برنامه درسی عربی نیز نقشه راه تألیف کتاب‌های عربی است.

کلمات کتاب‌های عربی، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، احادیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به‌کار رفته است.

تعداد کلمات جدید این کتاب نزدیک به ۴۰۰ کلمه است. اگر جمع‌های مکسر را نیز اضافه کنیم، شاید بتوان گفت در این شش سال، حدود ۲۰۰۰ کلمه آموزش داده شده است.

مهم‌ترین تأکیدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب: (رعایت این تأکیدات در کنکور، مسابقات علمی، امتحان نوبت اول و دوم و کتاب‌های کمک آموزشی الزامی است. این نوشته به منزله ابلاغ رسمی است.)

۱ دانش‌آموز پایه دوازدهم پیش از این با این ساختارها آشنا شده است:
 ✓ فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل، معادل عربی فعل‌های فارسی مانند ماضی استمراری، ماضی بعید، ماضی نقلی و ... ، مضارع مرفوع، مجزوم و منصوب (ثلاثی مجرد و مزید و رباعی، صحیح و سالم، معتل، مضاعف و مهموز، فعل مجهول)

✓ ویژگی‌های ترکیب اضافی و وصفی
 ✓ اسم اشاره، کلمات پرسشی، وزن و ریشه کلمات و نون وقایه
 ✓ عددهای اصلی یک تا صد و عددهای ترتیبی یکم تا بیستم آموزش داده شده و به برخی ویژگی‌های معدود نیز اشاره شده است؛ مانند جمع و مضاف‌الیه بودن معدود سه تا ده؛ مفرد بودن معدود یازده تا نود و نه. در معرفی عدد معطوف، ویژگی معدود آن مد نظر نیست.
 ✓ تشخیص المحل الإعرابی و علامت اعرابی آنها (فاعل، مفعول، مبتدا، خبر، صفت، مضاف‌الیه، جار و مجرور، مجرور به حرف جر، اسم و خبر افعال ناقصه و حروف مشبّهه و لای نفی جنس، نائب فاعل) و تشخیص اعراب اسم‌های معرب هدف است.

✓ اسم معرفه و نکره و انواع معارف
 ✓ تشخیص معرب و مبنی در حدّ آموخته‌های کتاب (نه در حالت پیشرفته)
 ✓ تشخیص انواع هشتگانه اسم مشتق
 ✓ در کتاب رشته علوم و معارف اسلامی تشخیص نوع و صیغه فعل از اهداف آموزشی است و صیغه فعل به صورت «جمع مذکر مخاطب» آموزش داده شده است. نه به صورت «للمُخاطَبین»؛ لذا در طراحی هرگونه آزمونی به این تذکر توجه می‌شود.
 ✓ دانش‌آموز «تَمُّ» را در «فَعَلْتُمْ» می‌شناسد و به دنبال آن این فعل‌ها را درست ترجمه می‌کند: حَرَجْتُمْ، تَخَرَجْتُمْ، أَخْرَجْتُمْ، اسْتَخْرَجْتُمْ.

✓ هرچند معانی ابواب ثلاثی مزید قطعی نیست؛ اما در رشته علوم و معارف اسلامی معانی معروف ابواب، با توجه به تخصصی بودن کتاب، آموزش داده شده است.
 ✓ اسلوب شرط و ادوات آن (با توجه به اعراب اصلی و فرعی جزم)

۲ این کتاب در ده درس تنظیم شده است. هر درس را می‌توان در چهار جلسه آموزشی تدریس کرد. به همین منظور زمانبندی پیشنهادی، داخل کتاب ارائه شده است.

۳ متن درس اول «لُغَةُ الْقُرْآن» نام دارد. این متن تأثیر قرآن را در زبان و ادبیات فارسی بررسی می‌کند.

قواعد درس اول عبارت است از: وَزْنُ الْفِعْلِ الْمَجْرَدِ وَ الْمَعْتَلُ الْمَجْهُولُ وَ الْمَصَادِرُ. وزن فعل مجرد بحثی زمانبر نیست. بخش معتل مجهول، جدید است. نظر به دشواری این مبحث، تدریس معتلات مزید اختیاری است.

موضوع متن درس دوم گفت‌وگو میان اعضای یک خانواده است. این گفت‌وگو درباره سفر معنوی به دیار وحی و زیارت عتبات عالیه است. متن درس به صورت غیر مستقیم دربردارنده آموزش مکالمه می‌باشد.

قواعد درس دوم عبارت است از: اسْمُ الْمَرَّةِ وَ النَّوْعِ وَ الْاسْمُ الْمَقْصُورُ وَ الْمَمْدُودُ وَ الْمَنْقُوضُ وَ الْمَذَكَّرُ وَ الْمُؤنَّثُ.

۴ موضوع متنی درس سوم، سه داستان کوتاه و گوناگون تاریخی است. دانش‌آموزان اصولاً از خواندن داستان و متون تاریخی لذت می‌برند.

قواعد درس سوم عبارت است از: الضمير و الاسم الموصول.

موضوع متنی درس چهارم، درباره نظام طبیعت است. موضوعی بسیار مهم که هرچه آگاهی دانش‌آموز در این مورد بیشتر شود سودمند است و تذکر درباره حفاظت از محیط زیست همواره شایسته و بایسته است.

قواعد درس چهارم عبارت است از: المفعول المطلق و أفعال القلوب.

۵ موضوع متنی درس پنجم، درباره جنگ تحمیلی است. موضوعی مهم که شایسته است همواره از آن یاد شود.

قواعد درس پنجم عبارت است از: مرتبة المبتدأ والخبر وأنواع الخبر و ضمير الفصل و ضمير الشأن.

۶ موضوع متنی درس ششم، معرفی فرزادق شاعر نامدار و ستاینده اهل بیت علیهم السلام است.

قواعد درس ششم عبارت است از: المنادى والتعجب والمدح والذم والتخدير والإغراء.

۷ موضوع متنی درس هفتم، شگفتی‌های پرندگان است. در توصیه‌های بزرگان تأکید شده است که در پدیده‌های الهی تفکر کنیم.

قواعد درس هفتم عبارت است از: المفعول له و المفعول فيه و الحال.

۸ موضوع متنی درس هشتم، موضوعی تاریخی، اجتماعی و جالب برای دانش‌آموزان است. ماجرای اختراع دینامیت و اشاره به اینکه نوآوری‌ها، اختراعات، فناوری‌های نوین و اکتشافات می‌توانند دورویه داشته باشند. رویه سودمند و رویه زیان‌رسان. این موضوع می‌تواند در آموزش غیر مستقیم استفاده از یافته‌های نوین بشر تأثیرگذار باشد.

قواعد درس هشتم عبارت است از: التمييز والإستثناء والإضافة.

۹ موضوع متنی درس نهم، در مورد «کتاب» از «عباس محمود العقاد» نویسنده سرشناس مصری به نام «الكتبة طعام الفكر» است. متنی از ادبیات یکی از کشورهای بزرگ مسلمان که برای ایجاد دوستی میان ملت‌ها می‌تواند اثربخش باشد. دانش‌آموز با خواندن این متن می‌تواند با ادبیات معاصر عرب آشنا شود.

قواعد درس نهم عبارت است از: التواضع (التعنت والعطف والتوكيد والبديل)

۱۰ موضوع متنی درس دهم، درباره شگفتی‌های دریاست. چنین متنی در طول این چند سال آموزش عربی همواره با استقبال دانش‌آموزان روبه‌رو شده و در آنها نسبت به درس عربی ایجاد علاقه و انگیزه کرده است.

۱۱ نیازی به ارائه جزوه مکمل قواعد به دانش‌آموز نیست. هرچه لازم بوده در کتاب آمده است.

۱۲ بخش‌هایی از قواعد و مطالب با علامت ستاره (*) مشخص شده‌اند. تدریس این بخش‌ها بستگی به وقت دبیر گرامی دارد و اختیاری است؛ لذا در هیچ آزمونی (نه امتحانات میان نوبت و پایانی و نه کنکور) از آن سؤالی طرح نخواهد شد.

همچنین بخش‌هایی از کتاب داخل کادر رنگی قرار گرفته است. این بخش‌ها تکراری است و به منظور فهم بهتر مطالب جدید آمده است. بدیهی است که در امتحان احتمال دارد از آن سؤال طرح شود.

۱۳ تحلیل صرفی و اعراب از اهداف کتاب درسی است؛ به همین منظور در بخش مُلَحَقَات نمونه‌هایی از تجزیه و ترکیب در انتهای کتاب تنظیم شده است.

۱۴ تعریب، تشکیل (حرکت‌گذاری کلمات جمله) و اعراب‌گذاری (نهادن علامت اعرابی) از اهداف کتاب درسی نیست. امسال و در طول پنج سال گذشته در این مورد هیچ تمرین و آموزشی وجود نداشته است. (تشخیص اعراب صحیح از اهداف کتاب است). کل کتاب درسی کاملاً اعراب‌گذاری شده است، تا دانش‌آموز در قرائت دچار مشکل نشود. شایسته است طراحان آزمون، متون و عبارات امتحانی را کاملاً حرکت‌گذاری کنند.

۱۵ تبدیل «مذکر به مؤنث» یا «مخاطب به غیر مخاطب» یا «جمع به غیر جمع» یا «معلوم به مجهول و برعکس» و موارد مشابه از اهداف کتاب نیست.

۱۶ معنای کلمات در هر آزمونی در جمله خواسته می‌شود. گاهی در برخی تمرین‌های کتاب معنای کلمه بیرون از جمله خواسته شده؛ در چنین مواردی شیوه طرح آن همراه با یک نمونه جهت تسهیل آموزش و ارزشیابی است.

۱۷ کلماتی که معنایشان در پاورقی نوشته شده، از اهداف کتاب است و در امتحانات از آن سؤال طرح می‌شود.

۱۸ روحوانی‌های دانش‌آموز و فعالیت شفاهی او در طول سال نمره شفاهی‌اش را در نمره میان نوبت تشکیل می‌دهد.

۱۹ در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده است تا به دفتر تمرین نیازی نباشد.

۲۰ از همکاران گرامی خواستاریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ شش کتاب درسی «عربی، زبان قرآن» مجموعه‌ای یکپارچه‌اند و آموزش برخلاف اهداف درسی به روند آموزش آسیب می‌زند.

خوشحال خواهیم شد از نظریات شما آگاه شویم؛ می‌توانید از طریق وبگاه گروه عربی پیغام بگذارید.

نشانی وبگاه گروه عربی:

www.arabic-dept.talif.sch.ir

سخنی با دانش آموز

این کتاب ادامه و مکمل پنج کتاب پیشین است. آموخته‌های پیشین در متون، عبارات و تمرین‌های این کتاب تکرار شده است. در صورتی که پنج کتاب قبلی را به خوبی آموخته باشید، اکنون شما در مهارت فهم متن موفق هستید و می‌توانید با استفاده از فرهنگ لغت یک متن عربی را ترجمه کنید. ترجمه متون و عبارات کتاب بر عهده شماست و دبیر نقش راهنما و مصحح دارد. کلمات جدید هر متن در انتهای آن ترجمه شده و کلمات دشوار و جدید هر عبارت نیز در همان صفحه نوشته شده است.

در کتاب‌هایی که به نام تیزهوشان یا آمادگی برای کنکور و مسابقات طراحی می‌شود، موارد بسیاری می‌آید که از اهداف آموزشی نیست. بسیاری از پرسش‌ها جنبه معماگونه دارد، یا اینکه حجمش بسیار است به نحوی که دانش آموز در پاسخ‌دهی وقت کم می‌آورد؛ لذا اگر در چنین آزمون‌هایی شرکت می‌کنید شایسته است بدانید از نظر اصول آموزش زبان، نه تنها مورد تأیید نیستند؛ بلکه خلاف اهداف نیز هستند و موجب ناامیدی و دلسردی می‌شوند. هدف طراحی این آزمون‌هایی تهیه سؤالاتی است که آن قدر پیچیده، گنگ و طولانی باشد تا داوطلب نتواند به سادگی پاسخ دهد. کتاب‌های راهنما به آموزش آسیب می‌زنند. هیچ کارشناسی استفاده از چنین کتاب‌هایی را تأیید نمی‌کند. این کتاب‌ها با ترجمه متون و حل تمرینات به یادگیری دانش آموز لطمه جبران‌ناپذیر وارد می‌کنند.

برای یادگیری هر زبانی باید بسیار تکرار و تمرین کرد. اگر می‌خواهید در درس عربی موفق‌تر باشید، پیش مطالعه کنید.

متن قواعد به زبان عربی است؛ لذا هنگام تدریس معلم کسی موفق‌تر است که قبلاً آنها را از پیش مطالعه کرده باشد.

هدف این کتاب، فهم متن است. اگر شما بتوانید متون عربی را خوب بخوانید، درست بفهمید و درست ترجمه کنید، خود به خود می‌توانید از فارسی به عربی نیز ترجمه کنید و حتی سخن بگویید؛ شما می‌توانید از آیات و احادیث کتاب‌های درسی عربی در انشا و مقاله‌نویسی و به هنگام سخنرانی استفاده کنید.

ترجمه متون و عبارات کتاب و حل تمرین‌ها در کلاس می‌تواند به صورت گروهی باشد. تدریس بخش‌های ستاره‌دار کتاب در صورتی است که دبیر زمان کافی داشته باشد. در غیر این صورت پیشنهاد می‌شود برای دانش‌افزایی خودتان این بخش‌ها را در منزل مطالعه کنید.

سخنی ویژه با مدیران مدارس

درس عربی در رشته علوم و معارف اسلامی از دروس پایه و تخصصی است و دانش آموز برای یادگیری بهتر نیاز به زمان بیشتر دارد. توصیه می‌شود در تنظیم برنامه هفتگی به این امر مهم توجه شود. دانش آموز در پایه دوازدهم مطالب دو کتاب پیشین را نیز باید بداند؛ وگرنه در فهم کتاب حاضر دچار مشکل خواهد شد.

درس عربی در رشته علوم و معارف نسبت به سایر کتاب‌های عربی در رشته‌های دیگر دشوارتر است. با نگاهی گذرا به کتاب در می‌یابید که کتاب درسی نیازمند زمان کافی برای تدریس بهتر است.

اغلب آزمون‌های مؤسسات آمادگی برای کنکور، استاندارد و مورد تأیید کارشناسان و اهل فن نیستند؛ سؤالات آنها تله آموزشی و فاقد ارزش علمی‌اند؛ لذا نمی‌توان میزان تلاش دبیر و دانش آموز را با توجه به این آزمون‌ها سنجید؛ زیرا که بسیار دیده شده است که این مؤسسات مطالبی خارج از کتاب و بی‌ربط به اهداف دروس طراحی می‌کنند.



۱

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ



﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾

یوسف: ۲

بی‌گمان ما قرآن را به زبان عربی فرو فرستادیم شاید (باشد که، امید است) شما خردورزی کنید.

بعد نزول القرآن باللّغة العربيّة خرجت هذه اللّغة عن حدود شبه الجزيرة العربيّة وأصبحت لغة الإسلام؛ ولهذا نرى أنّ العلماء الإيرانيين بدّلوا جهداً كبيراً لتدوين قواعدها، وألفوا كتباً عديدةً في الصرف والنحو والبلاغة وعلم اللّغة والتاريخ والجغرافيا والفلسفة وتفسير القرآن وعلوم أخرى بهذه اللّغة.

★ ومن هؤلاء: سيّويه الشيرازي إمام مذهب البصريين صاحب كتاب معروف باسم «الكتاب» يشتمل على جميع قواعد الصرف والنحو. وقد ولد في القرن الثاني الهجري، وتوفّي في شيراز. والكسائي إمام مذهب الكوفيّين الذي توفّي في الرّي. وعبدالقاهر الجرجاني من مواليد مدينة جرجان صاحب كتاب «أسرار البلاغة» ولقد عاش في القرن الخامس الهجري. والتفتازاني المولود في خراسان، مؤلف كتاب «المطول» في البلاغة. والزّمخشري صاحب «الكشاف» في تفسير القرآن. وابن سينا من مدينة بخارى صاحب موسوعة «القانون في الطب». وأبورحان البيروني المولود في خوارزم صاحب «الآثار الباقية» في التاريخ والجغرافيا. والفيروزآبادي صاحب كتاب «القاموس المحيط» وهو معجم عظيم في اللّغة العربيّة. ومحمد بن جرير الطبري صاحب كتاب «تاريخ الأمم والملوك» و«جامع البيان» في تفسير القرآن. ★

توفّي: وفات يافت من مواليد...: از متولدين... المولود: زاده شده جمع: المواليد

فَالْإِيرَانِيُّونَ رَأَوْا أَنَّ هَذِهِ اللُّغَةَ لَيْسَتْ أَجْنَبِيَّةً، بَلْ هِيَ لُغَةُ دِينِهِمْ وَ ثِقَافَتِهِمْ، فَتَعَلَّمُوهَا وَ أَلَّفُوا مُعْظَمَ آثَارِهِمُ الْعِلْمِيَّةِ وَ الْأَدَبِيَّةِ بِهَا. وَ هُنَاكَ شُعْرَاءٌ أَنْشَدُوا أَشْعَاراً جَمِيلَةً بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَ هُمْ مِنْ أَصُولٍ إِيرَانِيَّةٍ، مِنْهُمْ أَبُو الْفَتْحِ الْبُسْتِيُّ مِنْ سِيِسْتَانَ، وَ بَشَّارُ بْنُ بُرْدٍ مِنْ خُرَّاسَانَ، وَ الصَّاحِبُ بْنُ عَبَّادٍ مِنْ أَصْفَهَانَ.



وَ هُكَذَا حَصَلَتْ عِلَاقَاتٌ وَثِيقَةٌ بَيْنَ اللُّغَتَيْنِ الْفَارِسِيَّةِ وَ الْعَرَبِيَّةِ. فَاسْتَعْمَلَ الْإِيرَانِيُّونَ كَلِمَاتٍ عَرَبِيَّةً فِي لُغَتِهِمْ؛ لِأَنَّهَا أَصْبَحَتْ لُغَةَ الدِّينِ وَ الْعِلْمِ، وَ مِنْ الطَّرِيفِ أَنَّهُمْ اسْتَعْمَلُوا بَعْضَ الْكَلِمَاتِ الْعَرَبِيَّةِ فِي مَعَانٍ اسْتَعْمَلَ الْعَرَبُ لَهَا كَلِمَاتٍ أُخْرَى؛ وَ كَذَلِكَ أَضَافُوا إِلَى بَعْضِ الْكَلِمَاتِ الْعَرَبِيَّةِ مَعَانِيَّ جَدِيدَةً تَخْتَلِفُ عَنِ الْمَعَانِي الْمُسْتَعْمَلَةِ لَهَا فِي الْعَرَبِيَّةِ؛ كَ «مُزْخَرْفٍ» بِمَعْنَى «مُزَيَّنٍ» فِي الْعَرَبِيَّةِ، وَ بِمَعْنَى «خُزْعَبَلٍ» فِي الْفَارِسِيَّةِ. وَ كَذَلِكَ حَوَّلُوا بَعْضَ الْكَلِمَاتِ الْعَرَبِيَّةِ إِلَى صِيغٍ فَارِسِيَّةٍ كَ «فَهْمِيدَن» مِنْ «الْفَهْم» [فَهْمٌ + يَدَنٌ = فَهْمِيدَن]

✦ بَعْضُ الْكَلِمَاتِ وَ الْمُصْطَلَحَاتِ الْعَرَبِيَّةِ الْمُسْتَعْمَلَةِ فِي الْفَارِسِيَّةِ

فِي مَعَانٍ اسْتَعْمَلَ الْعَرَبُ لَهَا كَلِمَاتٍ أُخْرَى: ✦

امنيّة بين المللي: الأَمْنُ الدُّوْلِيُّ
انزجار: الِاسْتِنْكَارُ
انعام: الِإِكْرَامِيَّةُ
انقلاب صنعتي: النُّوْرَةُ الصَّنَاعِيَّةُ
برقي: الِكَهْرَبَائِيُّ
تأسيسات حياتي: الِامْتِشَاتُ الْحَيَوِيَّةُ
تبعيد: النَّفْيُ
تجزيه طلب: الِانْفِصَالِيُّ
تحصيلات عالي: الِادْرَاسَاتُ الْعُلْيَا
تعمير: الِانْتِصَالِيحُ
تلمذ: الِاتْتَلَمُّدُ
تكاليف درسي: الِاَوْجِبَاتُ الدَّرَاسِيَّةُ
توجه فوق العاده: عِنَايَةٌ بِالْعَهْدِ الْمَدِي
توسعة روابط: تَوْسِيعُ الْعَلَاقَاتِ
توليدات داخلي: الِامْتِنِجَاتُ الْوَطَنِيَّةُ
ثبت املاك: تَسْجِيلُ الْعَقَارَاتِ
جديد التأسيس: الِامْوَسَّسُ حَدِيثًا
جرثقي: الِامْرِفَاعُ
جريمة نقدي: الِالْعَرَامَةُ النَّقْدِيَّةُ
حراج: الِاتْتِزِيْلَاتُ

ابراز احساسات: الِاتْتَعْبِيرُ عَنِ الْاَحَاسِيْسِ
اتحاديه اصناف: نِقَابَةُ الْمِهْنِيْنِ
اتصال برق: الِامْسُ الْكَهْرَبَائِيُّ
اجاره: الِاِيْجَارُ
اجازه خروج: تَصْرِيْحُ الْمُعَادَرَةِ
اختلافات مذهبي: الِانْتِعَارَاتُ الطَّائِفِيَّةُ
ارباب رجوع: الِامْرَاجِعُونَ
ازدواج: الِازْوَاجُ
استثمار: الِاسْتِغْلَالُ
استعمال دخانيات: الِالتَّدخينُ
استيضاح دولت: اسْتِجْوَابُ الْحُكُومَةِ
اشباهات: الِالْاَخْطَاءُ، الِالْاَغْلَاطُ
اشغال: الِالِاخْتِلَالُ
اصلاح صورت: جِلَاقَةُ الْوَجْهِ
خروج اضطراري: مَخْرَجُ الطَّوَارِي
اطلاع ثانوي: الِاشْعَارُ الْاُخْرَى
اعتصاب عمومي: الِالْضْرَابُ الْعَامُ
اعمال قدرت: مُمَارَسَةُ السُّلْطَةِ
اقدامات امنيتي: الِالْجَرَاءَاتُ الْاَمْنِيَّةُ
اقلام وارداتي: الِالسَّلْعُ الْمُسْتَوْرَدَةُ

فرصت طلب: الْإِنْتِهَازِيُّ

قانون اساسی: الدُّسْتُور

کثیف: الْقَدْر

لوازم التحریر: الْقِرَاسِيَّات، اَدَوَاتُ الْكِتَابَةِ

مستقیم (در پخش): الْمُبَاشِر

مستقیم (در راه): عَلَى طَوْلٍ

نظامی: الْعَسْكَرِيُّ

وکیل مدافع: الْمُحَامِي

حوزه نظام وظیفه: دَائِرَةُ التَّجْنِيدِ

خاطرات: الْذُّكْرِيَّات

درجات نظامی: الرُّتَبُ الْعَسْكَرِيَّةُ

درک مطلب: الْاِسْتِيعَاب

دوزنقه: الْمُرَبَّعُ الْمُنْحَرَفُ

روابط حسنه: الْعَلَاقَاتُ الطَّيِّبَةُ

زمام امور: مَقَالِيدُ الْحُكْمِ

سحری: اَلْسُحُور

سوء استفاده: اِسَاءَةُ الْاِسْتِعْمَالِ

شورای عالی امنیت ملی: الْمَجْلِسُ الْأَعْلَى

لِلْأَمْنِ الْقَوْمِيِّ

صدا: اَلصَّوْتُ

ضبط صوت: اَلْمُسَجَّلُ

طراح لباس: مُصَمِّمُ الْمَلَابِسِ

ظرف: وِعَاء، اِنَاء

عرضه و تقاضا: اَلْعَرْضُ وَالطَّلْبُ

عکس العمل: رَدُّ الْفِعْلِ

عکاس: اَلْمُصَوِّرُ

غیر مسلح: اَلْأَعْرَلُ

فارغ التحصیل: اَلْخَرِيْجُ

✦ بَعْضُ الْكَلِمَاتِ الْعَرَبِيَّةِ الْمُسْتَعْمَلَةِ فِي الْفَارِسِيَّةِ فِي مَعْنَى، وَ فِي الْعَرَبِيَّةِ فِي مَعْنَى آخَرَ:

مَعْنَاهَا فِي الْعَرَبِيَّةِ	مَعْنَاهَا فِي الْفَارِسِيَّةِ	الْكَلِمَةُ الْفَارِسِيَّةُ الْعَرَبِيَّةُ الْأَصْلُ
خواهر	صمیمی	اخت (الْأَخْتُ)
کودتا	جنبش	انقلاب (الْإِنْقِلَابُ)
قلقلک	مشغولیت ذهنی	دغدغه (الدَّغْدَغَةُ)
هنر	مهارت	فن (الْفَنُّ)
منسوب به روح	عالم دینی	روحانی (الرُّوحَانِيّ)
آذرخش	الکتریسیته	برق (الْبَرْقُ)
کالا	توانایی	بضاعت (الْبِضَاعَةُ)
سرگرمی	همدردی در سوگواری	تسلیت (التَّسْلِيَةُ)
آشنایی	بفرما زدن	تعارف (التَّعَارُفُ)
زایاندن	ساختن	تولید (التَّوْلِيدُ)
دانشگاه	مردمان	جامعه (الْجَامِعَةُ)
جنایت	کیفر	جریمه (الْجَرِيمَةُ)
چینه‌دان پرنده	بردباری	حوصله (الْحَوْصَلَةُ)
باغ	مجلس سوگواری	روضه (الرَّوْضَةُ)
بلند	آغل	طوبله (الطُّوبَلَةُ)
گردن	آخمو	عنق (العُنُقُ)
انبوه	ناپاک	کثیف (الْكَثِيفُ)
آراسته به زر	چرند	مزخرف (الْمُزَخْرَفُ)
آیین	مردمان	ملت (الْمِلَّةُ)
فرخنده	بوزینه	میمون (الْمَيْمُونُ)
کارمند	وظیفه‌مند	موظف (الْمُوظَّفُ)
گیاه	گونه‌ای شپرنی	نبات (النَّبَاتُ)
کلاهدار	نصب کننده	نصاب (النِّصَابُ)

أَمْثَلُهُ لِلْكَلِمَاتِ الْعَرَبِيَّةِ الَّتِي حَوَّلَهَا الْإِيرَانِيُّونَ إِلَى صِيغِ فَارِسِيَّةٍ:

«طَلْبِيدَن» مِنْ «الطَّلَبِ» وَ «يَدَن» وَ «رَقْصِيدَن» مِنْ «الرَّقْصِ» وَ «يَدَن»؛ وَ «كِتَابِدَار» مِنْ «الْكِتَابِ» وَ «دَار» وَ «قَبُولَانْدَن» مِنْ «الْقَبُولِ» وَ «أَنْدَن».

الْمُعْجَم

«مفرد: الْمَعْنَى»	الْخُرْعَبَل : چرند	الْأَجْنَبِي : بیگانه «جمع: الْأَجْنِب»
الْمُعْظَم : بیشتر	الطَّرِيف : شگفت «جمع: الطَّرَائِف»	الأَصُول : ریشه‌ها «مفرد: الأَصْل»
الْوَثِيق : استوار	الْعَدِيد : متعدّد	أَضَافَ : افزود (مضارع: يُضِيفُ)
	الْمُصْطَلَحَات : اصطلاحات	بَدَّلَ : بخشید
	مَعَانٍ (الْمَعَانِي) : معناها	بَدَّلَ جُهْدَهُ : همه تلاش خود را به کار گرفت

حَوْلَ النَّصِّ

أَكْتُبْ جَوَاباً قَصِيراً حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- هَلْ أَضَافَ الْإِيرَانِيُّونَ مَعَانِي جَدِيدَةً إِلَى بَعْضِ الْكَلِمَاتِ الْعَرَبِيَّةِ؟

۲- مَتَى خَرَجَتِ اللَّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ عَنْ حُدُودِ شِبْهِ الْجَزِيرَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟

۳- لِأَيِّ شَيْءٍ بَدَّلَ الْعُلَمَاءُ الْإِيرَانِيُّونَ جُهْدًا كَبِيرًا؟

۴- مَنْ هُمْ الشُّعْرَاءُ الْعَرَبُ مِنَ أُصُولِ إِيرَانِيَّةٍ؟

۵- لِمَاذَا اهْتَمَّ الْإِيرَانِيُّونَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟

تكملة علم الصرف الجلسة الثانية

ما هي أوزان الفعل الثلاثي المجرد؟

أوزان الفعل الثلاثي المجرد ^١					
يُفَعِّلُ	↩	فَتَحَّ -	يُفْتَحُّ	فَعَّلَ	١
يُفَعِّلُ	↩	جَلَسَ -	يَجْلِسُ		
يُفَعِّلُ	↩	نَصَرَ -	يَنْصُرُ		
يُفَعِّلُ	↩	عَلِمَ -	يَعْلَمُ	فَعَّلَ	٢
يُفَعِّلُ	↩	حَسَبَ -	يَحْسِبُ		
يُفَعِّلُ	↩	كَرَّمَ -	يَكْرُمُ	فَعَّلَ	٣

قليلُ الاستعمال

لا تُعرَفُ حَرَكَهُ عَيْنِ الْفِعْلِ فِي الْمَاضِي وَ الْمُضَارِعِ إِلَّا مِنْ كُتُبِ اللُّغَةِ.

التمرين الأول: اكتب حركة عين الفعل مستعيناً بمعجم.

ذَهَبَ، يَذْهَبُ / صَبَرَ، يَصْبِرُ / كَتَبَ، يَكْتُبُ / عَمَلَ، يَعْمَلُ / بَعَدَ، يَبْعُدُ
نَجَحَ، يَنْجَحُ / عَقَلَ، يَعْقِلُ / دَخَلَ، يَدْخُلُ / فَرَحَ، يَفْرَحُ / قَرَبَ، يَقْرُبُ



١- فَتَحَّ كَسْرٍ، فَتَحَّ صَمٌّ، فَتَحَّتَانِ

كَسْرٌ فَتَحَّ، كَسْرٌ فَتَحَّ، كَسْرٌ فَتَحَّتَانِ

«الْفِعْلُ الْمَعْلُومُ» وَ «الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ»^۱

مَا الْفَرْقُ بَيْنَ الْفِعْلِ الْمَعْلُومِ وَ الْفِعْلِ الْمَجْهُولِ؟

قَدْ تَعَلَّمْتُمْ كَيْفَ يُبْنَى الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ فِي الصَّفِّ الْعَاشِرِ.^۲

الْمُضَارِعُ الْمَجْهُولُ	الْمُضَارِعُ الْمَعْلُومُ	الْمَاضِي الْمَجْهُولُ	الْمَاضِي الْمَعْلُومُ
يُفْعَلُ	يَفْعَلُ	فُعِلَ	فَعَلَ
يُفْعَلُ	يُفْعَلُ	أُفْعِلَ	أَفْعَلَ
يُفَعَّلُ	يُفَعَّلُ	فُعِّلَ	فَعَّلَ
يُفْتَعَلُ	يُفْتَعَلُ	أُفْتَعِلَ	أَفْتَعَلَ
يُسْتَفْعَلُ	يَسْتَفْعَلُ	أُسْتَفْعِلَ	أَسْتَفْعَلَ

وَ الْآنَ أَنْظِرْ إِلَى هَذِهِ الْأَفْعَالِ الْمَعْلُومَةِ وَ الْمَجْهُولَةِ فِي الْفِعْلِ الثَّلَاثِيِّ الْمَجْرَدِ الْمُعْتَلِ:^۳

الْمُضَارِعُ الْمَجْهُولُ	الْمُضَارِعُ الْمَعْلُومُ	الْمَاضِي الْمَجْهُولُ	الْمَاضِي الْمَعْلُومُ
يُوجَدُ: يافته می شود	يَجِدُ: می یابد	وُجِدَ: یافته شد	وَجَدَ: یافت
يُقَالُ: گفته می شود	يَقُولُ: می گوید	قِيلَ: گفته شد	قَالَ: گفت
يُبَاعُ: فروخته می شود	يَبِيعُ: می فروشد	بِيعَ: فروخته شد	بَاعَ: فروخت
يُتْلَى: خوانده می شود	يَتْلُو: می خواند	تُلِيَ: خوانده شد	تَلَا: خواند
يُنْهَى: باز داشته می شود	يَنْهَى: باز می دارد	نُهِيَ: باز داشته شد	نَهَى: باز داشت

★ ۱- الْأَمْبَنِيُّ لِلْمَعْلُومِ وَ الْأَمْبَنِيُّ لِلْمَجْهُولِ

۲- بخش های داخل کادر خاکستری، یادآوری آموخته های پایه های دهم و یازدهم اند، لذا تدریس مجدد آنها ضرورتی ندارد

۳- لِلْمُطَالَعَةِ: أَنْظِرْ إِلَى هَذِهِ الْأَفْعَالِ الْمَعْلُومَةِ وَ الْمَجْهُولَةِ فِي الْمَزِيدِ الثَّلَاثِيِّ:

إِسْتَعَارَ: امانت گرفت ← أَسْتَعِيرَ: امانت گرفته شد / يَسْتَعِيرُ: امانت می گیرد ← يُسْتَعَارُ: امانت گرفته می شود
شاهد: دید ← شُوِهِدَ: دیده شد ★

الْتَمْرَيْنِ الثَّانِي: اِقْرَأِ الْآيَاتِ الْكَرِيمَةَ؛ ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمَجْهُولَةَ وَتَرْجَمَتَهَا.

۱- ﴿وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكَ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي^۱ وَغِيضَ الْمَاءِ^۲ وَقُضِيَ الْأَمْرُ^۳ وَاسْتَوَتْ^۴ عَلَى الْجُودَى^۵ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ هود: ۴۴

و گفته شد: ای زمین، آبت را فرو ببر و ای آسمان، باز ایست. و آب فرو نشانده شد و کار پایان یافت و [کشتی] بر [کوه] جودی بر نشست و گفته شد: قوم ستمگر دور باد!

۲- ﴿... يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ...﴾ آل عمران: ۲۳

به سوی کتاب خدا فراخوانده می شوند؛ تا میانشان داوری کند.

۳- ﴿إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالُوا سَاطِرُ الْأَوَّلِينَ﴾ الْمُطَفِّفِينَ: ۱۳

هرگاه آیاتمان بر وی خوانده شود می گوید: افسانه‌های پیشینیان است.

۴- ﴿وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ الْجَانَّةِ: ۲۲

و خدا آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید تا به هرکسی برای آنچه انجام داده است پاداش داده شود و آنها ستم‌دیده نمی‌شوند.

۵- ﴿... فَتُقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ...﴾ الْمَائِدَةِ: ۲۷

پس [قربانی]، از یکی از آن دو (هابیل) پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد.

۱- اِسْتَوَتْ: بر نشست (سوار شد)

۲- غَاضَ الْمَاءَ: آب در زمین فرو نشست

۳- اَقْلَعَ: باز ایستاد

المصادرُ الْجَلْسَةُ الثَّالِثَةُ

ما هو المَصْدَرُ؟

المَصْدَرُ هو ما يَدُلُّ على حَالِهِ أَوْ حَدَثٍ، دُونَ زَمَانٍ؛ نَحْوُ: «عِلْمٌ» وَ «جُلُوسٌ» وَ «تَعْلِيمٌ» وَ «إِجْلَاسٌ».

كَمْ نَوْعاً الْمَصْدَرُ؟

مَصْدَرُ الْفِعْلِ الْمُجَرَّدِ: ← الثَّلَاثِيُّ ← الْعِلْمُ، الرَّجُوعُ، الْكِتَابَةُ
← الرَّبَاعِيُّ ← الرَّزْلَزَلَةُ

مَصْدَرُ الْفِعْلِ الْمَزِيدِ الثَّلَاثِيِّ: ← التَّعْلِيمُ، الْأَرْجَاعُ، الْمُكَاتَبَةُ

الْمَصْدَرُ الْأَمِيمِيُّ: ← الْمَغْفِرَةُ، الْمَذْهَبُ

مَصْدَرُ الْمَرَّةِ: ← الضَّرْبَةُ، الْإِنْتِسَامَةُ (فِي الدَّرْسِ الثَّانِي)

الْمَصْدَرُ الصَّنَاعِيُّ: ← الْإِنْسَانِيَّةُ، الْعَالَمِيَّةُ

لِلْمَصْدَرِ أَنْوَاعٌ

✳ هَلِ الْمَصَادِرُ قِيَاسِيَّةٌ أَوْ سَمَاعِيَّةٌ؟

جَمِيعُ مَصَادِرِ الْأَفْعَالِ قِيَاسِيَّةٌ إِلَّا مَصَادِرَ الْأَفْعَالِ الثَّلَاثِيَّةِ الْمُجَرَّدَةِ، فَهِيَ سَمَاعِيَّةٌ؛ وَإِيكَ بَيَانِهَا.
لِمَصْدَرِ الْفِعْلِ الْمُجَرَّدِ الثَّلَاثِيِّ أَوْزَانٌ كَثِيرَةٌ غَيْرُ قِيَاسِيَّةٍ لَا تُعْرَفُ إِلَّا مِنَ الْمَعَاجِمِ؛ مِنْهَا:

۱. فَعْلَانُ گ «دَوْران: چرخیدن»
۲. فَعْلَانُ گ «نَسَبان: فراموش کردن»
۳. فَعْلَانُ گ «عُفْران: اَمْرزیدن»
۴. فَعَالُ گ «صُداع: سر درد»
۵. فِعَالُ گ «إِباء: ابا کردن»
۶. فَعَالُ گ «ذُهَاب: رفتن»
۷. فَعِيلُ گ «رَحِيل: کوچ کردن»
۸. فُعُولَةٌ گ «سُهُولَةٌ: آسانی، آسان بودن»
۹. فَعُولَةٌ گ «ضُرُورَةٌ: ضروری بودن»
۱۰. فِعَالَةٌ گ «زُرَاعَةٌ: کشاورزی کردن»
۱۱. فَعَالَةٌ گ «فَصَاحَةٌ: شیوایی سخن»
۱۲. فَعَلَ گ «فَرَح: شادی کردن»
۱۳. فَعَلَ گ «هُدَى: هدایت کردن»
۱۴. فَعِلَ گ «كَذِب: دروغ گفتن»
۱۵. فُعُولُ گ «فُعُود: نشستن»
۱۶. فَعُولُ گ «قَبُول: پذیرفتن»
۱۷. فَعَّلُ گ «حَمْد: ستودن»
۱۸. فِعْلُ گ «عِلْم: دانش، دانستن»
۱۹. فُعْلُ گ «شُكْر: سپاسگزاری کردن»
۲۰. فَعْلَةٌ گ «رَحْمَةٌ: مهربانی کردن»
۲۱. فَعْلَةٌ گ «قُدْرَةٌ: توانستن»
۲۲. فَعْلَةٌ گ «سَرْقَةٌ: دزدی کردن»
۲۳. فَعْلَةٌ گ «عَلَبَةٌ: چیره شدن»
۲۴. فَعَلَ گ «صَغَر: کوچکی»
۲۵. فِعْلِيُ گ «دُكْرِي: یاد کردن»
۲۶. فُعْلِيُ گ «بُشْرِي: مزه دادن»
۲۷. فُعْلِيُ گ «دَعْوِي: دعوت کردن»
۲۸. و ... *

★ لِبَعْضِ الْأَفْعَالِ الثَّلَاثِيَّةِ الْمَجْرَدَةِ عِدَّةُ مَصَادِرٍ: نَحْوُ:
قَدَرَ - قَدَرًا، قَدَرًا، قَدْرًا، قُدْرَةً، مِقْدَارًا و ... *

ما هي مَصَادِرُ الْأَفْعَالِ الثَّلَاثِيَّةِ الْمَزِيدَةِ؟
أهمُّ مَصَادِرِ الْأَفْعَالِ الثَّلَاثِيَّةِ الْمَزِيدَةِ هي:

إِفْتِعَال	إِشْتِعَال: کار کردن	إِبْتِعَاد: دور شدن
إِنْفِعَال	إِنْكَسَار: شکسته شدن	إِنْقِطَاع: بریده شدن
إِسْتِفْعَال	إِسْتِعْفَار: اَمْرزش خواستن	إِسْتِحْدَام: به کار گرفتن
تَفَعُّل	تَأْدُب: باادب شدن	تَنْبَه: آگاه شدن
تَفَاعُل	تَدَاوُع: یکدیگر را هُل دادن	تَضَارُب: یکدیگر را زدن
مُفَاعَلَةٌ	مُكَاتَبَةٌ: نامه نگاری کردن	مُجَالَسَةٌ: همنشینی کردن
إِفْعَال	إِضْحَاك: خندانیدن	إِخْرَاج: خارج کردن
تَفْعِيل	تَعْلِيم: یاد دادن	تَفْرِيح: شاد کردن

قَدْ دَرَسْتُمْ هَذِهِ الْمَصَادِرَ فِي الصَّفِّ الْعَاشِرِ.

الْمَصْدَرُ الْمِيمِيُّ وَ الْمَصْدَرُ الصَّنَاعِيُّ

ما هو الْمَصْدَرُ الْمِيمِيُّ؟

الْمَصْدَرُ الْمِيمِيُّ هُوَ مَصْدَرٌ لَا يَخْتَلِفُ فِي الْمَعْنَى عَنِ الْمَصْدَرِ الْأَصْلِيِّ؛ مِثْلُ:

«مَجْمَع : جمع شدن» و «مَشْرَب : نوشیدن» و «مَحْصَد : درو کردن»

وَقَدْ تَلَحُّقَهُ تَاءُ التَّأْنِيثِ؛ مِثْلُ:

«مَرْحَمَةٌ : مهر ورزیدن» و «مَغْفِرَةٌ : آمرزیدن» و «مَوَدَّةٌ : دوستی کردن» و «مَحَبَّةٌ : دوستی کردن».

* كَيْفَ يُبْنَى (ساخته می شود) الْمَصْدَرُ الْمِيمِيُّ؟

الْمَصْدَرُ الْمِيمِيُّ قِيَاسِيٌّ يُبْنَى مِنَ الْفِعْلِ الثَّلَاثِيِّ (غَيْرِ مُعْتَلِّ الْفَاءِ) عَلَى وَزْنِ «مَفْعَلٍ»؛ نَحْوُ:

«مَنْظَرٌ : نگاه کردن» و «مَقْتَلٌ : کشتن» و «مَرْمَى : پرت کردن» و «مَقَالٌ : گفتار»

وَيُبْنَى مِنَ الْمُعْتَلِّ الْفَاءِ (الْمِثَالِ) عَلَى وَزْنِ «مَفْعِلٍ» نَحْوُ: «مَوْعِدٌ» مِنْ «وَعَدَ، يَعِدُ» و «مَوْقِعٌ» مِنْ «وَقَعَ، يَقَعُ».

وَيُبْنَى مِنَ الْفِعْلِ الْمَزِيدِ الثَّلَاثِيِّ عَلَى وَزْنِ مُضَارِعِهِ الْمَجْهُولِ بِإِبْدَالِ حَرْفِ الْمُضَارِعَةِ مِيمًا مَضْمُومَةً «مُ»؛ نَحْوُ:

«مُكْرَمٌ : گرامی داشتن» مِنْ «يُكْرِمُ» و «مُنْحَدَرٌ : سرازیر شدن» مِنْ «يُنْحَدِرُ». *

ما هو الْمَصْدَرُ الصَّنَاعِيُّ؟

يُوجَدُ نَوْعٌ مِنَ الْمَصَادِرِ يُقَالُ لَهُ «الْمَصْدَرُ الصَّنَاعِيُّ» وَ هُوَ عِبَارَةٌ عَنِ «اسْمٍ مَنْسُوبٍ»^١

مُحَقِّقٌ بِ «تَاءِ التَّأْنِيثِ» ، وَ لَهُ مَعْنَى الْمَصْدَرِ. وَ يُبْنَى قِيَاسًا إِمَّا (خَوَاهُ) مِنْ اسْمِ الْفَاعِلِ

مِثْلُ «عَالِمِيَّةٌ» ؛ وَ إِمَّا مِنْ اسْمِ الْمَفْعُولِ مِثْلُ «مَقْبُولِيَّةٌ» ؛ وَ إِمَّا مِنْ أَفْعَلِ التَّفْضِيلِ مِثْلُ

«أَعْلَمِيَّةٌ» وَ «أَرْجَحِيَّةٌ» وَ «أَكْثَرِيَّةٌ» ؛ وَ إِمَّا مِنَ الْاسْمِ الْجَامِدِ، مِثْلُ «إِنْسَانِيَّةٌ» ؛ وَ إِمَّا مِنْ

الْمَصْدَرِ مِثْلُ «تَعْلِيمِيَّةٌ» ؛ وَ إِمَّا مِنَ الْمَصْدَرِ الْمِيمِيِّ مِثْلُ «مَصْدَرِيَّةٌ» ؛ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ مِمَّا

(از آنچه) تَعْرِفُهُ.

وَ يُشْتَرَطُ فِيهِ أَنْ لَا يَقَعَ صِفَةٌ لِمُؤَنَّثٍ، وَ إِذَا وَقَعَ صِفَةٌ فَهُوَ اسْمٌ مَنْسُوبٌ إِلَيْهِ، لَا غَيْرُ، نَحْوُ:

«الْجَائِزَةُ الْعَالَمِيَّةُ». ﴿ (الْمَوْصُوفُ وَ الصِّفَةُ)

١- الْأَسْمُ الْمَنْسُوبُ: اسْمٌ فِي آخِرِهِ يَاءٌ مُسَدَّدَةٌ لِلدَّلَالَةِ عَلَى انْتِسَابِ شَيْءٍ إِلَيْهِ؛ نَحْوُ: حَسْبِي.

عَيْنِ الْمَصْدَرِ الْمِيمِيِّ وَالْمَصْدَرِ الصَّنَاعِيِّ.

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ:

أَسْبَقِيَّةٌ، مَطْلَعٌ، أَفْضَلِيَّةٌ، عَصَبِيَّةٌ، جِنْسِيَّةٌ، مَعِيشَةٌ، مُنْطَلِقٌ، وَطَنِيَّةٌ، مَنَزَلَةٌ، مَعْدُورِيَّةٌ، مَسْرَّةٌ

الْجَلْسَةُ الرَّابِعَةُ

التَّمَارِينُ

٤

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: لِلتَّذْكَارِ: أَكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ الثَّلَاثَةَ كَالْمِثَالِ:



$$9 + 4 = 13$$

١- تِسْعَةٌ زَائِدٌ أَرْبَعَةٌ يُسَاوِي ثَلَاثَةَ عَشَرَ.

٢- سَبْعَةٌ فِي خَمْسَةٍ يُسَاوِي خَمْسَةَ وَثَلَاثِينَ.

٣- أَرْبَعُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى أَرْبَعَةٍ يُسَاوِي عَشْرَةً.

٤- سِتَّةٌ وَتِسْعُونَ نَاقِصٌ سِتَّةَ عَشَرَ يُسَاوِي ثَمَانِينَ.

٥- ثَمَانِيَةٌ وَ سِتُّونَ نَاقِصٌ أَحَدَ عَشَرَ يُسَاوِي سَبْعَةَ وَ خَمْسِينَ.

٦- وَاحِدٌ وَ عِشْرُونَ زَائِدٌ اثْنَيْنِ وَ سِتِينَ يُسَاوِي ثَلَاثَةَ وَ ثَمَانِينَ.

١- التَّذْكَارُ: يَادَاوَرِي

إِقْرَأِ النَّصَّ الثَّلَاثِيَّ، وَ عَيِّنْ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الْحَمْرَاءِ؛ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ.

الْكِتَابُ الْوَاحِدُ وَالثَّلَاثُونَ مِنْ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ

مِنْ وَصِيَّةِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِابْنِهِ الْإِمَامِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

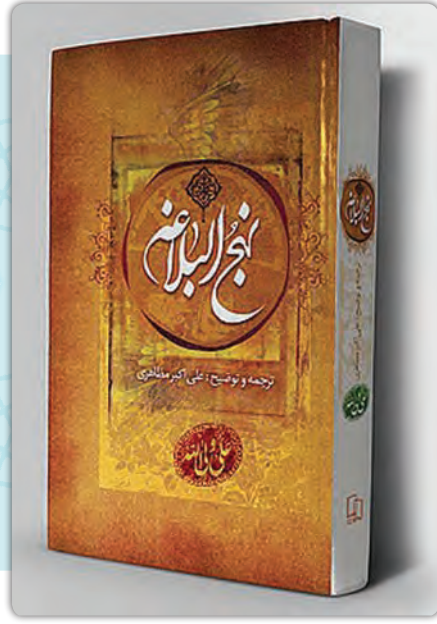
يَا بُنَيَّ، اجْعَلْ نَفْسَكَ **مِيزَانًا** فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ غَيْرِكَ؛ فَأَحِبِّ لِعَيْرِكَ مَا **تُحِبُّ** لِنَفْسِكَ؛

وَ **اَكْرَهُ** لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا؛ وَ لَا تَظْلِمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ؛ وَ أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ؛ وَ **اسْتَفْبِحْ** مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَفْبِحُهُ مِنْ غَيْرِكَ؛ ... وَ لَا تَقُلْ مَا لَا تُحِبُّ أَنْ يُقَالَ لَكَ.

نامه سی و یکم نهج البلاغه، از سفارش امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به پسرش امام حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ

پسرِ دلبندم، خودت را میان خویشتن و دیگری [همچو] ترازویی قرار بده؛ پس آنچه را برای خودت دوست می‌داری برای غیر خودت [نیز] دوست بدار؛ و برایش ناپسند بدار آنچه را برای خودت ناپسند می‌داری؛ و ستم مکن، چنانکه دوست نداری به تو ستم شود؛ و نیکی کن، چنانکه دوست می‌داری به تو نیکی شود؛ و آنچه را برای غیر خودت زشت می‌داری برای خودت [هم] زشت بدار؛ ... و چیزی را که دوست نداری برای تو گفته شود [در حق دیگران] مگو.

- ۱- ما هُوَ الْمَحَلُّ الْإِعْرَابِيُّ لـ «نَفْسٍ» فِي «نَفْسِكَ» وَ «نَفْسِكَ»؟
- ۲- ما هُوَ نَوْعُ فِعْلٍ «تَكَرَّرَ» وَ صِيغَتُهُ؟
- ۳- أَلِكَلِمَةُ «مِيزَانًا» مَعْرِفَةٌ أَمْ تَكْرَرٌ؟
- ۴- أَلَا لَزِمَ فِعْلٌ «لَا تَقُلْ» أَمْ مُتَعَدٌّ؟
- ۵- مِنْ أَيِّ بَابٍ فِعْلٌ «أَحْسِنَ»؟
- ۶- أَدُّكُرُ فِعْلَيْنِ لِلْأَمْرِ، وَ مُضَارِعًا مَرْفُوعًا، وَ مُضَارِعًا مَنصُوبًا، وَ مُضَارِعًا مَجزُومًا:



التمرين الثالث: للتذكاري: للتَرْجَمَةِ.

- ١- هُوَ قَدْ رَجَعَ: ٢- هُوَ قَدْ يَرْجِعُ:
- ٣- هُوَ لَا يَرْجِعُ: ٤- هُوَ كَانَ قَدْ رَجَعَ:
- ٥- هُوَ يُرِيدُ أَنْ يَرْجِعَ: ٦- رَجَاءً؛ إِرْجِعْ:
- ٧- مِنْ فَضْلِكَ؛ لَا تَرْجِعْ: ٨- هُوَ سَيَرْجِعُ:
- ٩- هُوَ سَوْفَ يَرْجِعُ: ١٠- هُوَ لَنْ يَرْجِعَ:
- ١١- هُوَ لَمْ يَرْجِعْ: ١٢- هُوَ مَا رَجَعَ:
- ١٣- إِنْ تَرْجِعْ أَرْجِعْ: ١٤- هُوَ كَانَ يَرْجِعُ:

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ:

أَعْرَبْ مَا تَحْتَهُ خَطًّا.

- ١- ﴿ وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ﴾ آل عمران: ١٧٤
- ٢- ﴿ وَ كَانَ سَعِيْكُمْ مَشْكُورًا ﴾ الإنسان: ٢٢
- ٣- ﴿ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ﴾ هود: ١١٤
- ٤- ﴿ إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطِيَايَنَا ﴾ الشعراء: ٥١
- ٥- ﴿ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ ﴾ البقرة: ١٨٥
- ٦- ﴿ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا ﴾ الإسراء: ٣٤
- ٧- ﴿ وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ ﴾ الشعراء: ٨٤

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ:

عَيِّنِ الْإِجَابَةَ الصَّحِيحَةَ.

- ١- مَنْ رَفَعَ حَجْرًا عَنِ الطَّرِيقِ، كُتِبَتْ لَهُ ... حَسَنَةٌ □ حَسَنَةٌ □ حَسَنَةٌ □
- ٢- إِنَّكُمْ ... حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ. مَسْؤُولُونَ □ مَسْؤُولِينَ □ مَسْؤُولَاتٌ □
- ٣- لَا تَظْلِمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ ... تَظْلَمَ □ تَظْلَمَ □ تَظْلِمَ □
- ٤- النَّاسُ عَلَى دِينٍ ... هِمِّهِمْ. مُلُوكٌ □ مُلُوكٌ □ مُلُوكِ □
- ٥- عَاتِبٌ ... بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ. أَخُوكَ □ أَخَاكَ □ أَخِيكَ □
- ٦- لَا ... أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ. لِبَاسٌ □ لِبَاسٌ □ لِبَاسِ □
- ٧- الصَّبْرُ ... الْفَرَجِ. مِفْتَاحٌ □ مِفْتَاحَ □ الْمِفْتَاحِ □

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِنِحَتْ عَنْ قَصِيدَةٍ مَنسُوبَةٍ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ ثُمَّ أَكْتُبُ ثَلَاثَةَ آيَاتٍ مِنْهَا وَ تَرْجُمُهَا وَ زَيَّنُّهَا بِصُورَةٍ مُنَاسِبَةٍ وَ صَعَّهَا فِي مَدُونَتِكَ أَوْ مَدُونَةِ مَدْرَسَتِكَ أَوْ فِي صَحِيفَةٍ جِدَارِيَّةٍ.





۲

الدَّرْسُ الثَّانِي



﴿... لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا...﴾

آلِ عَمْرَانَ: ٩٧

حجّ خانه [خدا] بر مردم بر کسانی که بتوانند به سوی آن راه یابند واجب الهی است.

مَكَّةُ الْمُكْرَمَةِ وَ الْمَدِينَةُ الْمُتَوَرَّةُ
الْجَلْسَةُ الْخَامِسَةُ

جَلَسَ أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ أَمَامَ التَّنْفَازِ وَ هُمْ يُشَاهِدُونَ الْحُجَّاجَ فِي الْمَطَارِ. نَظَرَ «عَارِفٌ»
إِلَى وَالِدَيْهِ، فَرَأَى دُمُوعَهُمَا تَتَسَاقَطُ مِنْ أَعْيُنِهِمَا. فَسَأَلَ عَارِفٌ وَالِدَهُ مُتَعَجِّبًا: يَا
أَبِي، لِمَ تَبْكِي؟!



الْأَبُ: حِينَمَا أَرَى النَّاسَ يَذْهَبُونَ إِلَى الْحَجِّ، تَمُرُّ أَمَامِي ذِكْرِيَاتِي؛ فَأَقُولُ فِي

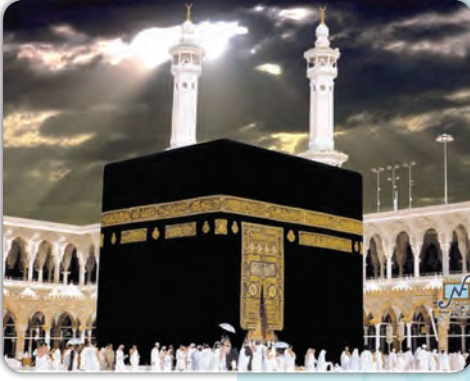
نَفْسِي: يَا لَيْتَنِي أَذْهَبُ مَرَّةً أُخْرَى!

رُفِيَّةُ: وَلَكِنَّكَ أَدَيْتَ فَرِيضَةَ الْحَجِّ فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ مَعَ أُمِّي!

الْأُمُّ: لَقَدْ اشْتَقُّ أَبُوكُمَا إِلَى الْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ وَ الْبَقِيعِ الشَّرِيفِ.

عَارِفٌ: أَأَنْتِ مُشْتَاقَةٌ أَيْضًا؛ يَا أُمَّاهُ؟

الْأُمُّ: نَعَمْ، بِالتَّأَكِيدِ يَا بِنْتِي.



الْأَبُ: كُلُّ مُسْلِمٍ حِينَ يَرَى هَذَا الْمَشْهَدَ، يَشْتَأِقُ إِلَيْهِ.

عَارِفٌ: مَا هِيَ ذِكْرِيائَتُكُمَا عَنِ الْحَجِّ؟

الْأَبُ: أَتَذَكِّرُ خِيَامَ الْحُجَّاجِ فِي مَنَى وَ عَرَفَاتِ، وَ رَمَى الْجَمْرَاتِ وَ الطَّوَافَ حَوْلَ

الْكَعْبَةِ الشَّرِيفَةِ وَ السَّعْيَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرَّةِ، وَ زِيَارَةَ الْبَقِيعِ الشَّرِيفِ.



الأم: وَ أَنَا أَتَذَكَّرُ جَبَلَ النُّورِ الَّذِي كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَتَعَبَّدُ فِي غَارِ حِرَاءِ
الواقع فِي قِمَّتِهِ.

رُقيَّة: أَنَا قَرَأْتُ فِي كِتَابِ التَّرْبِيَةِ الدِّينِيَّةِ أَنَّ أَوْلَى آيَاتِ الْقُرْآنِ نَزَلَتْ عَلَيَّ
النَّبِيِّ ﷺ فِي غَارِ حِرَاءِ.
هَلْ رَأَيْتِ الْغَارَ؟ يَا أُمَاهُ؟

الأم: لَا، يَا بِنْتِي. الْغَارُ يَقَعُ فَوْقَ جَبَلٍ مُرْتَفِعٍ، لَا يَسْتَطِيعُ صُعودَهُ إِلَّا الْأَقْوِيَاءُ،
وَ أَنْتِ تَعْلَمِينَ أَنَّ رِجْلِي تُؤَلِّمُنِي.



رُقيَّة: هَلْ رَأَيْتُمَا غَارَ ثَوْرٍ الَّذِي لَجَأَ إِلَيْهِ النَّبِيُّ ﷺ فِي طَرِيقِ هِجْرَتِهِ إِلَى
الْمَدِينَةِ الْمُنَوَّرَةِ؟

الأم: لَا، يَا عَزِيزَتِي؛ أَنَا أَتَمَنَّى أَنْ أَتَشَرَّفَ مَعَ جَمِيعِ أَعْضَاءِ الْأُسْرَةِ وَ مَعَ الْأَقْرِبَاءِ
لِزِيَارَةِ مَكَّةِ الْمُكْرَمَةِ وَ الْمَدِينَةِ الْمُنَوَّرَةِ مَرَّةً أُخْرَى وَ أَزُورَ هَذِهِ الْأَمَاكِنَ.



زَارَ : دیدار کرد (مضارع: يَزُورُ)

«زُرْتُ: دیدار کردم»

السَّعَى : دويدن ، تلاش

الْقِمَمَ : قله «جمع: الْقِمَم»

لَجَأَ إِلَى : به ... پناه بُرد

مَرَّ : گذر کرد (مضارع: يَمُرُّ)

الْمَشْهَد : صحنه

تَعَبَدَ : عبادت کرد

التَّلْفَاز : تلویزیون

تَمَنَّى : آرزو داشت

(مضارع: يَتَمَنَّى)

الْخِيَام : چادرها «مفرد: الْخَيْمَة»

الرَّجُل : پا «جمع: الْأَرْجُل»

رَمَى الْجَمْرَات : پرتاب ریگ ها

(در مراسم حج)

أَلَمَ : به درد آورد

(مضارع: يُؤْلِمُ)

«رَجُلِي تُوْلِمَنِي: پایم درد می کند»

إِشْتَقَ : مشتاق شد

(مضارع: يَشْتَقُ)

أُمَاهُ : ای مادرم

بُنِيَّ : پسرکم

بُنَيْتِي : دخترکم

عَيِّنْ جَوَابَ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ مِنَ الْعُمُودِ الثَّانِي. (اثنان زائدان)

يَكُونُ مُرْتَفِعًا.

إِشْتَقَ إِلَيْهِ.

وَالِدَا الْأُسْرَةِ.

أَمَامَ التَّلْفَازِ.

رَأْسِي يُؤْلِمُنِي.

الْحُجَّاجَ فِي الْمَطَارِ.

لِأَنَّ رَجُلَ الْأُمِّ كَانَتْ تُؤْلِمُهَا.

۱- لِماذا لَمْ تَصْعَدْ وَالِدَةُ عَارِفٍ وَ رُقَيْةَ جَبَلِ النُّورِ؟

۲- ماذا كَانَ أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ يُشَاهِدُونَ؟

۳- أَيْنَ جَلَسَ أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ؟

۴- كَيْفَ يَكُونُ جَبَلُ النُّورِ؟

۵- مَنْ كَانَ يَبْكِي؟



مَصَدْرَا الْمَرَّةِ وَالنَّوْعِ الْجَلْسَةِ السَّادِسَةُ

ما هو مَصَدْرُ الْمَرَّةِ؟

مَصَدْرُ الْمَرَّةِ يَدُلُّ عَلَى وَقْعِ الْفِعْلِ مَرَّةً وَاحِدَةً؛ نَحْوُ:

«صَرَبْتُهُ **صَرْبَةً**» (به او يك ضربه زد.) وَ

«أَخَذْتُهُ **أَخْذَةً**». (او را يك بار گرفتم.)

ما هو مَصَدْرُ النَّوْعِ؟

مَصَدْرُ النَّوْعِ يَدُلُّ عَلَى هَيْئَةِ الْفِعْلِ؛ نَحْوُ:

«**قَعْدَةُ** الْوَقُورِ جَمِيلَةٌ.»

طرزِ نَشِسْتَنِ شَخِصِ باوقار، زيباست.

«**فِرْحَةُ** الْعَاقِلِ يَزِينُهَا الْإِعْتِدَالُ.»

ميانه‌روى، **طرزِ شادي** خردمند را زينت مى‌دهد.

«**إِخْذَةُ** الذِّئْبِ قَرِيسَتُهُ سَرِيعَةٌ!»

طرزِ شكار گرفتنِ گرگ، سريع است.

۱- «جَلَسْتُ بَيْنَ زَمَلَائِي **جِلْسَةَ** الْمُعَلِّمِ.» وَ «وَتَبَّ عَلَى الْعَدُوِّ وَتَبَّتْ الْأَسَدِ.» وَ «خَبَرْتُ صَدِيقِي **خِبْرَةَ** الْحَكِيمِ.»

كَيْفَ يُبْنَى مَصَدَرُ الْمَرَّةِ وَالنُّوعِ؟

إِذَا كَانَ الْفِعْلُ ثَلَاثِيًّا مُجَرَّدًا، يُبْنَى مَصَدَرُ الْمَرَّةِ مِنْهُ عَلَى وَزْنِ «فَعْلَةٌ» كَ «جَلَسَةٌ».

وَمَصَدَرُ النَّوْعِ عَلَى وَزْنِ «فَعْلَةٌ» كَ «جَلَسَةٌ».

وَإِذَا كَانَ الْفِعْلُ غَيْرَ ثَلَاثِيٍّ مُجَرَّدٍ، يُبْنَى مَصَدَرُ الْمَرَّةِ مِنْهُ عَلَى وَزْنِ مَصَدَرِ فِعْلِهِ مَخْتِومًا

بِـ «تَاءِ الثَّانِيَةِ»؛ نَحْوُ: «إِبْتَسَمْتُ ابْتِسَامَةً.» وَ «إِلْتَفَتُ الْتِفَاتَةً.» وَ «إِنْطَلَقْتُ انْطِلَاقَةً.»

أَمَّا مَصَدَرُ النَّوْعِ مِنْهُ فَيَبْقَى الْمَصَدَرُ عَلَى حَالِهِ «مَوْصُوفًا بِصِفَةٍ» أَوْ «مُضَافًا»؛ نَحْوُ:

«إِبْتَسَمْتُ ابْتِسَامًا جَمِيلًا» وَ «إِلْتَفَتُ الْتِفَاتَ الْغَزَالِ» وَ «إِنْطَلَقْتُ انْطِلَاقَ الصَّارُوخِ».

★ وَإِذَا كَانَ مَصَدَرُ الْفِعْلِ عَلَى وَزْنِ مَصَدَرِ الْمَرَّةِ أَوْ النَّوْعِ وَجَبَ تَقْيِيدُهُ فِي مَصَدَرِ الْمَرَّةِ

بِكَلِمَةٍ تَدُلُّ عَلَى الْوَحْدَةِ وَ فِي مَصَدَرِ النَّوْعِ بِكَلِمَةٍ تَدُلُّ عَلَى الصِّفَةِ وَالْحَالَةِ، لِئَلَّا يَلْتَبَسَ

بِالْمَصَدَرِ الْمَحْضِ؛ فَتَقُولُ:

«رَحِمْتُهُ رَحْمَةً وَاحِدَةً.» أَوْ «مَا رَحِمْتُهُ غَيْرَ رَحْمَةٍ.» وَ «دَحْرَجْتُهُ دَحْرَجَةً لَا غَيْرُ.» وَ

«خَبَرْتُهُ خَبْرَةً حَكْمِيَّةً.»

مَصَدَرُ النَّوْعِ يُسَمَّى مَصَدَرَ الْهَيْئَةِ أَيْضًا.★

الْتَمْرِينُ الْأَوَّلُ:

■ أ. اِفْرَأِ الْجَمَلَ التَّالِيَةَ؛ ثُمَّ تَرْجِمُهَا؛ ب. ثُمَّ عَيِّنْ مَصْدَرَ الْمَرَّةِ وَ مَصْدَرَ النَّوْعِ فِيهَا.

١- اِنْتَفَضَ الْمَظْلُومُونَ ضِدَّ الظَّالِمِينَ اِنْتِفَاضَةً قَوِيَّةً.

٢- لَعِبْتُ كُرَةَ الْمِنْضَدَةِ لِعِبَّةِ الْفَائِزِ الْأَوَّلِ.

٣- لَبِسْنَا مَلَابِسَ شَتَوِيَّةً^٢ لِبَسَةِ الْإِسْكِيمُو.

٤- اسْتَقَامُوا اسْتِقَامَةً وَاحِدَةً.

٥- اسْتَكْبَرَ الظَّالِمُ اسْتِكْبَارَةً.

٦- اِنْسَحَبَ الْجَيْشُ اِنْسِحَابَةً.

٧- قَعَدْنَا فِي الصِّيَافَةِ قَعْدَةً.

٨- اَمْشِي فِي الْبُسْتَانِ مَشِيَّةً.

٩- جَلَسْنَا جِلْسَةً الصُّيُوفِ.

١٠- هَزَّ^٣ الزَّلْزَالُ الْأَرْضَ هَزَّةً.

١١- اَعَيْنُونَا اِعَانَةً وَاحِدَةً.

١٢- رَمَيْتُ الْخَشَبَ رَمِيَّةً.

١٣- نَعَيْشُ عَيْشَةَ الرَّهَادِ.

١٤- وَقَفَ الْجُنُودُ وَقْفَةً.

١٥- نَظَرْتُمْ اِلَيْهِ نَظْرَةً.

٣- هَزُّ: تَكَان دَاد

٢- الشَّتَوِيُّ: زَمِسْتَانِي

١- اِنْتَفَضَ: جُنْبِيد وَ كَوْشِيد

الاسم المَقْصُورَ وَ الْمَمْدُودُ وَ الْمَنْقُوصُ

كَمْ نَوْعاً لِاسْمِ الْمُعْرَبِ بِاعْتِبَارِ آخِرِهِ؟

الاسْمُ الْمُعْرَبُ بِاعْتِبَارِ حَرْفِهِ الْآخِرِ، ثَلَاثَةٌ أَنْوَاعٍ: (قَدْ دَرَسْتُمْ هَذِهِ الْأَسْمَاءَ فِي الصَّفِّ الْحَادِي عَشَرَ).

الاسْمُ الْمَقْصُورُ وَ هُوَ مَا خُتِمَ بِـ «أَلِفٍ لَازِمَةٍ» كـ «الْفَتَى» وَ «الْمُجْتَبَى» وَ «العَصَا»

الاسْمُ الْمَنْقُوصُ وَ هُوَ مَا خُتِمَ بِـ «يَاءٍ لَازِمَةٍ»، قَبْلَهَا «كَسْرَةٌ» كـ «الْمَاشِي» وَ «الْمُسَاوِي».

الاسْمُ الْمَمْدُودُ وَ هُوَ مَا خُتِمَ بِـ «هَمْزَةٍ»، قَبْلَهَا «أَلِفٌ زَائِدَةٌ» كـ «السَّمَاءِ» وَ «الإِعْطَاءِ».

وَ مَا خُتِمَ بِغَيْرِ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ صَاحِبُ الْآخِرِ؛ نَحْوُ: «الرَّجُلِ» وَ «الكِتَابِ».

الْتَّمَرِينَ الثَّانِي:

عَيِّنِ الْمَقْصُورَ وَ الْمَمْدُودَ وَ الْمَنْقُوصَ وَ صَاحِبَ الْآخِرِ مِنَ الْأَسْمَاءِ الثَّلَاثِيَّةِ.

الْمُرْتَضَى، الْعُظْمَى، الدَّاعِي، الْحَمْرَاء، الْحَسَنَاء، الْكَافِي، الْبُكْمَاء (لال)، الْأَعْلَى، النَّدَاء،

الْمَرْمَى، الْقَمَح، الصُّغْرَى، الْإِبْتِدَاء، الْأَعْمَى (نابينا)، الْعُلَى، الْمَتَعَدَّى، الْمَتَوَفَّى، الْإِسْتِعْلَاء،

الْإِرْتِقَاء، الْإِنْهَاء، الْإِرْتِضَاء، الْمُرَافِق



١- ملاحظة: لَيْسَتْ هَذِهِ الْأَسْمَاءُ مَنْقُوصَةً: عَلِيٌّ وَ وَلِيٌّ وَ وَصِيٌّ؛ لِأَنَّهَا خُتِمَتْ بِـ «يَاءٍ مُشَدَّدَةٍ» (ع ل ي / و ل ي / و ص ي)

تَكْمِلَةُ الْمُدْكَرِ وَالْمَوْثُتِ الْجَلْسَةُ السَّابِعَةُ

في كم موضع يكون المَوْثُتُ المَعْنَوِيُّ؟
يكون المَوْثُتُ المَعْنَوِيُّ في أَرْبَعَةِ مَوَاضِعَ:

- ١- أَعْلَامُ الْإِنَاثِ^١ كـ « مَرِيَمَ وَ زَيْنَبَ وَ شَهْرزَادَ وَ سَارَا وَ نَرْجِسَ ».
- ٢- الْأَسْمَاءُ الْمُخْتَصَّةُ بِالْإِنَاثِ كـ « أُمٌّ وَ أُخْتٌ وَ حَامِلٌ^٢ ».
- ٣- أَكْثَرُ أَسْمَاءِ الْبُلْدَانِ وَ الْمُدُنِ وَ الْقَبَائِلِ كـ « إِيرَانَ وَ تَبْرِيْزَ وَ فَرِيْشَ ».
- ٤- أَكْثَرُ أَسْمَاءِ الْأَعْضَاءِ الْمُرْدَوِجَةِ لِلْجِسْمِ كـ « يَدَ وَ رِجْلَ وَ عَيْنَ وَ كَتِفَ وَ كَفَّ وَ عَضُدَ^٣ وَ فَخْذَ^٤ ».

★ الْمَوْثُتَاتُ الْمَعْنَوِيَّةُ

هُنَاكَ كَثِيرٌ مِنَ الْمَوْثُتَاتِ الْمَعْنَوِيَّةِ لَا تَدْخُلُ تَحْتَ الصُّوَابِطِ الْأَرْبَعِ الَّتِي ذَكَرْنَاهَا سَابِقًا؛ مِنْهَا: أَرْضُ ،
أَرْزَبُ (خرگوش) ، إِضْبَعُ (أفعى) (أفعى) ، بَيْتْرُ ، جَحِيمُ (دوزخ) ، جَهَنَّمُ ، حَرْبُ ، دَلُوٌ ، دَارُ ، رَجِمُ ، رَحَى
(آسياب) ، رِيحُ ، سَقَرُ (دوزخ) ، سِنٌّ ، شَمْسُ ، شِمَالُ ، عَصَا ، فَأْسُ (تبر) ، فَلَكُ ، قَوْسُ (كمان) ، كَأْسُ ،
نَارُ ، نَعْلُ ، يَمِينُ وَ ... ★

★ وَ وَرَدَتْ أَسْمَاءٌ يَجُوزُ فِيهَا التَّذْكِيرُ وَ التَّنْأِيثُ؛ مِنْهَا:

إِبْطُ (زير بغل) ، حَالُ ، حَانُوتُ ، حَمْرُ (باده) ، دِرْعُ (زره) ، دَهَبُ ، سَكِّينُ (چاقو) ، سُلْمُ (نردبان) ، پَلَهُ ،
سِلْمُ ، سَمَاءُ ، صُحَى (نور خورشيد) ، پيش از نيمروز) ، طَرِيقُ ، عَجَزُ (پايان هر چيز) ، سَرِينُ ، عَقَابُ ،
عَقْرَبُ ، عُنُقُ (گردن) ، عَنكَبُوتُ ، فِرْدَوْسُ ، فَرَسُ ، قِدْرُ (ديگ) ، قَفَا (پشت) ، كَبِدُ ، لِسَانُ ، مِسْكُ ، مِلْحُ
(نمك) ، مَنجَنِيْقُ ، نَفْسُ ، وَرَاءُ وَ ... ★

كَيْفَ تُؤَنِّثُ الصِّفَاتُ؟ أَنْتَ: مُؤَنِّثٌ كَرْدٌ

تُؤَنِّثُ الصِّفَاتُ بِإِلْحَاقِ التَّاءِ الْمَرْبُوطَةِ بِهَا؛ نَحْوُ: « مُسْلِمٌ = مُسْلِمَةٌ » وَلَكِنْ قَدْ حَرَجَتْ عَنْ هَذِهِ الْقَاعِدَةِ:

الْصِّفَةُ عَلَى وَزْنِ « فَعْلَانٌ » ، فَتُؤَنِّثُ عَلَى وَزْنِ « فَعْلَى » غَالِبًا؛ نَحْوُ:

« كَسْلَانٌ = كَسْلَى (تنبل) » وَ « جَوْعَانٌ = جَوْعَى (گرسنه) » وَ « غَضْبَانٌ = غَضْبَى »

الْصِّفَةُ الْمُسَبَّهَةُ عَلَى وَزْنِ « أَفْعَلٌ » ، فَتُؤَنِّثُ عَلَى وَزْنِ « فَعْلَاءٌ » ؛ نَحْوُ:

« أَخْضَرٌ = خَضْرَاءٌ » وَ « أَبْكَمٌ = بَكْمَاءٌ : (لال) »

أَفْعَلُ التَّفْضِيلِ يُؤَنِّثُ عَلَى وَزْنِ « فُعْلَى » ؛ نَحْوُ:

« أَعْظَمٌ = عَظْمَى » وَ « أَكْبَرٌ = كُبْرَى » وَ « أَحْسَنٌ = حُسْنَى »

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ:

عَيِّنْ نَوْعَ الْمَذَكَّرِ وَالْمُؤَنَّثِ.

الأب: الأُمُّ: الأُمِّشِيش:

المِطْرَقَةُ: حَمْرَةٌ: مَرِيمٌ:

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ:

تَرْجِمِ الصِّفَاتِ التَّالِيَةَ؛ ثُمَّ عَيِّنْ مَا هُوَ لِلْمَذَكَّرِ أَمْ لِلْمُؤَنَّثِ مِنْهَا.

البَيْضَاءُ : الأَفْضَلُ :

العَطَشَى : الأَفْرَحَانُ :

الأَفْضَلَى : الأَحْسَنَى :

الأَعْلَى : الأَمْلِيحَةَ :

الأَكْسَلُ : الأَمْحَسِنُ :

التمرين الأول: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تَنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى فِي الْمَعْنَى مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ.

- | | | | | | | | |
|-----------------|--------------------------|--------------|--------------------------|-------------|--------------------------|--------------|--------------------------|
| 1- التُّلْفَاز | <input type="checkbox"/> | الْمَسْجَل | <input type="checkbox"/> | الْمُكَيَّف | <input type="checkbox"/> | الْمَشْهَد | <input type="checkbox"/> |
| 2- الصَّارُوخ | <input type="checkbox"/> | الْقِمَّة | <input type="checkbox"/> | الطَّائِرَة | <input type="checkbox"/> | السَّفِينَة | <input type="checkbox"/> |
| 3- الْخَرِيفِي | <input type="checkbox"/> | الصَّيْفِي | <input type="checkbox"/> | الْشَّتَوِي | <input type="checkbox"/> | الرَّاجِي | <input type="checkbox"/> |
| 4- الْأَجْنَبِي | <input type="checkbox"/> | الْمُوَاطِن | <input type="checkbox"/> | الْوَثِيق | <input type="checkbox"/> | الْجَار | <input type="checkbox"/> |
| 5- الْمِكْتَسَة | <input type="checkbox"/> | الْمَكْتَبَة | <input type="checkbox"/> | الْمَلْعَب | <input type="checkbox"/> | الْمَطْعَم | <input type="checkbox"/> |
| 6- النُّظَارَة | <input type="checkbox"/> | الْعَسَالَة | <input type="checkbox"/> | الْمِصْعَد | <input type="checkbox"/> | الْصَّدَاقَة | <input type="checkbox"/> |

التمرين الثاني: اُكْتُبْ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ مِنْ الْكَلِمَاتِ الْجَدِيدَةِ لِلدَّرْسِ الثَّانِي.

1. ابْنِي الصَّغِيرُ.
2. بِنْتِي الصَّغِيرَة.
3. أَعْلَى الْجَبَلِ، وَرَأْسُهُ.
4. مَنَسُوبٌ إِلَى فَصْلِ الشُّتَاءِ.
5. مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ نَمَشِي بِهِ.
6. بُيُوتٌ مَصْنُوعَةٌ مِنَ الْقُمَاشِ أَوْ الْأَغْصَانِ.
7. جِهَازٌ لِلْحَرْبِ يُفَدَّفُ إِلَى مَسَافَاتٍ بَعِيدَةٍ؛ ثُمَّ يَنْفَجِرُ.

الْتَمْرِينُ الثَّالِثُ: عَيْنِ الْأَفْعَالِ الْمَعْتَلَّةِ وَنَوْعِهَا، وَالْأَفْعَالِ الْمُضَاعَفَةِ، وَالْمَهْمُوزَةِ؛ ثُمَّ أَكْتُبُ صِيغَتَهَا.

١- ﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ

يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ﴾ التَّوْبَةُ: ١٨

٢- ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ...﴾ آلِ عِمْرَانَ: ٣١

٣- ﴿وَمَا تَقْدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ...﴾ الْبَقَرَةَ: ١١٠

٤- ﴿إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ النَّحْلُ: ١٨

٥- ﴿رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ﴾ الشُّعْرَاءُ: ٨٣

٦- ﴿أَتَأْمُرُونَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ...﴾ الْبَقَرَةَ: ٤٤

٧- ﴿إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ﴾ الْمَائِدَةَ: ٢٨

التَّمَرِينُ الرَّابِعُ: اِنْتِخِبْ لِلْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

١. قَدْ أُلْفَتْ ... مَوْسُوعَةً عَنِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (عَلَيْهَا السَّلَامُ). أَكْبَرُ كَبِيرٌ كُبْرَى
٢. أَحَبُّ وَطَنِي إِيرَانَ أَلْ ... كَثِيرًا. الْجَمِيلَةُ الْجَمِيلَ الْجَمِيلَةَ
٣. قُلْتُ لِلطَّبِيبِ: «رِجْلِي ...». يُؤْلَمُنِي تُؤْلَمُنِي يُؤْلِمُ
٤. تِلْكَ الطِّفْلَةُ الْبَاكِئَةُ ... جِدًّا. جَوْعَى جَوْعَانُ جَائِعٌ
٥. فِي هَذَا الْبَحْرِ جَزِيرَةٌ ... أَحْضَرُ حَضْرَاءُ حَضِرُ
٦. أَلِاسْمُ الْمَمْدُودُ نَحْوُ ... الْحَمْرَاءِ الْمَاشِي الْفَتَى
٧. أَلِاسْمُ الْمَقْصُورُ نَحْوُ ... الْقِمَّةِ الْخِيَامِ الْعُظْمَى



۳

الدَّرْسُ الثَّالِثُ



﴿فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا
غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...﴾

آل عمران: ۱۵۹

پس به [برکت] رحمتی از سوی خدا با آنان نرمخو شدی، و اگر تندخو و سنگدل بودی، بی‌گمان از اطرافت پراکنده می‌شدند.

٩ ثلاث قصص قصيرة (بتصرفي) الجلسة التاسعة

١. احترام الأطفال

ذات يوم كان رجلٌ جالساً عند رسول الله ﷺ. وَ بَعْدَ لَحْظَاتٍ جَاءَ ابْنُهُ وَ سَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ؛ ثُمَّ رَاحَ نَحْوَ وَالِدِهِ، فَقَبَّلَهُ الْأَبُ وَ أَجْلَسَهُ عِنْدَهُ. فَرِحَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ عَمَلِهِ. وَ بَعْدَ قَلِيلٍ جَاءَتْ بِنْتُهُ، وَ سَلَّمَتْ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ؛ ثُمَّ رَاحَتْ نَحْوَ وَالِدِهَا. أَمَّا الْوَالِدُ فَلَمْ يَقْبَلْهَا وَ لَمْ يُجْلِسْهَا عِنْدَهُ. فَانْزَعَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ قَالَ:



«لِمَ تَفْرُقُ بَيْنَ أَطْفَالِكَ؟!»

نَدِمَ الرَّجُلُ وَ أَخَذَ يَدَ بِنْتِهِ وَ قَبَّلَهَا، وَ أَجْلَسَهَا عِنْدَهُ.

٢. الشَّيْمَاءُ بِنْتُ حَلِيمَةَ

كَانَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ أُخْتُ مِنَ الرِّضَاعَةِ اسْمُهَا الشَّيْمَاءُ.

كَانَتْ الشَّيْمَاءُ تَحْضُنُ النَّبِيَّ ﷺ صَغِيرًا وَ تَلَاعِبُهُ وَ تَقُولُ:

يَا رَبَّنَا أَبْقِ لَنَا مُحَمَّدًا حَتَّىٰ أَرَاهُ يَافِعًا وَ أَمْرَدًا

أَكْرُمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرَ لَكُمْ. رسول الله ﷺ



وَ كَانَ النَّبِيُّ ﷺ شَدِيدَ التَّعَلُّقِ بِهَا فِي الطُّفُولَةِ؛ فَمَرَّتِ الْأَيَّامُ وَ فِي غَزْوَةِ حُنَيْنٍ فِي السَّنَةِ الثَّامِنَةِ بَعْدَ الْهَجْرَةِ وَ قَعَتِ الشَّيْمَاءُ أَسِيرَةً بِيَدِ الْمُسْلِمِينَ؛ فَقَالَتْ لَهُمْ: «إِنِّي لِأَخْتُ النَّبِيِّ ﷺ مِنَ الرِّضَاعَةِ...»؛ فَلَمْ يُصَدِّقُوا قَوْلَهَا، فَأَخَذُوهَا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، فَعَرَفَهَا وَ أَكْرَمَهَا وَ بَسَطَ لَهَا رِدَاءَهُ؛ ثُمَّ أَجْلَسَهَا عَلَيْهِ، وَ حَيَّرَهَا بَيْنَ الْإِقَامَةِ مَعَهُ مُعَزَّزَةً أَوْ الْعُودَةِ إِلَى قَوْمِهَا سَالِمَةً رَاضِيَةً، فَأَخْتَارَتِ الشَّيْمَاءُ قَوْمَهَا، فَأَعْتَقَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، وَ أَرْسَلَهَا إِلَى قَوْمِهَا بِإِعْزَازٍ. فَاسْلَمَتْ وَ دَافَعَتْ عَنْ أُخْيَاهَا وَ دَعَتْ قَوْمَهَا إِلَى الْإِسْلَامِ وَ بَيَّنَّتْ أَخْلَاقَ النَّبِيِّ ﷺ لَهُمْ فَأَسْلَمُوا.

﴿فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾

آل عمران: ١٥٩

٣. الْعَجُوزُ الْمُحْسِنُ

شَاهِدَ «كِسْرَى أَنْوَشِرَوَانُ» يَوْمًا فَلَحَا عَجُوزًا يَغْرِسُ فَسِيلَةَ جَوْزٍ، فَتَعَجَّبَ وَ قَالَ:

«أَيُّهَا الْفَلَّاحُ، أَتَأْمُلُ أَنْ تَعِيَشَ حَتَّى تَأْكُلَ مِنْ ثَمَرِهَا؟!

أَلَا تَعْلَمُ أَنَّهَا لَا تُثْمِرُ عَادَةً إِلَّا بَعْدَ عَشْرِ سَنَوَاتٍ؟!

فَقَالَ الْعَجُوزُ: غَرَسَ الْآخَرُونَ أَشْجَارًا، فَنَحْنُ أَكَلْنَا مِنْ ثِمَارِهَا، وَ نَحْنُ نَغْرِسُ

أَشْجَارًا لِكَيْ يَأْكُلَ مِنْ ثِمَارِهَا الْآخَرُونَ.^١



فَقَالَ أَنْوَشِرَوَانُ: «أَحْسَنْتَ يَا شَيْخُ!» وَ أَمَرَ أَنْ يُعْطَى الْفَلَّاحُ أَلْفَ دِينَارٍ.
 فَقَالَ الْفَلَّاحُ الْعَجُوزُ قَرِحًا: «مَا أَسْرَعَ إِثْمَارَ هَذِهِ الشَّجَرَةِ!»
 فَأَعْجَبَ أَنْوَشِرَوَانُ كَلَامَهُ وَ أَمَرَ مَرَّةً ثَانِيَةً أَنْ يُعْطَى الْفَلَّاحُ أَلْفَ دِينَارٍ آخَرَ.

مَا مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْسًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ
 قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ ثَمَرِ ذَلِكَ الْغَرْسِ.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - نَهْجُ الْفَصَاحَةِ: ٧٠٧

أَبَقَ : نگهدار (أَبَقِيَ ، يُبْقِي)

الْإِنْمَار : میوه دادن

أَثْمَرَ : میوه داد

إِخْتَارَ : برگزید = اِنْتَحَبَ

(مضارع: يَخْتَارُ)

أَعْتَقَ : آزاد کرد

الْإِعْزَازَ : گرامی داشتن

«بِإِعْزَازٍ بِأَعَزَّتْ»

أَكْرَمَ : گرامی داشت

الْإِفْقَامَةَ : ماندن

الْأَمْرَدَ : پسر نوجوانی که سببش

درآمده، ولی هنوز ریش در نیاورده

است.

أَمَلَ : امید داشت

إِنزَعَجَ : آزرده شد

إِنْقَضَ : پراکنده شد

(مضارع: يَنْقُضُ)

الْجَوْزَ : گردو

حَصَنَ : در آغوش گرفت

خَيَّرَ : اختیار داد

دَافَعَ : دفاع کرد

دَعَتْ : مؤنث «دَعَا» (دعوت کرد)

رَاحَ : رفت = دَهَبَ

الرِّدَاءَ : روپوش بلند و گشاد روی

دیگر جامه‌ها

الرِّضَاعَةَ : شیرخوارگی

الشَّيْخَ : پیرمرد ، پیشوا

«جمع: الشُّيوخ»

الْعَجُوزَ : پیرمرد ، پیرزن

«جمع: العَجَاز»

الْعَوْدَةَ : برگشتن = أَلْرَجُوعَ

عَرَسَ : کاشت

الْعَرَسَ : نهال ، کاشتنِ نهال

عَلَيْطُ الْقَلْبِ : سنگدل

الْفَسِيلَةَ : نهال

«جمع: الفَسَائِلِ»

الْفُظَّ : تندخو

لَاعَبَ : با ... بازی کرد

لَيْتَ : نرم شدی

(ماضی: لَانَ ، مضارع: يَلِينُ)

مَا أَسْرَعَ : چه شتابان است!

مَرَّ : گذر کرد (مضارع: يَمُرُّ)

الْمَعَزَّزَ : گرامی

الْيَافِعَ : جوان کم‌سال



حَوَلِ النَّصِّ

أ. أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ مُسْتَعِينًا بِالنَّصِّ.

١- ما قَالَتِ الشَّيْمَاءُ لِلْمُسْلِمِينَ حِينَ وَقَعَتْ فِي الْأَسْرِ؟

٢- كَمْ دِينَارًا أَمَرَ أَنْوَشِرَوَانُ أَنْ يُعْطَى لِلْفَلَّاحِ؟

٣- مِنْ أَيِّ شَيْءٍ أَنْزَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ؟

٤- ماذا كَانَ يَغْرِسُ الْفَلَّاحُ الْعَجُوزُ؟

٥- مَنْ قَبَّلَ الْوَالِدَ فِي الْبِدَايَةِ؟

٦- مَنْ هِيَ الشَّيْمَاءُ؟

x

✓

ب. عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَ الْخَطَأَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ.

١- دَعَتِ الشَّيْمَاءُ قَبِيلَتَهَا إِلَى الْإِسْلَامِ بَعْدَ أَنْ أَعْتَقَهَا النَّبِيُّ ﷺ.

٢- لَوْ كَانَ النَّبِيُّ ﷺ فَطًّا لَأَنْفَضَ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِ.

٣- إِلَاهِتِمَامُ بَغْرِسِ الْأَشْجَارِ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ فَرْدٍ مِنَّا.

٤- كَانَ أَنْوَشِرَوَانُ أَحَدَ مُلُوكِ إِيْرَانِ قَبْلَ مِئَةِ سَنَةٍ.

٥- تُثْمِرُ شَجَرَةُ الْجُوزِ بَعْدَ سَنَتَيْنِ عَادَةً.

٦- كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يُحِبُّ الْأَطْفَالَ.

الضميرُ العاشرُ

ما هو الضميرُ؟ هو ما يحلُّ محلَّ الاسمِ و يَنوبُ عنه (به جای اسم می آید و جانشینش می شود).
 كم قسماً الضميرُ؟ الضميرُ قسمان: مُنْفَصِلٌ وَ مُتَّصِلٌ.

كم قسماً الضميرُ المُنفصلِ بِحَسَبِ محلِّهِ الإِعرَابِيّ؟

١- الضميرُ المُنفصلِ بِحَسَبِ محلِّهِ الإِعرَابِيّ قِسْمَان:

الضميرُ المُنفصلِ المَرْفُوعُ: (قَرَأْتُمُوهُ فِي الصَّفِّ العَشْرِ)

هو ، هُمَا ، هُم ، هِيَ ، هُمَا ، هُنَّ / أَنْتِ ، أَنْتُمَا ، أَنْتُمْ ، أَنْتِ ، أَنْتُمَا ، أَنْتِنَّ / أَنَا ، نَحْنُ
 نَحْوُ: أَنْتِ ذَكِيٌّ. (أَنْتِ = مُبْتَدَأٌ وَ مَرْفُوعٌ مَحَلًّا)

٢- الضميرُ المُنفصلِ المَنْصُوبُ: (قَرَأْتُمُوهُ فِي الصَّفِّ العَاشِرِ)

إِيَّاهُ ، إِيَّاهُمَا ، إِيَّاهُمْ ، إِيَّاهَا ، إِيَّاهُمَا ، إِيَّاهُنَّ / إِيَّاكَ ، إِيَّاكُمَا ، إِيَّاكُمْ ، إِيَّاكِ ، إِيَّاكُمَا ، إِيَّاكُنَّ / إِيَّايَ ، إِيَّانَا
 نَحْوُ: (إِيَّاكَ تَعْبُدُ ...) الفَاتِحَةُ: هـ تنها تو را می پرستیم. (إِيَّاكَ = مَفْعُولٌ بِهِ وَ مَنصُوبٌ مَحَلًّا)

كم قسماً الضميرُ المُتَّصِلِ بِحَسَبِ محلِّهِ الإِعرَابِيّ؟

الضميرُ المُتَّصِلِ بِحَسَبِ محلِّهِ الإِعرَابِيّ قِسْمَانِ أَيْضاً:

١- الضميرُ المُتَّصِلِ المَنْصُوبُ أَوْ المَجْرُورُ

هُ ، هُمَا ، هُم ، هَا ، هُمَا ، هُنَّ / كِ ، كُما ، كُمْ ، كِ ، كُما ، كُنَّ / يِ ، نَا

نَحْوُ: مِنْهُ ← (« هُ » فِي « مِنْهُ » مَجْرُورٌ مَحَلًّا بِحَرْفِ جَرٍّ « مِنْ »)

كِتابُهُ ← (« هُ » فِي « كِتَابُهُ » مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ مَحَلًّا)

شاهدُهُ ← (« هُ » فِي « شاهدُهُ » مَفْعُولٌ بِهِ وَ مَنصُوبٌ مَحَلًّا)

٢- الضميرُ المُتَّصِلِ المَرْفُوعُ الَّذِي يَقَعُ فاعِلاً أَوْ نائِباً لِلْفاعِلِ غالِباً:

(الْحُرُوفُ الَّتِي كُتِبَتْ بِاللُّوْنِ الْأَخْمَرِ هِيَ صَمَائِرُ لِلْفاعِلِ إِذَا اتَّصَلَتْ بِالْفِعْلِ المَعْلُومِ كَمَا هِيَ فِي

الْجَدُولِ وَ تُعْرَبُ فاعِلاً مَرْفُوعاً مَحَلًّا؛ وَ إِذَا اتَّصَلَتْ بِالْفِعْلِ المَجْهُولِ تُعْرَبُ نائِبٌ فاعِلٍ مَرْفُوعاً مَحَلًّا)

أَمَّا الْأَفْعَالُ الَّتِي لَمْ تَتَّصِلْ بِهَا الضَّمَايِرُ الْبَارِزَةُ، فَالْفَاعِلُ فِيهَا ضَمِيرٌ مُسْتَتِرٌ جَوَازاً أَوْ وُجُوباً. الْفَاعِلُ فِي ذَهَبَ وَ ذَهَبَتْ وَ يَذْهَبُ وَ تَذْهَبُ (هِيَ تَذْهَبُ) قَدْ يَسْتَتِرُ جَوَازاً؛ أَمَّا الْفَاعِلُ فِي أَذْهَبَ وَ تَذْهَبُ (أَنْتَ تَذْهَبُ) وَ إِذْهَبَ وَ نَذْهَبُ يَسْتَتِرُ وُجُوباً.

الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْر
ذَهَبَ	يَذْهَبُ	
ذَهَبَا	يَذْهَبَانِ	
ذَهَبُوا	يَذْهَبُونَ	
ذَهَبْتِ	تَذْهَبُ	
ذَهَبْتَا	تَذْهَبَانِ	
ذَهَبْنَ	يَذْهَبْنَ	
ذَهَبْتِ	تَذْهَبُ	إِذْهَبْ
ذَهَبْتُمَا	تَذْهَبَانِ	إِذْهَبَا
ذَهَبْتُمْ	تَذْهَبُونَ	إِذْهَبُوا
ذَهَبْتِ	تَذْهَبِينَ	إِذْهَبِي
ذَهَبْتُمَا	تَذْهَبَانِ	إِذْهَبَا
ذَهَبْتُنَّ	تَذْهَبْنَ	إِذْهَبْنَ
ذَهَبْتُ	أَذْهَبُ	
ذَهَبْنَا	نَذْهَبُ	

الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

■ دَلَّ عَلَى أَنْوَاعِ الضَّمَايِرِ.

١- ﴿وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا...﴾ الْإِشْرَاءُ: ٢٣

٢- ﴿... لَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ...﴾ الْأَنْعَامُ: ٣٨

۳- ﴿وَ أَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ الأنبياء: ۸۶

۴- ﴿... هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...﴾ هود: ۶۱

۵- ﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ...﴾ الشورى: ۲۵

۶- ﴿... إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ﴾ يوسف: ۲۴

الاسم الموصول الجلسة الحادية عشرة

ما هو الاسم الموصول؟

الاسم الموصول هو اسم لا يتيم^۱ معناه إلا بجملة تذكر بعده تسمى «صلة».

۱. نَجَحَ الطَّالِبُ	الَّذِي	كَلَّمْتُكَ عَنْهُ	أَمْسٍ
	الاسم الموصول	جملة الصلة	
۲. نَجَحَ الطَّالِبُ	الَّذِي	دَرَسَ	جَيْدًا
	الاسم الموصول	جملة الصلة	
۳. نَجَحَ الطُّلَّابُ	الَّذِينَ	دَرَسُوا	جَيْدًا
	الاسم الموصول	جملة الصلة	

كم نوعاً الاسم الموصول؟

الاسم الموصول نوعان: خاص و مشترك.

الاسم الموصول الخاص هو لفظ خاص لكل من المفرد و المثنى و الجمع، و المذكر و المؤنث.

۱- لا يتيم: كامل نعى شود

ما هي ألفاظ الموصول الخاص؟

الْمُفْرَدُ	الْمُتَنِّي	الْجَمْعُ
مُدَكَّرٌ	الَّذَانِ / الَّذَيْنِ	الَّذِينَ
مُؤَنَّثٌ	الَّتَانِ / اللَّتَيْنِ	اللَّوَاتِي / اللَّاتِي / اللَّائِي

هل الاسم الموصول مبني أو معرب؟

الاسم الموصول مبني إلا المتني منه، فهو يعرب بالألف رفعا؛ نحو: «الذنان» و «اللتان»،
و بإياء نوبا و جرا؛ نحو: «اللذين» و «اللتين»؛ نحو:

جاء اللاعبان اللذان حصلا على الجائزة الذهبية.
رأيت اللاعبيين اللذين حصلا على الجائزة الذهبية.

ما هو الموصول المشترك؟

الموصول المشترك هو اسم يكون بلفظ واحد مع المفرد و المتني و الجمع، و المدكر و المؤنث؛ نحو:

أَحْتَرِمُ مَنْ يَعْلَمُنِي. أَحْتَرِمُ مَنْ تَعْلَمُنِي. أَحْتَرِمُ مَنْ يَعْلَمُونِي. أَحْتَرِمُ مَنْ يَعْلَمَنِي.

ما هي ألفاظ الموصول المشترك؟

أشهر ألفاظ الموصول المشترك: « مَنْ » و « ما ».

١- « مَنْ » لِعَاقِلٍ؛ نَحْوُ: اِقْبَلْ عُدْرَ مَنْ اِعْتَدَرَ اِلَيْكَ.

٢- « ما » لِغَيْرِ الْعَاقِلِ؛ نَحْوُ: ﴿ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا اِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ... ﴾ الْبَقَرَةُ: ٣٢

التَّمْرِينُ الثَّانِي:

■ عَيِّنْ نَوْعَ الْأِسْمِ الْمَوْصُولِ.

- ١- أَتَعَجَّبُ مِنَ الشَّخْصِ الَّذِي يُزَيِّنُ^١ جِسْمَهُ وَ لَا يُزَيِّنُ نَفْسَهُ.
- ٢- إِنَّ الْأُمَّهَاتِ اللَّاتِي يُرَبِّيْنَ الْأَطْفَالَ، يَصْنَعْنَ الْمُسْتَقْبَلَ.
- ٣- شَجَّعَ الْمُتَفَرِّجُونَ الْبَطْلَيْنِ اللَّذَيْنِ فَازَا فِي الْمُبَارَاةِ.
- ٤- إِنَّ الَّذِينَ يَنْفَعُونَ الْأَخْرِيْنَ أَحْسَنُ النَّاسِ.
- ٥- اَللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مَا تُحِبُّهُ لِي.
- ٦- لَا أَقْرَأُ مَا تَكْتُبُونَهُ.
- ٧- أَكْرَمُ مَنْ زَارَكَ.

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ:

■ عَيِّنِ «الْإِسْمَ الْمَوْصُولَ» وَ «جُمْلَةَ الصَّلَاةِ» فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ.

- ١- أَنَا أَقْرَأُ دَرْسِي مَعَ الَّذِينَ يَجْتَهِدُونَ فِي دُرُوسِهِمْ.
- ٢- الْكَلِمَةُ الَّتِي تَنْطِقُ بِهَا، تَصِيرُ أَسِيرًا لَهَا.
- ٣- لَا تَفْرَحْ إِلَّا بِالَّذِي نَلْتَهُ مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ.
- ٤- جَاءَ الَّذِي ضَاعَ جَوَاؤُهُ فِي الْفُنْدُقِ.
- ٥- شَاهَدْنَا الَّذِينَ سَاعَدَوْكُمْ أَمْسٍ.
- ٦- جَاءَ مَنْ يُعَلِّمُنَا الْحَاسِبَ.
- ٧- كُلُّ مَا تُحِبُّهُ مِنَ الطَّعَامِ.

١- زَيَّنَ: زَيَّنَتْ دَاد

الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: لِلتَّذْكَارِ - لِلتَّرْجَمَةِ.

١- جَلَسَ: نشست	جَلَسْنَا:	لا تَجَلِسُوا:
٢- أَجَلَسَ: نشانيد	أَجَلِسْ:	لا تُجَلِسِي:
٣- عَلِمَ: دانست	قَدْ عَلِمْتُ:	لَمْ أَعْلَمْ:
٤- عَلَّمَ: ياد داد	قَدْ يُعَلِّمُ:	لَنْ يُعَلِّمَ:
٥- قَطَعَ: بُريد	قُطِعَ:	كانا يَفْطَعَانِ:
٦- انْقَطَعَ: بُريده شد	ما انْقَطَعَ:	سَيَنْقَطِعُ:
٧- غَفَرَ: آمرزيد	قَدْ غَفَرَ:	لا يُغْفَرُ:
٨- اسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست	قَدْ اسْتَعْفَرْتُمَ:	الِاسْتِغْفَارِ:
	لا يَسْتَغْفِرُونَ:	اسْتَغْفِرُ:

إِفْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ؛ ثُمَّ عَيِّنِ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الْحَمْرَاءِ، وَ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

الْخُطْبَةُ الْمِئْتَانِ وَالرَّابِعَةُ وَالْعِشْرُونَ مِنْ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ

... وَ اللَّهِ، لَوْ أُعْطِيتُ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتُ أَفْلَاكِهَا عَلَيَّ أَنْ أَعْصِيَ اللَّهَ فِي نَمَلَةٍ
أَسْلُبُهَا جُلْبٌ^٢ شَعِيرَةٌ^٣، مَا فَعَلْتُ. وَإِنَّ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لَأَهْوَنُ^٤ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فَمِ جَرَادَةٍ^٥
تَقْضُمُهَا^٦. مَا لِعَالِيٍّ وَلِنَعِيمٍ^٧ يَفْنَى وَلَكِدَّةٍ لَا تَبْقَى؟! نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ **سُبَاتٍ^٨ الْعَقْلِ^٩** وَ
فُجِحِ الزَّلَلِ^٩ وَبِهِ نَسْتَعِينُ^٩.

خطبة دويست و بیست و چهارمِ نهج البلاغه

به خدا، اگر سرزمین‌های هفتگانه با هرچه زیر آسمان‌هایشان هست به من داده می‌شد تا از خدا
 نافرمانی کنم و پوستِ جویی را از مورچه‌ای به‌زور بگیرم، انجام نمی‌دادم؛ و بی‌گمان دنیايتان نزد من
 از برگي در دهانِ ملخي که آن را می‌جود، پست‌تر است. علی را چه کار با نعمتی که نابود می‌شود و
 لذتی که نمی‌ماند؟! از به خواب رفتنِ خرد و زشتي لغزش به خدا پناه می‌بریم و از او یاری می‌جوییم.

١- إِعْرَابُ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ.

نَمَلَةٍ: جُلْبٌ:

الْعَقْلِ: جَرَادَةٍ:

٢- نَوْعَ فِعْلٍ «فَعَلْتُ» وَ صِيغَتَهُ:

٣- نَوْعَ فِعْلٍ «تَقْضَمُ» وَ صِيغَتَهُ:

٤- جَمْعَيْنِ لِلتَّكْسِيرِ فِي النَّصِّ:

٥- الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ فِي النَّصِّ:

٦- عَدَدَ الْأَفْعَالِ فِي النَّصِّ:

١- سَلَبٌ: أَخَذَ مِنْهُ قَهْرًا ٢- الْجُلْبُ: قِشْرُ النَّبَاتِ وَ حَشَبُهُ ٣- الشَّعِيرَةُ: حَبَّةُ نَبَاتٍ

٤- الْأَهْوَنُ: الْأَحْقَرُ ٥- الْجَرَادُ: حَشْرَةٌ مُضِرَّةٌ تَأْكُلُ الْمَحَاصِلَ الزَّرَاعِيَّةَ وَ النَّبَاتَاتِ

٦- قَضَمَ: كَسَرَ بِأَطْرَافِ أَسْنَانِهِ ٧- النَّعِيمُ: الْأَمَالُ، الْجَنَّةُ ٨- السُّبَاتُ: النَّوْمُ الْخَفِيفُ

٩- اسْتَعَانَ: طَلَبَ الْمُسَاعَدَةَ

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ:

لِلتَّنْكَارِ: تَرَجِّمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ؛ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.
(هَلْ تَعْلَمُ أَنْ ... ؟)

- ١- ... الْمُغُولَ اسْتَطَاعُوا أَنْ يَهْجُمُوا عَلَى الصِّينِ عَلَى رَعْمٍ بِنَاءِ سُورٍ عَظِيمٍ حَوْلَهَا؟
(الْفَاعِلُ وَالْمُضَافُ إِلَيْهِ)
- ٢- ... تَلَفُّظَ «ك» وَ «ج» وَ «ز» مَوْجُودٌ فِي اللَّهْجَاتِ الْعَرَبِيَّةِ الدَّارِجَةِ كَثِيرًا؟
(الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ + الصِّفَةُ)
- ٣- ... الْحَوْتَ يُصَادُ لِاسْتِخْرَاجِ الزَّيْتِ مِنْ كَبِدِهِ لِصِنَاعَةِ مَوَادِّ التَّجْمِيلِ؟
(الْمُضَافُ إِلَيْهِ + مَجْرُورًا بِحَرْفِ الْجَرِّ)
- ٤- ... الْحُفَّاشُ هُوَ الْحَيَوَانُ اللَّبُونُ الْوَحِيدُ الَّذِي يَقْدِرُ عَلَى الطَّيْرَانِ؟
(الْإِسْمُ الْمُوصُولُ وَصِلَتُهُ)



٣- مَوَادُّ التَّجْمِيلِ: مَوَادُّ آرَائِشِي

٢- الدَّارِجَةُ: عاميانه

١- السُّور: ديوار

٤- الطَّيْرَانِ: پرواز، پرواز کردن

٥- ... عَدَدَ النَّمْلِ فِي الْعَالَمِ يَفُوقُ عَدَدَ الْبَشَرِ بِمَلْيُونِ مَرَّةٍ تَقْرِيبًا؟

(الْمُضَافُ إِلَيْهِ وَ الْمَفْعُولُ)

٦- ... طيسفون الواقعة فُرَبَ بَعْدَادِ كَانَتْ عَاصِمَةَ السَّاسَانِيِّينَ؟

(اسْمُ الْفِعْلِ النَّاقِصِ وَ حَبْرَهُ + حَبَرَ أَنْ)

٧- ... دُبُّ الْبَانْدَا^٢ عِنْدَ الْوِلَادَةِ أَصْغَرُ حَجْمًا مِنَ الْفَأْرِ؟

(اسْمُ التَّفْصِيلِ + الْمَصْدَرُ)

٨- ... الزَّرَاقَةُ بِكَمَاءٍ لَيْسَتْ لَهَا أَحْبَالٌ صَوْتِيَّةٌ^٣؟

(اسْمُ الْفِعْلِ النَّاقِصِ وَ حَبْرَهُ + جَمْعُ التَّكْسِيرِ وَ مُفْرَدُهُ)

٩- ... وَرَقَّةَ الزَّيْتُونِ رَمَزُ السَّلَامِ؟

(اسْمُ أَنْ وَ حَبْرَهَا)



٢- دُبُّ الْبَانْدَا: خرس پاندا

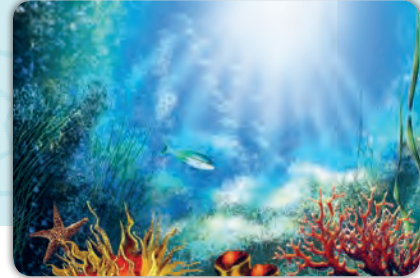
١- الْعَاصِمَةُ: پایتخت «جمع: الْعَوَاصِمُ»

٤- الرَّمَزُ: نماد، سمبل «جمع: الرَّمُوزُ»

٣- الْأَحْبَالُ الصَّوْتِيَّةُ: تارهای صوتی «الأحبال: جمع/ الحبل: مفرد»

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

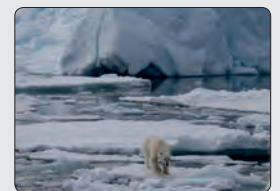
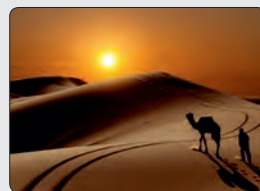
إِنِحْتُ عَنْ عَجَائِبِ الْبَحْرِ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي الْإِنْتَرِنْتِ؛ ثُمَّ تَرَجَمْتُهَا مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمِ
عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ، وَضَعْتُهَا فِي مَدُونَتِكَ أَوْ فِي مَدُونَةِ مَدْرَسَتِكَ، أَوْ فِي صَحِيفَةِ جِدَارِيَّةٍ.





ع

الدَّرْسُ الرَّابِعُ



﴿هُذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ...﴾

لُقْمَان: ١١

این آفرینش خداست. پس به من نشان دهید کسانی که غیر از اویند،
چه آفریده‌اند؟

تَوَازُنُ الطَّبِيعَةِ جَمِيلٌ. خَلَقَ اللَّهُ لَهَا نِظَامًا يَحْكُمُ جَمِيعَ الْمَوْجُودَاتِ مِنْ نَبَاتٍ وَ حَيَوَانٍ وَ كَائِنَاتٍ أُخْرَى يَعِيشُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ؛ فَيَتَحَقَّقُ التَّوَازُنُ وَ الْإِسْتِقْرَارُ فِيهَا. وَ أَيُّ خَلَلٍ فِي نِظَامِهَا يُؤَدِّي إِلَى تَخْرِيْبِهَا وَ مَوْتِ مَنْ فِيهَا.



وَ مِنْ مُهَدَّدَاتِ نِظَامِ الطَّبِيعَةِ:

■ «تَلَوُّثُ الْهَوَاءِ الَّذِي يُسَبِّبُ أَمْطَارًا حَمْضِيَّةً.»

■ وَ «الْإِكْتِنَارُ فِي اسْتِخْدَامِ الْمُبِيدَاتِ الزَّرَاعِيَّةِ وَ الْأَسْمِدَةِ الْكِيمِيَاوِيَّةِ.»

■ وَ «إِيجَادُ النِّفَايَاتِ الصَّنَاعِيَّةِ وَ الْمَنْزِلِيَّةِ.»

فَيَتِمُّ التَّوَازُنُ فِي الطَّبِيعَةِ مِنْ خِلَالِ وُجُودِ رَوَابِطٍ مُتَدَاخِلَةٍ بَيْنَ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ وَ بَيْتَتِهَا وَلَكِنْ مَا أَظْلَمَ الْإِنْسَانَ لِلطَّبِيعَةِ فِي نَشَاطَتِهِ الَّتِي تُؤَدِّي إِلَى اخْتِلَالِ هَذَا التَّوَازُنِ!



وَالآنَ لِنَقْرَأْ هَذِهِ الْقِصَّةَ قِرَاءَةً دَقِيقَةً لِكَيْ نَطَّلِعَ عَلَى أَفْعَالِ الْإِنْسَانِ الْمُخْرَبَةِ لِلْبِيئَةِ:
يُحْكِي أَنَّ مَزْرَعًا كَانَتْ لَهُ مَزْرَعَةٌ كَبِيرَةٌ فِيهَا خَضِرَاتٌ وَأَشْجَارٌ كَثِيرَةٌ. وَكَانَ
يُرَبِّي فِي مَزْرَعَتِهِ أَنْوَاعَ الطُّيُورِ، ذَاتَ يَوْمٍ لَاحَظَ الْمُزَارِعُ أَنَّ عَدَدَ أَفْرَاحِ الطُّيُورِ
يَنْقُصُ تَدْرِيجِيًّا. بَدَأَ الْمُزَارِعُ يُفَكِّرُ فِي سَبَبِ ذَلِكَ وَ يُرَاقِبُ الْمَزْرَعَةَ لَيْلًا وَ نَهَارًا؛
فَلَاحَظَ أَنَّ عَدَدًا مِنَ الْبُومَاتِ تَسْكُنُ قُرْبَ الْمَزْرَعَةِ، فَتَهْجُمُ عَلَى الْأَفْرَاحِ وَ تَأْكُلُهَا.
فَقَرَّرَ الْمُزَارِعُ التَّخَلُّصَ مِنْهَا، وَ هَكَذَا فَعَلَ.



وَ بَعْدَ شَهْوَرٍ شَاهَدَ الْمُزَارِعُ أَنَّ الْخَضِرَاتِ بِالْمَزْرَعَةِ تَتَعَرَّضُ لِلْأَكْلِ وَ التَّلْفِ؛ وَ لَمَّا رَاقَبَ الْأَمْرَ مُرَاقَبَةً شَدِيدَةً، لَاحَظَ أَنَّ مَجْمُوعَةً كَبِيرَةً مِنْ فِئْرَانِ الْحَقْلِ تَهْجُمُ عَلَى الْخَضِرَاتِ وَ تَأْكُلُهَا.

أَخَذَ الْمُزَارِعُ يُفَكِّرُ: «لِمَاذَا زَادَ عَدَدُ فِئْرَانِ الْحَقْلِ زَيْدًا كَبِيرًا»؟!

فَدَهَبَ إِلَى حَبِيرِ الزَّرَاعَةِ وَ اسْتَشَارَهُ. فَقَالَ لَهُ الْخَبِيرُ:

«كَيْفَ يَكُونُ ذَلِكَ، وَ هُنَاكَ بَوْمَاتٌ كَثِيرَةٌ فِي مَنطَقَتِكُمْ»؟!

قَالَ لَهُ الْمُزَارِعُ: «إِنِّي تَخَلَّصْتُ مِنَ الْبَوْمَاتِ بِقَتْلِ الْكَثِيرِ مِنْهَا.»

قَالَ الْخَبِيرُ: «يَا لَهُ مِنْ عَمَلٍ مُخَرَّبٍ لِطَبِيعَةٍ! إِنَّكَ تَعَدَّيْتَ عَلَى نِظَامِ الطَّبِيعَةِ

تَعَدَّيَ الظَّالِمِينَ، فَالْبَوْمَاتُ كَانَتْ تَتَعَدَّى عَلَى فِئْرَانِ الْحَقْلِ إِضَافَةً إِلَى الْأَفْرَاحِ.

وَ بَعْدَ التَّخَلُّصِ مِنْ أَكْثَرِ الْبَوْمَاتِ زَادَ عَدَدُ فِئْرَانِ الْحَقْلِ. كَانَ الْوَاجِبُ عَلَيْكَ

تَصْحِيحَ هَذَا الْخَطَأِ بِالْحِفَاطِ عَلَى طُيُورِكَ لَا بِقَتْلِ الْبَوْمَاتِ؛ فَإِنَّ اسْتَمَرَّتِ الْحَالَةُ

هَكَذَا، فَسَتُشَاهِدُ مَشَاكِلَ جَدِيدَةً فِي الْبَيْئَةِ الَّتِي تَعِيشُ فِيهَا مُشَاهَدَةً مُؤَلِمَةً.»

وَ هَكَذَا قَرَّرَ الْمُزَارِعُ الْحِفَاطَ عَلَى الْأَفْرَاحِ وَ السَّمَاحِ لِلْبَوْمَاتِ

بِدُخُولِ مَزْرَعَتِهِ. فَزَادَ عَدَدُهَا مَرَّةً أُخْرَى، وَ أَكَلَتْ فِئْرَانِ الْحَقْلِ،

وَ عَادَتِ الْبَيْئَةُ إِلَى حَالَتِهَا الطَّبِيعِيَّةِ.



أروني : نشانم دهيد

«أروا + نون وقاية + ي»

الاستقرار : آرامش و ثبات

الأسمدة : کودها «مفرد: السماد»

إطلع : آگاهی يافت

«مضارع: يطلع»

الأفراخ : جوجه‌ها

«مفرد: الفرخ» = الأفراخ

الإكثار : بسيار گردانیدن ،

زیاده‌روی

البيئة : محیط زیست

تحقق : تحقق يافت

تعدى : دست‌درازی کرد

(مضارع: يتعدى)

تعرض : در معرض قرار گرفت

تغذى : تغذيه کرد

(مضارع: يتغذى)

التلوث : آلودگی

الحقل : کشتزار «جمع: الحقول»

الحمضية : اسیدی

الخبير : کارشناس «جمع: الخبراء»

الخضراوات : سبزیجات

راقب : مراقبت کرد

ربى : پرورش داد (مضارع: يربى)

السماح : اجازه دادن به (سمح -)

الفئران : موش‌ها

«واحد آن: الفأرة»

قرر : تصميم گرفت

الكائنات : موجودات

المزارع : کشاورز = الفلاح

المهدد : تهديد کننده

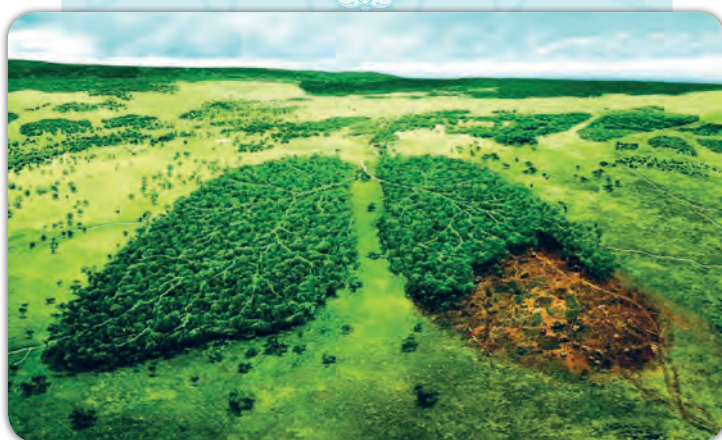
ما أظلم : چه ستمگر است!

مؤلم : درد آور

هناك : آنجا ، وجود دارد

يا له من عملٍ مخربٍ! : چه کار

ویرانگری!



حَوْلَ النَّصِّ

x ✓

أ. عَيَّنِ الصَّحِيحَ وَالْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ١- الرُّوَابِطُ الْمُتَدَاخِلَةُ بَيْنَ الكَائِنَاتِ الحَيَّةِ وَبَيْنَهَا تُؤَدِّي إِلَى اِخْتِلَالِ التَّوَاظُنِ فِي الطَّبِيعَةِ.
- ٢- كَانَ الفَّلَاحُ يَمْلِكُ مَزْرَعَةً فِي شَمَالِ إِيْرَانٍ يَزْرَعُ فِيهَا الرُّزَّ.
- ٣- ظَنَّ المُزَارِعُ أَنَّ البُومَاتِ هِيَ الَّتِي تَأْكُلُ أَفْرَاحَ الطُّيُورِ.
- ٤- الَزَارِعُ لَمْ يَسْمَحْ لِلتَّعَالِبِ بِالدُّخُولِ إِلَى مَزْرَعَتِهِ.
- ٥- كَانَ المُزَارِعُ يُرَبِّي الطُّيُورَ وَالبُومَاتِ فِي مَزْرَعَتِهِ.
- ٦- فِي النِّهَايَةِ حَافِظُ المُزَارِعِ عَلَى الطُّيُورِ وَأَفْرَاحِهَا.
- ٧- تُعَدُّ النُّفَايَاتُ الصَّنَاعِيَّةُ تَهْدِيداً لِنِظَامِ الطَّبِيعَةِ.

ب. اِنتَخِبِ الكَلِمَةَ الصَّحِيحَةَ لِلْفَرَاغِ.

- ١- بَعْدَ (سِنِينَ □ شُهُورٍ □) شَاهَدَ المُزَارِعُ أَنَّ الحَضْرَاوَاتِ بِالمَزْرَعَةِ تَتَعَرَّضُ لِلأَكْلِ وَالتَّلْفِ.
- ٢- كَانَتْ مَجْمُوعَةٌ كَبِيرَةٌ مِنَ (التَّعَالِبِ □ الفِئْرَانِ □) تَهْجُمُ عَلَى الحَضْرَاوَاتِ وَتَأْكُلُهَا.
- ٣- عَيْشُ الحَيَوَانَاتِ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ يُحَقِّقُ إِجَادَ (النُّفَايَةِ □ التَّوَاظُنِ □) فِي الطَّبِيعَةِ.
- ٤- أَيُّ خَلَلٍ فِي نِظَامِ الطَّبِيعَةِ يُؤَدِّي إِلَى تَخْرِيْبِهَا وَ (مَوْتِ □ حَيَاةِ □) مَنْ فِيهَا.
- ٥- إِجَادُ النُّفَايَاتِ الصَّنَاعِيَّةِ وَالمَنْزِلِيَّةِ (يُهَدِّدُ □ لَا يُهَدِّدُ □) نِظَامَ الطَّبِيعَةِ.
- ٦- تَدَخُّلُ الإِنْسَانِ فِي أُمُورِ الطَّبِيعَةِ يُؤَدِّي إِلَى (تَنْظِيمِ □ اِخْتِلَالِ □) تَوَاظُنِهَا.
- ٧- هَدَدَ المُزَارِعُ الطَّبِيعَةَ فِي مَزْرَعَتِهِ بِـ (حِفْظِ □ قَتْلِ □) بُومَاتِهَا.

١٤ عِلْمُ النَّحْوِ الْجَلْسَةُ الرَّابِعَةُ عَشْرَةَ

ما هي مرتبة المبتدأ والخبر؟

الأصل في المبتدأ التقديم؛ لأنه محكوم عليه، و في الخبر التأخير؛ لأنه حكم على المبتدأ؛ نحو:

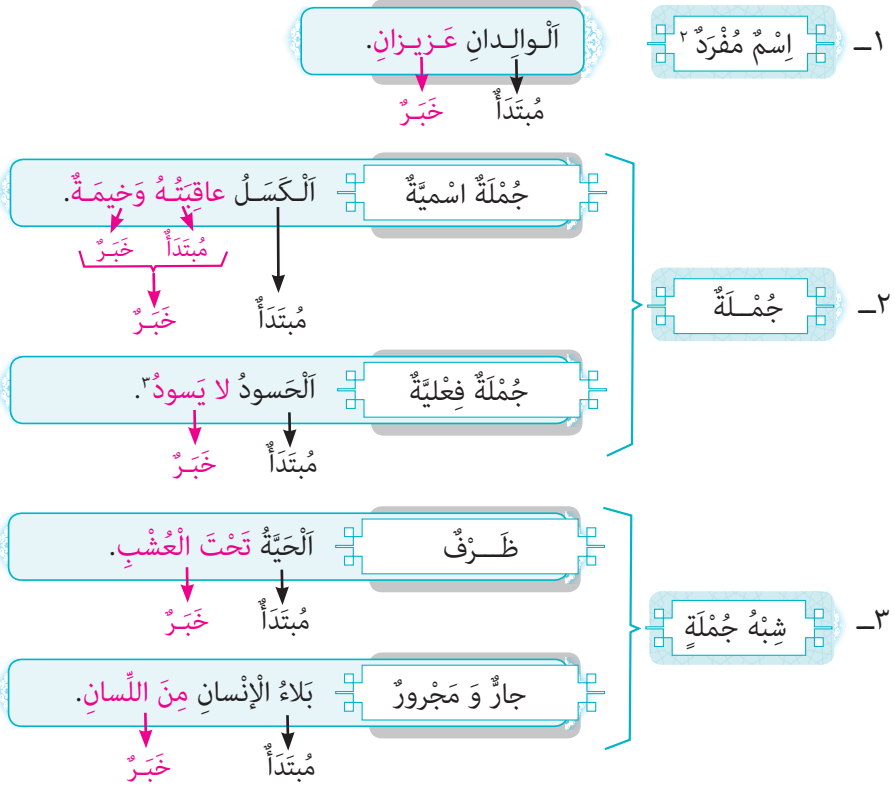
العلم مفيد. الشجرة مثمرة.

و يجوز تقديم الخبر على المبتدأ؛ نحو:

﴿... لله الحمد...﴾ الآتية: ٣٦ و ﴿... له الكبرياء...﴾ الآتية: ٣٧

أنواع الخبر

كم هي أنواع الخبر؟ أنواع الخبر ثلاثة:



١- محكوم عليه: حكمي بر او صادر شده است. ٢- ليس المقصود من الاسم المفرد مقابل المثنى والجمع؛ بل مقابل الجملة.

٣- لا يسود: به بزرگی نمی رسد (ساد، يسود، سيادة)

الظرف اسمٌ يدلُّ على مكانٍ أو زمانٍ.

بعضُ ظروفِ المكانِ التي تتَّعُ خبراً ﴿ لَدَى ، هُنَا ، أَيْنَ ، تَحْتَ ، فَوْقَ ، جَنْبَ ، بَيْنَ ،
أَمَامَ ، خَلْفَ ، وَرَاءَ و ...
بعضُ ظروفِ الزَّمانِ التي تتَّعُ خبراً ﴿ أَمْسَ ، مَتَى

التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

■ مَيِّزْ نَوْعَ الْخَبَرِ فِي الْجُمَلِ التَّالِيَةِ.

- ١- سِيرَةُ الْمَرْءِ تُنْبِئُ عَنِ سَرِيرَتِهِ.
- ٢- رَأْسُ الْبَطَالِ دُكَّانُ الشَّيْطَانِ.
- ٣- جُودَةُ الْكَلَامِ فِي الْإِخْتِصَارِ.
- ٤- كُلُّ طَيْرٍ يَأْوِي إِلَى جِنْسِهِ.
- ٥- لَيْنُ الْكَلَامِ قَيْدُ الْقُلُوبِ.
- ٦- الظُّلْمُ مَرْتَعُهُ وَخِيمٌ.



أُنْبَأَ: خبر داد السَّرِيرَةُ: راز پنهان الْبَطَالِ: بیکار الْجُودَةُ: نکویی أَوَى -: جای گرفت، پناه گرفت الْمَرْتَعُ: چراگاه

في كم موضعٍ يجبُ تقديمُ الخبرِ على المُبتدأِ؟

يجبُ تقديمُ الخبرِ على المُبتدأِ في مواضعٍ؛ أهمُّها:

١- إذا كانَ الخبرُ شبهَ جُمَلَةٍ (أي ظرفاً أو جازاً و مجروراً)؛ وَ المُبتدأُ نكرةً؛ نَحْوُ:

«عِنْدِي حَقِيبَةٌ.» وَ «لِحَمِيدٍ حَقِيبَةٌ.»

٢- إذا كانَ الخبرُ اسمَ اسْتِفْهَامٍ؛ نَحْوُ:

«أَيْنَ مَرَكْزُ الشُّرْطَةِ؟» وَ «كَيْفَ حَالُكَ؟» وَ «مَنْ أَنْتَ؟»

يَجِبُ تَقْدِيمُ الْمُبْتَدَأِ عَلَى الْخَبَرِ فِي مَوَاضِعَ مِنْهَا:
 إِذَا كَانَ الْمُبْتَدَأُ مِمَّا لَهُ الصَّدَارَةُ فِي الْكَلَامِ؛ مِثْلُ «مَا» التَّعَجُّبِيَّةِ؛ نَحْوُ:

«مَا أَحْسَنَ الصُّدُقَ!» راسِطُكُوِي چِه نيكوست!

وَ مِثْلُ «كَمْ» الْخَبَرِيَّةِ؛ نَحْوُ: «كَمْ صَيْفٍ فِي بَيْتِنَا.» چِه بسيار مهمان در خانه ماست.

وَ مِثْلُ «أَسْمَاءِ الشَّرْطِ»؛ نَحْوُ: «مَنْ يَكْسَلُ يَخْسِرُ.» هر کس تنبلی کند زیان می بیند.

وَ مِثْلُ «أَسْمَاءِ الْإِسْتِفْهَامِ»؛ نَحْوُ: «مَنْ فِي الْعُرْفَةِ؟» چِه کسی در اتاق است؟

التَّمْرِينُ الثَّانِي:

■ يَبَيِّنُ سَبَبَ تَقْدِيمِ الْخَبَرِ أَوْ الْمُبْتَدَأِ وَجُوبًا.

۱- مَنْ يَجْتَهِدُ يَنْجَحُ.

۲- فِي الْحَقِيبَةِ كُتُبٌ.

۳- مَا أَجْمَلَ الْعَيْنَ!



عَيْنُ رَامِيَانِ بِمُحَافَظَةِ جِلِسْتَانِ

۴- أَمَامَكَ صَيْدَلِيَّةٌ.

۵- أَيُّ كِتَابٍ تَقْرَأُ؟

۶- لِلْمُحْسِنِ ثَوَابٌ.

۷- مَا اسْمُكَ؟

۸- مَنْ أَنْتَ؟

ما هُوَ صَمِيرُ الْفُضْلِ أَوْ الْعِمَادِ؟

- ✓ صَمِيرُ الْفُضْلِ أَوْ الْعِمَادِ هُوَ صَمِيرٌ رَفِعَ مُنْفَصِلٍ يُؤْتَى بِهِ (أورده می شود) بَيْنَ الْمُبْتَدَأِ وَالْخَبَرِ الْمَعْرِفَتَيْنِ لِتَمْيِيزِ الْخَبَرِ عَنِ الصِّفَةِ غَالِبًا؛ نَحْوُ: «أَخُوكَ هُوَ الْفَائِزُ.» (برادرت همدو برنده است).
- ✓ وَ إِذَا حَذَفْنَا مِنْ هَذِهِ الْجُمْلَةِ صَمِيرَ الْفُضْلِ، نَظُنُّ أَنَّ «الْفَائِزَ» صِفَةٌ لِـ «أَخٍ». (برادر برنده است).
- ✓ يَأْتِي صَمِيرُ الْفُضْلِ لِلتَّأَكِيدِ؛ نَحْوُ: ﴿... إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ الْقَصَصُ: ١٦.
- ✓ حُكْمُ صَمِيرِ الْفُضْلِ أَنَّ يُطَابِقُ الْمُبْتَدَأَ فِي الْعَدَدِ وَالْجِنْسِ، وَ أَنْ يَكُونَ بَيْنَ الْمُبْتَدَأِ وَالْخَبَرِ الْمَعْرِفَتَيْنِ؛ نَحْوُ: «الْصَادِقُونَ هُمُ الْفَائِزُونَ.»
- ✓ لَيْسَ لِصَمِيرِ الْفُضْلِ مَحَلٌّ مِنَ الْإِعْرَابِ؛ لِأَنَّهُ إِنَّمَا يُؤْتَى بِهِ لِجُرْدِ الْفُضْلِ.

الْتَّمَرِينَ الثَّلَاثُ:

■ تَرْجِمَ مَا يَلِي، ثُمَّ عَيَّنْ صَمِيرَ الْفُضْلِ فِيهَا.

١- ﴿أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ الْبَقَرَةُ: ٥

٢- ﴿... إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ الْبَقَرَةُ: ١٢٩

٣- ﴿وَنَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ﴾ الصَّافَّاتُ: ١١٦

٤- الْأَبْطَالُ هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ الْحَقَّ أَمَامَ السُّلْطَانِ الْجَائِرِ.

٥- الْعَمَلُ الصَّالِحُ هُوَ أَفْضَلُ مَا يُخَلِّفُهُ الْمَرْءُ تَخْلِيدًا لِذِكْرِهِ.

النَّوَاسِخُ (كَادَ وَ أَخَوَاتُهَا أَوْ أفعالُ الْمُقَارَبَةِ)

ما هي «أفعالُ المُقَارَبَةِ»؟

✓ أفعالُ المُقَارَبَةِ تَشْمَلُ أفعالَ القُرْبِ وَ الرَّجاءِ وَ الشُّروعِ، وَ هي كَمَا يلي:

أفعالُ المُقَارَبَةِ

أفعالُ الشُّروعِ

تَدُلُّ عَلَى شُروعِ فِعْلِ خَبَرِهَا
وَ أَهْمُهَا:
بَدَأَ وَ أَخَذَ: أَغازَ كَرَدَ

أفعالُ الرَّجاءِ

تَدُلُّ عَلَى رَجاءِ وَقُوعِ فِعْلِ خَبَرِهَا
وَ أَهْمُهَا:
عَسَى: شَاحِدَ

أفعالُ القُرْبِ

تَدُلُّ عَلَى قُرْبِ وَقُوعِ فِعْلِ خَبَرِهَا
وَ أَهْمُهَا:
كَادَ وَ أَوْشَكَ: نَزديكَ بُوَدَ

أفعالُ المُقَارَبَةِ تَشْمَلُ أفعالَ القُرْبِ وَ الرَّجاءِ وَ الشُّروعِ، وَ هي كَمَا يلي:

✓ أفعالُ المُقَارَبَةِ بِأنواعِها الثَلَاثَةِ تَدْخُلُ عَلَى المُبْتَدَأِ وَ الخَبَرِ، فَتَعْمَلُ عَمَلَ «كَانَ» أَي تَرْفَعُ المُبْتَدَأَ وَ يَسْمَى اسْمَها، وَ تَنْصِبُ الخَبَرَ وَ يَسْمَى خَبَرِها، وَ لا يَكُونُ خَبَرُها إِلا فِعْلاً مُضارِعاً؛ نَحْوُ:

كَادَ اللّاعِبُ يَفوزُ.

فِعْلُ المُقَارَبَةِ اسْمُ كادَ جُمْلَةٌ فِعْليَّةٌ خَبَرُ كادَ

﴿... عَسَى اللهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِالْفَتْحِ...﴾ (المائدة: ٥٢) (اميد است كه خدا گشايش بياورد.)

بَدَأَ الفَلّاحُونَ يَحْصُدُونَ زَرْعَهُمْ. (كشاورزان شروع كردند به درو كشتشان.)

✱ ✓ قَدْ تَدْخُلُ «أَنْ» النَّاصِبَةُ عَلَى خَبَرِ أفعالِ القُرْبِ وَ الرَّجاءِ، وَ لا تَدْخُلُ عَلَى خَبَرِ أفعالِ الشُّروعِ

أَبْدَأُ؛ نَحْوُ: ﴿... عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ...﴾ (الأعراف: ١٢٩)

(اميد است پروردگارتان دشمنانتان را هلاك سازد.)

﴿... عَسَى اللهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ...﴾ (التوبة: ١٠٢)

(اميد است خدا توبه آنها را پذيرد.)

«كَادَ الفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا.» رَسُولُ اللهِ ﷺ

(نزديك بود فقر [تبديل به] كفر شود.) ✱

✱ ١- لِلْمُطَالَعَةِ: أفعالُ المُقَارَبَةِ كَثيرةٌ، وَ هي: كَرَبَ (نزديك شد) وَ حَرَى (شاید) وَ إِخْلَوْلَقَ (نزديك شد) وَ سَرَعَ (شروع

كرد) وَ أَنْشَأَ (أغاز كرد) وَ طَفِقَ (أغاز كرد). وَ قَدْ ذَكَرَ لَكُمْ أَهْمُها. ✱

✓ * أَفْعَالُ الْمُقَارَبَةِ كُلُّهَا أَفْعَالٌ مَاضِيَةٌ جَامِدَةٌ، إِلَّا «كَادَ» وَ «أَوْشَكَ» فَيَأْتِي مِنْهُمَا الْمُضَارِعُ؛

نَحْوُ: ﴿يَكَادُ الْبُرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ...﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٠ (نزدیک است برق، چشمانشان را برباید).

✓ وَ «يُوشِكُ اللَّاعِبُ أَنْ يَفُوزَ فِي الْمُبَارَاةِ». (نزدیک است که بازیکن در مسابقه پیروز شود). * ✓

✓ قَدْ تَأْتِي بَعْضُ أَفْعَالِ الشُّرُوعِ (بَدَأَ وَ أَخَذَ) تَامَةً لَا تَحْتَاجُ إِلَى اسْمٍ وَ خَبَرٍ؛ نَحْوُ:

أَخَذَ الرَّجُلُ يَضْحَكُ. (آن مرد شروع به خندیدن کرد). أَخَذَ الرَّجُلُ جَائِزَةً. (آن مرد جایزه‌ای گرفت).

فَعْلٌ تَامٌ

فَعْلٌ الشُّرُوعِ

✓ يُقَالُ لِمَجْمُوعِ هَذِهِ الْأَفْعَالِ «أَفْعَالُ الْمُقَارَبَةِ» مِنْ بَابِ تَسْمِيَةِ (نامیدن) الْكُلِّ بِاسْمِ الْجُزْءِ.

الْتَّمَرِينَ الرَّابِعُ:

■ تَرْجِمَ مَا يَلِي؛ ثُمَّ عَيَّنَ اسْمَ أَفْعَالِ الْمُقَارَبَةِ وَ خَبَرَهَا.

١- ﴿... إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونِي وَ كَادُوا يَقْتُلُونَنِي...﴾ الْأَعْرَافُ: ١٥٠

٢- ﴿عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُم...﴾ الْإِسْرَاءُ: ٨

٣- أَخَذْتُ أَعْتَذِرُ إِلَى صَدِيقِي مِنْ عَمَلِي.

٤- أَوْشَكَ الْإِعْصَارُ أَنْ يُهْدِمَ بُيُوتَ النَّاسِ.

٥- أَلْوَلَدُ كَادَ يَهْرُبُ مِنْ شِدَّةِ الْخَوْفِ.

٦- كَادَ الطُّفْلُ يَبْكِي مِنْ تَأَخَّرِ الطَّعَامِ.

٧- بَدَأَ الْجَوُّ يَبْرُدُ فِي مَدِينَتِنَا كَثِيرًا. بَرَدٌ: سرد شد

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: للتَّذْكارِ

عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِمَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِحَطِّ.
 {الْعَمَالُ الْمُجْتَهِدُونَ يَشْتَغِلُونَ فِي الْمَصْنَعِ} {نَجَحَتِ الطَّالِبَاتُ فِي الْإِمْتِحَانِ}

١-	الْعَمَالُ	أ. إِسْمٌ مُشْتَقٌّ، جَمْعُ تَكْسِيرٍ، إِسْمٌ فَاعِلٌ، مَعْرَفٌ بِأَلٍ، مُعْرَبٌ، مُنْصَرَفٌ مُبْتَدَأٌ ب. إِسْمٌ مُبَالَغَةٌ، جَمْعٌ مَكْسَرٌ وَ مُفْرَدُهُ «الْعَامِلُ»، مَعْرِفَةٌ، مَمْنُوعٌ مِنَ الصَّرْفِ فاعِلٌ
٢-	الْمُجْتَهِدُونَ	أ. إِسْمٌ فَاعِلٌ، جَمْعٌ مُذَكَّرٌ سَالِمٌ، مَعْرَفٌ بِأَلٍ، مُعْرَبٌ، مُنْصَرَفٌ صِفَةٌ وَ مَرْفُوعَةٌ بِالتَّبَعِيَّةِ لِمَوْصُوفِهَا ب. إِسْمٌ مُشْتَقٌّ (إِسْمٌ مَفْعُولٌ)، مُنْتَنِيٌّ، مُذَكَّرٌ، نَكْرَةٌ، مَبْنِيٌّ مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ بِ «و» فِي «وَن»
٣-	يَشْتَغِلُونَ	أ. فِعْلٌ، جَمْعٌ مُذَكَّرٌ غَائِبٌ، ثَلَاثِيٌّ مَزِيدٌ مِنْ بَابِ إِفْتِعَالٍ، مَعْلُومٌ، حَبْرٌ (جُمْلَةٌ فَعْلِيَّةٌ) لَازِمٌ، صَحِيحٌ وَ سَالِمٌ ب. فِعْلٌ مُضَارِعٌ مَرْفُوعٌ، جَمْعٌ مُذَكَّرٌ مُخَاطَبٌ، مَجْهُولٌ، حَبْرٌ (شَبْهُ جُمْلَةٍ) ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ، مُتَعَدٌّ، مُعْتَلٌّ
٤-	الْمَصْنَعِ	أ. إِسْمٌ مُشْتَقٌّ، مُفْرَدٌ، مَعْرَفٌ بِأَلٍ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْكَسْرِ مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ ب. إِسْمٌ مَكَانٍ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، مَعْرِفَةٌ، مُعْرَبٌ، مُنْصَرَفٌ مَجْرُورٌ بِحَرْفِ جَرٍّ (فِي الْمَصْنَعِ: جَارٌ وَ مَجْرُورٌ)
٥-	نَجَحَتِ	أ. فِعْلٌ مَاضٍ، مُفْرَدٌ مُذَكَّرٌ مُخَاطَبٌ، ثَلَاثِيٌّ مَزِيدٌ مِنْ بَابِ إِفْعَالٍ، فِعْلٌ وَ فَاعِلُهُ صَمِيرٌ هِيَ الْمُسْتَتِرُ مَجْهُولٌ ب. فِعْلٌ مَاضٍ، مُفْرَدٌ مُؤنَّثٌ غَائِبٌ، ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ، مَعْلُومٌ، لَازِمٌ، فِعْلٌ وَ فَاعِلُهُ إِسْمٌ ظَاهِرٌ صَحِيحٌ وَ سَالِمٌ
٦-	الطَّالِبَاتُ	أ. إِسْمٌ جَامِدٌ، مُصَدَّرٌ، جَمْعٌ مُذَكَّرٌ سَالِمٌ، مَعْرَفٌ بِأَلٍ فاعِلٌ وَ مَرْفُوعٌ مَحَلًّا ب. إِسْمٌ فاعِلٌ، جَمْعٌ مُؤنَّثٌ سَالِمٌ، مَعْرِفَةٌ، مُنْصَرَفٌ فاعِلٌ وَ مَرْفُوعٌ بِالضَّمَّةِ (إِسْمٌ ظَاهِرٌ)
٧-	فِي	أ. حَرْفُ الْجَرِّ، غَيْرُ عَامِلٍ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْكَسْرِ ب. حَرْفٌ، عَامِلٌ جَرٌّ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ
٨-	الْإِمْتِحَانِ	أ. مَصَدَّرٌ مِنْ بَابِ إِفْتِعَالٍ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، مَعْرَفٌ بِأَلٍ مَجْرُورٌ بِحَرْفِ جَرٍّ (فِي الْإِمْتِحَانِ: جَارٌ وَ مَجْرُورٌ) ب. إِسْمٌ تَفْضِيلٌ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، مَعْرِفَةٌ بِالْعَلَمِيَّةِ صِفَةٌ وَ مَجْرُورَةٌ بِالتَّبَعِيَّةِ لِمَوْصُوفِهَا

لِلذِّكْرِ، اِقْرَأِ النَّصَّ الثَّانِيَّ ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الْحَمْرَاءِ؛ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْمَطْلُوبِ مِنْكَ.

الْخُطْبَةُ الْمِئَةُ وَالتَّاسِعَةُ وَالتَّسْعُونَ مِنْ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ

✓ **تَعَاهَدُوا أَمْرَ الصَّلَاةِ، وَحَافِظُوا عَلَيْهَا، وَاسْتَكْثِرُوا مِنْهَا، وَتَقَرَّبُوا بِهَا، فَإِنَّهَا**

﴿...كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾ النساء: ١٠٣

خطبه صد و نود و نهم نهج البلاغه

به دستور نماز پایبند باشید و آن را پاس دارید و بسیار به جای آورید و با آن [به خدای] نزدیکی جویند؛

زیرا نماز بر مؤمنان، واجبی و وقت دار است.

أَعْرَبُ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ: أَمْرٌ الصَّلَاةِ الْمُؤْمِنِينَ



✓ أَلَا تَسْمَعُونَ إِلَى جَوَابِ أَهْلِ النَّارِ حِينَ سُئِلُوا؟

﴿مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ﴾ المذثر: ٤٣ و ٤٣

آیا به پاسخ دوزخیان گوش فرا نمی دهید، آنگاه که پرسیده شدند؟

چه چیز شما را داخل دوزخ کرد؟ گفتند: ما از نمازگزاران نبودیم. ...

اَكْتُبْ نَوْعَ هَذِهِ الْأَفْعَالِ وَصَيِّغَتَهَا:

تَسْمَعُونَ: سُئِلُوا: سَلَكَ:

✓ وَ شَبَّهَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِالْحَمَةِ تَكُونُ عَلَى بَابِ الرَّجُلِ

فَهُوَ يَغْتَسِلُ مِنْهَا فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ خَمْسَ مَرَّاتٍ. فَمَا عَسَى أَنْ يَبْقَى عَلَيْهِ مِنَ الدَّرَنِ!؟

فرستاده خدا ﷺ نماز را به چشمه آبگرم کنار در [سرای] آن کس همانند کرده است

که او هر روز و شب پنج بار تنش را در آن می شویند. پس چه چرکی ممکن است بر [تن] او بماند؟!؟

أَعْرَبُ هَاتَيْنِ الْكَلِمَتَيْنِ: رَسُولٌ الْحَمَةِ

عَيِّنْ كَلِمَتَيْنِ مُتَضَادَّتَيْنِ: عَيِّنْ بَابَ «يَغْتَسِلُ»

أَلَا لَزِمَ فِعْلُ «يَبْقَى» أَمْ مَتَعَدٌّ؟

﴿ وَفَدَّ عَرَفَ حَقَّهَا رِجَالٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ
الَّذِينَ لَا تَشْغَلُهُمْ عَنْهَا زِينَتُهُمْ مَتَاعٍ وَلَا فُرَّةٌ عَيْنٍ مِنْ وُلْدٍ وَلَا مَالٍ.﴾

حَقِّ نَمَاز رَا اِفْرَادِ مَوْمِنِي شَنَاخْتِهْ اَنْد

که آنان را نه زیورِ کالایی و نه نورِ چشمی از فرزندی و نه دارایی‌ای، از نماز به کار دیگر مشغول نمی‌دارد.

أَعْرَبِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ.

حَقِّ: رِجَالٌ: زِينَتُهُ: مَتَاعٍ: وَوَلْدٍ:

﴿ يَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ:﴾

﴿ رِجَالٌ لَا تُلْهِيُهُمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ ...﴾ التَّوْر: ۳۷

خدا که او را پاک می‌دانم، می‌فرماید:

«[ایشان] کسانی‌اند که نه داد و ستدی و نه خرید و فروشی، آنان را از یاد خدا و نماز گزاردن و

دادنِ زکات باز نمی‌دارد.»

عَيْنِ الْجَارِ وَالْمَجْرُورِ فِي الْآيَةِ السَّابِقَةِ:

تَعَاهَدَ: اِنْتَزَمَ عَهْدًا	سَلَكَ: اَدْخَلَ	نَمَّ نَكًا: مَا كُنَّا (نَمَّ نَكُنُّ)
الْحَمَّةُ: عَيْنٌ حَارَّةٌ	اِغْتَسَلَ: غَسَلَ بَدَنَهُ	الْدَّرَنُ: اَلْوَسَخُ (چِرْك)
شَغَلَهُ: جَعَلَهُ مَشْغُولًا	الْمَتَاعُ: الْبِضَاعَةُ «جمع: الْأَمْتِعَةُ»	قُرَّةٌ عَيْنٍ: نَوْرٌ عَيْنٍ
أَلْهَى عَنْ: مَنَعَ عَنْ (از ... باز داشت)	الْإِقَامَةُ	الْإِيتَاءُ: الْإِعْطَاءُ

التَّمَرِينُ الثَّالِثُ: لِلتَّذْكَارِ

عَيَّنْ أَنْوَاعَ الْمُشْتَقَّاتِ «اسْمَ الْفَاعِلِ، وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ، وَ اسْمَ الْمُبَالَغَةِ، وَ اسْمَ الْمَكَانِ وَ الزَّمَانِ، وَ الصِّفَةَ الْمُشَبَّهَةَ وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ وَ اسْمَ الْآلَةِ» فِي هَذِهِ الْآيَاتِ؛ ثُمَّ عَيَّنْ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الْحَمْرَاءِ.

۱- ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى...﴾ الْإِسْرَاءُ: ۱

پاک است آن [خدایی] که بنده اش را شبی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی حرکت داد.

۲- ﴿... وَ جَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...﴾ النَّخْلُ: ۱۲۵

و با آنان به آنچه [به شیوه ای] که نکوتر است بحث کن. قطعاً پروردگارت به [حال] کسی که راهش را گم کرده داناتر است.

۳- ﴿... يَقُولُونَ بِأَفْوَهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾ آلِ عِمْرَانَ: ۱۶۷

با دهان هایشان (زبان هایشان) چیزی را می گویند که در دل هایشان نیست و خدا به آنچه پنهان می کند داناتر است.

۴- ﴿وَ مَا أَتْرَبْتَنِي نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي...﴾ يُونُسُ: ۵۳

و نفسم را بی گناه نمی شمارم؛ زیرا نفس، بسیار دستور دهنده به بدی است؛ مگر اینکه پروردگارم رحم کند.

۵- ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَائِعُونَ﴾ الْمُؤْمِنُونَ: ۱ و ۲

به راستی که مؤمنان رستگار شده اند؛ همانان که در نمازشان فروتن اند.

۶- ﴿... قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾ الْمَائِدَةُ: ۱۰۹

گفتند: هیچ دانشی نداریم؛ قطعاً تو بسیار دانای نهران هستی.

۷- ﴿... وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ الْبَقَرَةُ: ۱۹۵

و نیکی کنید؛ زیرا خدا نیکوکاران را دوست می دارد.

۸- ﴿وَ لَقَدْ رَسَّنا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ...﴾ الْمُلْكُ: ۵ الدُّنْيَا: نزدیک تر ← دَنَا: نزدیک شد

و قطعاً آسمان نزدیک تر را با چراغ هایی بیاراستیم.

۹- ﴿وَ جَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا...﴾ الْأَنْبِيَاءُ: ۳۲

و آسمان را سقفی نگه داشته شده قرار دادیم.

أَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ مَقَالَةٍ مُخْتَصِرَةٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ الْأَثَارِ الدِّينِيَّةِ فِي بِلَادِ إِيرَانَ أَوْ الْحِجَازِ أَوْ الْعِرَاقِ أَوْ الشَّامِ، وَ تَرَجِّمْ سَطْرَيْنِ مِنْهَا.







۵

الدَّرْسُ الْخَامِسُ



﴿أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾

الْحَجَّ: ٣٩

اجازه [جنگ] داده شده به کسانی که [با آنان] بی‌کار می‌شود؛ زیرا به ایشان

ستم شده و بی‌گمان خدا بر یاری آنها تواناست.



الْإِبْنُ: يَا أَبِي، أَيْمَكِنُ أَنْ تَتَكَلَّمَ عَنِ الْحَرْبِ الْمَفْرُوضَةِ؟

الْأَبُ: حَسَنًا، مِنْ أَيْنَ أَبَدًا؟

الْإِبْنُ: لِمَاذَا ابْتَدَأَتِ الْحَرْبُ؟

الْأَبُ: الْحَرْبُ اشْتَعَلَتْ بَعْدَ سَنَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ انْتِصَارِ الثَّوْرَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ، هَجَمَ الْجَيْشُ الْبَعْثِيُّ عَلَى إِيرَانَ هُجُومًا وَاسِعًا، وَ قَتَلُوا النَّاسَ الْأَبْرِيَاءَ الْعُزْلَ. كَانُوا يَطْنُونَ أَنَّ إِيرَانَ تَسْتَسَلِّمُ خِلَالَ الْأَيَّامِ الْأُولَى مِنَ الْحَرْبِ لِعَدَمِ وُجُودِ جَيْشٍ أَمَامَهُمْ. فَقَدْ اخْتَلَّوْا عَشْرَاتِ الْمُدُنِ وَالْقُرَى؛ وَ دَمَّرُوا آلَافَ الْبُيُوتِ تَدْمِيرًا، وَ شَرَّدُوا أَهْلَهَا مِنْ مَنَازِلِهِمْ.

الْإِبْنُ: بَعْدَ ذَلِكَ مَاذَا حَدَّثَ؟



الْأَبُ: **انْطَلَقَ الْمُقَاتِلُونَ** الْإِيرَانِيِّونَ نَحْوَ سَاحَاتِ الْقِتَالِ انْطِلاقاً سَرِيعاً.

الْإِبْنُ: وَ كَيْفَ كَانَ دَوْرُ الْمُقَاتِلِينَ **آنَ ذَاكَ**؟

الْأَبُ: سَاحَاتُ الْقِتَالِ لَا تَنْسَى **بُطُولَاتِ** هُوَلاءِ **الْأَبْطَالِ الشُّجْعَانِ**.

كَانُوا يُهَاجِمُونَ الْعَدُوَّ مُهَاجِمَةً **الْأَسْوَدِ**.

الْإِبْنُ: رَجَاءً، إِشْرَحْ لِي شَرْحاً كَامِلاً مَاذَا فَعَلَ الْمُشَرَّدُونَ؟!

الْأَبُ: **رَحَلُوا** إِلَى الْمَنَاطِقِ الْأَمْنَةِ، وَلَكِنْ بَقِيَ مِنْهُمْ مَنْ يَسْتَطِيعُ الْقِتَالَ لِيُدَافِعَ

عَنِ الْوَطَنِ.

وَ مِنْ هُوَلاءِ السَّيِّدَةِ «فَرَنْكيس حيدر بور» الْمَرَأَةُ الشُّجَاعَةُ الَّتِي **قَاتَلَتْ** الْأَعْدَاءَ مُقَاتَلَةً

عَاجِبَةً. فَقَدْ أَلَفَتْ إِحْدَى الْكَاتِبَاتِ كِتَاباً عَنْ حَيَاتِهَا.



الْإِبْنُ: كَيْفَ قَاتَلَتْ جُنُودَ الْعَدُوِّ؟

الْأَبُ: عِنْدَمَا هَرَبَ النَّاسُ الْعَزَلُ مِنْ إِحْدَى الْقُرَى قُرْبَ «كِيلانغرب» إِلَى مَنَاطِقِ

أَمْنَةٍ حَوْلَ الْقَرْيَةِ رَجَعَتْ هَذِهِ السَّيِّدَةُ لِيَلَامَعَ أَيْبَاهَا وَأَخِيهَا **لِإِعْدَادِ** الطَّعَامِ. وَ فِي

الطَّرِيقِ وَاجَهُوا الْأَعْدَاءَ وَ قَاتَلُوهُمْ؛ إِنَّهَا بَقِيَتْ **صَامِدَةً** فِي الْمَعْرَكَةِ، وَ هَاجَمَتْ

جُنْدِيَّيْنِ مِنَ الْعَدُوِّ **عَلَى حِينِ غَفْلَةٍ**، فَقَتَلَتْ أَحَدَهُمَا بِفَأْسِ أَيْبَاهَا، وَ أَسْرَتِ الْآخَرَ،

وَ سَلَّمْتُهُ إِلَى مَقَرِّ الْقُوَاتِ الْإِيرَانِيَّةِ.

الْإِبْنُ: **مَا أَشْجَعَ هَذِهِ الْمَرْأَةَ! يَا لَهَا مِنْ** امْرَأَةٍ بَطَلَةٍ! وَ الْآنَ قُلْ لِي مَا هُوَ سَبَبُ الْحَرْبِ بَيْنَ إِيْرَانِ وَ الْعِرَاقِ، وَ شَعْبَاهُمَا جَارَانِ صَدِيقَانِ وَ بَيْنَهُمَا **عَلَقَاتٌ** ثَقَافِيَّةٌ مُنْذُ قَدِيمِ الزَّمَانِ!؟

الْأَبُّ: كَانَ النِّظَامُ البُعْثِيُّ قَدْ **طَمَعَ** فِي اِحْتِلَالِ قِيسِمٍ مِنَ الْأَرَاضِي الْإِيرَانِيَّةِ، فَاسْتَفَادَ مِنَ الْأَوْضَاعِ الْحَرِجَةِ الَّتِي خَلَفْنَاهَا الثَّوْرَةَ.

الْإِبْنُ: وَ كَيْفَ انْتَهَتْ الْحَرْبُ؟

الْأَبُّ: اِنْسَحَبَ الْعَدُوُّ فِي النِّهَايَةِ **خَاسِرًا**. نَحْنُ قَدَّمْنَا شَبَابًا **أَعِزَّاءَ** فِي الْحَرْبِ، حَتَّى اسْتَطَعْنَا أَنْ **نَهْزِمَ** الْعَدُوَّ. وَ مُقَاوَمْتُنَا فِي هَذِهِ الْحَرْبِ **أَثْبَتَتْ** لِلْعَالَمِ أَنَّنا لَا نَسْتَسَلِمُ لِلْأَعْدَاءِ.



الْإِبْنُ: يَا أَبِي، شُكْرًا عَلَى هَذِهِ الْمَعْلُومَاتِ الْقِيِّمَةِ.

عَلَى حِينٍ عَفَلَةٍ : غافلگیرانه
 قَاتِلٌ : جنگید
 الْفِتَالُ : جنگ ، جنگیدن
 = الْحَرْبُ ≠ السُّلْمُ وَالصُّلْحُ
 مَا أَشْجَعُ : چقدر دلآور است!
 الْمَعْرَكَةُ : جنگ = الْحَرْبُ ، الْفِتَالُ
 الْمَفْرُوضُ : تحمیلی ، تحمیل شده
 الْمُقَاتِلُونَ : رزمندگان ، جنگجویان
 هَاجَمَ : حمله کرد
 هَرَمَ - : شکست داد
 يَا لَهَا مِنْ امْرَأَةٍ بَطَلَةٍ : چه بانوی
 قهرمانی!

«مفرد: الْبُطُولَةُ»
 الثَّوْرَةُ : انقلاب
 الْخَاسِرُ : بازنده ≠ الْفَائِزُ
 خَلَفَ : به جا نهاد
 دَفَعَ عَنْ : از ... دفاع کرد
 دَمَرَ : نابود کرد
 رَحَلَ - : کوچ کرد
 الشُّجْعَانُ : دلوران «مفرد: الشُّجَاعُ»
 شَرَدَ : آواره کرد
 الصَّامِدُ : پایدار
 طَمَعَ - : چشم داشت ، طمع ورزید
 الْأَعْزَلُ : بی‌سلاحان «مفرد: الْأَعْزَلُ»
 الْعَلَقَاتُ : پیوندها ، روابط
 «مفرد: الْعَلَاقَةُ»

أَنْذَاكَ : در آن هنگام
 الْأَبْرِيَاءُ : بی‌گناهان «مفرد: الْبَرِيءُ»
 الْبَطَالُ : قهرمانان «مفرد: الْبَطَلُ»
 أَثَبَّتَ : ثابت کرد
 اِحْتَلَّ : اشغال کرد
 (مضارع: يَحْتَلُّ / مصدر: اِحْتِلَالُ)
 الْأَسَدُ : شیرها «مفرد: الْأَسَدُ»
 اسْتَسَلَّمَ : تسلیم شد
 اسْتَشْهَدَ : شهید شد
 الْإِعْدَادُ : تهیه کردن
 الْأَعْزَاءُ : گرامیان «مفرد: الْعَزِيزُ»
 الْإِنْتِصَارُ : پیروزی
 اِنْطَلَقَ : روانه شد
 الْبَطُولَاتُ : قهرمانی‌ها ، دلوری‌ها



حَوْلَ النَّصِّ

أ. ما هو الصَّحِيحُ أَوْ الخَطَأُ عَنِ الحَرْبِ بِرَأْيِكَ؟

- ١- لا نَعْرِفُ السِّلَاحَ الَّذِي سَيَسْتَخْدِمُهُ الإنسانُ فِي الحَرْبِ العَالَمِيَّةِ الثَّالِثَةِ، لَكِنَّهُ سَيَسْتَخْدِمُ العِصَا وَ الحِجَرَ فِي الحَرْبِ العَالَمِيَّةِ الرَّابِعَةِ.
- ٢- لَيْسَ عَاراً أَنْ يَحْتَلَّ العَدُوُّ أَرْضِيَنَا وَ نُسَلِّمَهُ الأَرْضِيَّ حَوْفاً مِنْ قَتْلِ الأَبْرِيَاءِ العَزَلِ.
- ٣- الحَرْبُ مَجْرَزَةٌ تَدُورُ بَيْنَ شُعُوبٍ لا يَعْرِفُ بَعْضُهُمُ البَعْضَ.
- ٤- لا تَشْتَعِلُ نارُ الحَرْبِ بِالأَسْلِحَةِ فَقَطْ، بَلْ بِأفكارِ النَّاسِ.
- ٥- لا يَسْتَطِيعُ المَرْءُ أَنْ يَكُونَ بَطَلاً دُونَ أَنْ يَدْمَرَ الأَرْضَ.
- ٦- المَعْرَكَةُ كَلِوْحَةٌ رَسْمٌ، جَمالُها مِنْ بَعِيدٍ.

ب. أَجِبْ عَنِ الأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ إِجابَةً قَصِيْرَةً حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ١- ما ذا كانَ يَظُنُّ العَدُوُّ البُعْثِيُّ خِلالَ الأَيَّامِ الأُولَى مِنَ الحَرْبِ؟
- ٢- بَعْدَ كَمْ سَنَةٍ مِنَ انْتِصارِ التَّوْرَةِ الإِسلامِيَّةِ اشْتَعَلَتِ الحَرْبُ؟
- ٣- لِما ذا رَجَعَتْ أُسْرَةُ السَّيِّدَةِ فَرَنْكيسَ إِلى قَرِيْبِها المُحْتَلَّةِ؟
- ٤- كَيْفَ كانَ دَوْرُ المُقاتِلِينَ أَيَّامَ الحَرْبِ المَفْرُوضَةِ؟
- ٥- كَيْفَ انْسَحَبَ العَدُوُّ فِي نِهايةِ الحَرْبِ؟

الْمَفْعُولُ الْمَطْلُوقُ الْجَلْسَةُ الثَّامِنَةُ عَشْرَةَ

ما هو الْمَفْعُولُ الْمَطْلُوقُ؟^۱

الْمَفْعُولُ الْمَطْلُوقُ مَصْدَرٌ مَنْصُوبٌ يُذَكَّرُ بَعْدَ فِعْلٍ مِنْ لَفْظِهِ، نَحْوُ:

«سَعَى الرَّجُلُ لِلْحُصُولِ عَلَى آمَالِهِ سَعِيًّا.» أَلْمَالُ: آرزوها

وَ «صَبَرْتُ لِلنَّجَاحِ صَبْرًا جَمِيلًا.»

وَ «دَقِيَ الضُّيْفُ الْبَابَ دَقَّتَيْنِ.»

الْمَفْعُولُ الْمَطْلُوقُ يَأْتِي لِثَلَاثَةِ أَغْرَاضٍ:

۱- لِتَأْكِيدِ مَعْنَى الْفِعْلِ؛ نَحْوُ: أَعْلَقَ الْحَارِسُ بَابَ الْمَصْنَعِ فِي اللَّيْلِ إِغْلَاقًا.

وَ يُسَمَّى «مَفْعُولًا مُطْلَقًا مُؤَكَّدًا».

وَ قَدِيَاتِي «مَحذُوفِ الْعَامِلِ». نَحْوُ:

«اجْتِهَادًا لَا تَكَاسُلًا.» وَ «حَمْدًا لِلَّهِ.» وَ «شُكْرًا لَكُمْ.» وَ «سُبْحَانَ اللَّهِ.»

وَ «حَقًّا.» وَ «أَيْضًا.» وَ «جِدًّا.» «سَمْعًا وَ طَاعَةً.» وَ «مَعَادَ اللَّهِ.»

۱. ✓ به ترجمه چهار جمله زیر دقت کنید.

۱. اسْتَعْفَرْتُ اللَّهَ. از خدا آمرزش خواستم.

۲. اسْتَعْفَرْتُ اللَّهَ اسْتِغْفَارًا. از خدا بی گمان آمرزش خواستم.

۳. اسْتَعْفَرْتُ اللَّهَ اسْتِغْفَارًا صَادِقًا. از خدا صادقانه آمرزش خواستم.

۴. اسْتَعْفَرْتُ اللَّهَ اسْتِغْفَارَ الصَّالِحِينَ. از خدا مانند درستکاران آمرزش خواستم.

✓ به مصدر «استغفار» در جمله دوم «مفعول مطلق تأکیدی» گفته می شود و در ترجمه فارسی آن از قیدهای تأکیدی مانند «بی گمان»، «حتمًا» و «قطعاً» استفاده می کنیم.

✓ گاهی «مفعول مطلق» به کمک کلمه بعد از خودش که صفت یا مضاف الیه است، نوع انجام گرفتن فعل را بیان می کند؛ مانند «استغفار» در جمله سوم و چهارم، که به آن «مفعول مطلق نوعی» گفته می شود.

اسْتَعْفَرْتُ اللَّهَ اسْتِغْفَارًا صَادِقًا. مفعول مطلق نوعی مضاف الیه

مفعول مطلق نوعی صفت

٢- أَوْ لِبَيَانِ نَوْعِ الْفِعْلِ؛ نَحْوُ:

يا أخي، اجْتَهِدْ فِي حَيَاتِكَ اجْتِهَادًا بِالْغَا. وَ كَانَ الرَّاهِدُ يَعْبُدُ اللَّهَ عِبَادَةً الْأَحْرَارِ.
وَ يُسَمَّى الْمَصْدَرُ فِي هَاتَيْنِ الْجُمْلَتَيْنِ «مَفْعُولًا مُطْلَقًا مُبَيَّنًا لِلنَّوْعِ».
الْمَفْعُولُ الْمُطْلَقُ الْمُبَيَّنُّ لِلنَّوْعِ يَأْتِي إِمَّا مَوْصُوفًا وَ إِمَّا مُضَافًا.
٣- أَوْ لِبَيَانِ عَدَدِ الْفِعْلِ؛ نَحْوُ: دَقَّتِ السَّاعَةُ دَقَّتَيْنِ.
وَ يُسَمَّى «مَفْعُولًا مُطْلَقًا مُبَيَّنًا لِلْعَدَدِ».

★ إذا كان المفعول المطلق مؤكداً، ينوب عنه شيان:

١- «مُرَادِفُهُ»؛ نَحْوُ: «قُمْتُ وَقُوفًا.» وَ «جَلَسْتُ فَعُودًا.»

٢- وَ مَا شَارَكَهُ فِي مَادَّتِهِ لَهُ؛ نَحْوُ:

«إِعْتَسَلْتُ غُسْلًا.» وَ «أَعْطَيْتُكَ عَطَاءً.» وَ «تَبَتَّلَ الرَّاهِدُ إِلَى اللَّهِ تَبَتُّلًا.»

بَدَلَ «إِعْتَسَلْتُ اغْتِسَالًا.» وَ «أَعْطَيْتُكَ إِعْطَاءً.» وَ «تَبَتَّلَ الرَّاهِدُ إِلَى اللَّهِ تَبَتُّلًا.» ★

إذا كان المفعول المطلق مبيناً للنوع، ينوب عنه:

١- الصِّفَةُ؛ نَحْوُ: اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا.

★ ٢- اِسْمُ الْإِشَارَةِ؛ نَحْوُ: قُلْتُ ذَلِكَ الْقَوْلَ.

٣- لَفْظٌ كُلٌّ أَوْ بَعْضٌ؛ نَحْوُ: مَالُوا إِلَى الْحَقِّ كُلِّ الْمَيْلِ. وَ تَأَثَّرْنَا بِأَخْلَاقِكَ بَعْضَ التَّأَثُّرِ. ★

✓ وَ إِذَا كَانَ الْمَفْعُولُ الْمُطْلَقُ مُبَيَّنًا لِلْعَدَدِ، يَنُوبُ عَنْهُ الْعَدَدُ؛ نَحْوُ:

يَدُورُ الرِّيَاضِيُّونَ حَوْلَ السَّاحَةِ عَشْرَ دَوْرَاتٍ.

■ تَرْجِمْ مَا يَلِي، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَفْعُولَ الْمُطْلَقَ وَنَوْعَهُ.

۱- ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ الأَحْزَاب: ٥٦

۲- ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعْدَبْنَاهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...﴾ آلِ عِمْرَانَ: ٥٦

۳- ﴿إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يضاعِفْهُ^٢ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ...﴾ التَّغَابُن: ١٧

۴- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ الأَحْزَاب: ٧٠

۵- ﴿... وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾ الأَحْزَاب: ٧١

۶- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ الأَحْزَاب: ٤١

۷- ﴿... وَرَتَّلِ^٣ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾ الْمُزَّمِّل: ٤

۸- ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا﴾ الْفَتْح: ١

۹- رَبِّ إِنِّي اسْتَغْفِرُكَ اسْتَغْفَارَ حَيَاءٍ. الدُّعَاءُ بَعْدَ صَلَاةِ زِيَارَةِ الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ

التَّمْرِينُ الثَّانِي:

■ ضَعْ خَطًّا تَحْتَ الْمَفْعُولِ الْمُطْلَقِ؛ ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَهُ.

١- هَجَمَ الْأَبْطَالُ عَلَى الْعَدُوِّ هَجْمَتَيْنِ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ.

٢- وَصَفَ دَلِيلُ السَّفَرِ الْمَكَانَ التَّارِيخِيَّ وَصْفًا رَائِعًا.

٣- أَكْتُبْ وَاجِبَاتِكَ الدَّرَاسِيَّةَ كِتَابَةً مُنَظَّمَةً.

٤- نَظَرْتُ إِلَى الشَّجَرَةِ نَظْرَةً وَاحِدَةً.

٥- دَرَسْتُ زَمِيلِي تَدْرِيسَ الْمُعَلِّمِ.

٦- قَرَأْتُ النَّصَّ الْعِلْمِيَّ قِرَاءَتَيْنِ.

٧- آَلَمَنِي الْجُرْحُ أَلَمًا شَدِيدًا.

٨- مَعَاذَ اللَّهِ! مِنْ هَذِهِ الْمَشَاكِلِ.

٩- قُبْحًا لَوَجْهِكَ، يَا رَجُلُ.

✦ أَفْعَالُ الْقُلُوبِ

ما هي أَفْعَالُ الْقُلُوبِ؟

أَفْعَالُ الْقُلُوبِ ثَلَاثَةٌ أَقْسَامٍ:

قِسْمٌ يُفِيدُ الرُّجْحَانَ، وَ أَهْمُهَا: «ظَنَّ وَ حَسِبَ وَ زَعَمَ».

وَ قِسْمٌ يُفِيدُ اليَقِينَ، وَ أَهْمُهَا: «رَأَى وَ عَلِمَ وَ وَجَدَ».

وَ قِسْمٌ يُفِيدُ التَّصْيِيرَ، وَ أَهْمُهَا: «جَعَلَ وَ صَيَّرَ وَ اتَّخَذَ».

أَفْعَالُ الْقُلُوبِ تَدْخُلُ عَلَى الْمُبْتَدَأِ وَ الْخَبَرِ بَعْدَ ذِكْرِ فَاعِلِهَا، فَتَنْصِبُهُمَا مَفْعُولَيْنِ لَهَا؛ نَحْوُ:

الْمَدِينَةَ جَمِيلَةً. الْفُنْدُقَ قَرِيبًا.

«وَجَدَ السَّائِحُ الْمَدِينَةَ جَمِيلَةً.» وَ «ظَنَّتُ الْفُنْدُقَ قَرِيبًا.»

فَعِلٌ فاعِلٌ مَفْعُولٌ بِهِ أَوَّلٌ مَفْعُولٌ بِهِ ثَانٍ فَعِلٌ وَ فاعِلٌ مَفْعُولٌ بِهِ أَوَّلٌ مَفْعُولٌ بِهِ ثَانٍ

قَدْ تَدْخُلُ أَفْعَالُ الْقُلُوبِ بَعْدَ ذِكْرِ فَاعِلِهَا عَلَى «أَنَّ» وَ «أَسْمِهَا» وَ «خَبَرِهَا»؛ نَحْوُ:

أَ تَزْعَمُ أَنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ؟!

جُمْلَةٌ نَائِبَةٌ عَنِ الْمَفْعُولَيْنِ

تَخْرُجُ أَفْعَالُ الْقُلُوبِ عَنِ مَعْنَى اليَقِينَ وَ الرُّجْحَانِ وَ تَأْتِي لِمَعَانٍ أُخْرَى وَ تَنْصِبُ مَفْعُولًا وَاحِدًا. فَتَقُولُ:

«رَأَيْتُ جَوَادًا.» أَيَّ: «أَبْصَرْتُهُ.»

«عَلِمْتُ الْمَوْضِعَ.» أَيَّ: «عَرَفْتُهُ.»

وَ «وَجَدْتُ الْمَفْقُودَ.» أَيَّ: «حَصَلْتُ عَلَيْهِ.» ✦

التَّمْرِينُ:

★ عَيْنِ الْمَفْعُولِ بِهِ فِي الْآيَاتِ الْكَرِيمَةِ وَالْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ.

- ١- ﴿أَوْ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ^١ وَمَا يُعْلِنُونَ^٢﴾ الْبَقَرَةَ: ٧
- ٢- ﴿... تَحَسَّبُهُمْ جَمِيعاً وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى^٣ ...﴾ الْحَشْرِ: ١٤
- ٣- ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً^٤ لِلظَّالِمِينَ﴾ الصَّافَات: ٦٣
- ٤- ﴿قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ﴾ الْأَنْبِيَاء: ٥٣
- ٥- ﴿... ظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ﴾ الْقَصَص: ٣٩
- ٦- ﴿... وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا﴾ النَّسَاء: ١٢٥
- ٧- ﴿... أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى^٥﴾ الضُّحَى: ٦
- ٨- وَصَيَّرَ الْأَرْضَ بِهِ بَعْدَ اغْتِرَارِ خَضِرَةَ.
- ٩- زَعَمَ الطَّبِيبُ الْمَرَضَ بَسِيطًا.
- ١٠- عَلِمْتُ الْأُسْتَاذَ عَالِمًا.
- ١١- رَأَيْتُ الْعِلْمَ قُوَّةً. ★

وَ فِي الصَّفِّ الْعَاشِرِ عَرَفْتُمْ أَفْعَالًا تَنْصِبُ مَفْعُولِينَ لَيْسَ أَصْلُهُمَا مُبْتَدَأً وَ خَبَرًا؛ أَهْمُهَا:
كَسَا وَ رَزَقَ وَ أَطْعَمَ وَ أَسْكَنَ وَ أَعْطَى وَ أَلْبَسَ وَ أَتَى وَ سَمَى وَ وَعَدَ وَ بَلَغَ.
نَحْوُ: وَ أَعْطَيْتُ الْمُحْتَاجَ قَرْضًا.

مَفْعُولٌ بِهِ ثَانٍ

مَفْعُولٌ بِهِ أَوَّلٌ

٣- أَلَشْتَنُ: گوناگون و پراکنده «جَمْعُ الشَّنِيتِ»

٢- أَعْلَنَ: آشکار کرد

١- أَسَرَ: پوشیده و پنهان کرد

٥- آوَى: پناه داد

٤- الْفِتْنَةُ: آزمایش

لِلتَّمَرِينِ الْأَوَّلِ: لِلتَّذَاكِرِ تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ.

أَلْمَاضِي	الْمُضَارِعُ وَ الْمُسْتَقْبَلُ	الْأَمْرُ وَ النَّهْيُ	الْمَصْدَرُ	إِسْمُ الْفَاعِلِ
قَدْ أَرْسَلَ:	سَوْفَ يُرْسَلُ:	أَرْسِلُوا:	الْإِرْسَالُ: فرستادن	الْمُرْسَلُونَ:
إِنْتَبَهَ: آگاه شد	سَتَنْتَبِهُونَ:	انْتَبِهُوا:	الْإِنْتِبَاهُ:	الْمُنْتَبِهِينَ:
انْسَحَبْتُمْ:	لَا يَنْسَحِبُ:	لَا تَنْسَحِبُ: عقب نشینی نکن	الْإِنْسِحَابُ:	الْمُنْسَحِبُ:
مَا اسْتَرْجَعَ:	يَسْتَرْجِعُ: پس می گیرد	لَا تَسْتَرْجِعِي:	الْإِسْتِرْجَاعُ:	الْمُسْتَرْجِعُ:
مَا جَادَلَ:	لَمْ يُجَادِلْ:	لَا تُجَادِلُوا:	الْمُجَادَلَةُ: بحث کردن	الْمُجَادِلَانَ:
تَذَكَّرَ:	يَتَذَكَّرَانِ: به یاد می آورند	تَذَكَّرْ:	التَّذَكُّرُ: به یاد آوردن	الْمُتَذَكِّرَاتُ:
تَنَاصَرُوا:	تَتَنَاصَرُونَ:	رَجَاءً، تَنَاصَرُوا:	التَّنَاصُرُ: همیاری کردن	الْمُتَنَاصِرِينَ:
قَدْ سَجَّلَ:	تُسَجَّلِينَ:	سَجِّلْ:	التَّسْجِيلُ: ضبط کردن	الْمُسَجَّلَةُ:

التَّيْمِينُ الثَّانِي: صَعُ خَطًّا تَحْتَ الْمُفْرَدِ مَعَ جَمْعِهِ.

- | | |
|--------------------------|--------------------------|
| ١١- شَبَابٌ ، شَبَاب | ١- صِنَاعَةٌ ، مَصَانِع |
| ١٢- فَأْسٌ ، أَفْرَاس | ٢- شُجَاعٌ ، شُجَعَان |
| ١٣- قُوَّةٌ ، أَقْوِيَاء | ٣- مَطَرٌ ، مَطَارَات |
| ١٤- رِجْلٌ ، رِجَال | ٤- مَطَاعٌ ، مَطَاعِم |
| ١٥- أَخٌ ، أَخَوَات | ٥- بَطْلٌ ، بَطُولَات |
| ١٦- ثَمَرٌ ، ثِمَار | ٦- سَيِّدَةٌ ، سَادَات |
| ١٧- فَأْرٌ ، فِئْرَان | ٧- مَزْرَعَةٌ ، مُزَارِع |
| ١٨- بِنْتُ ، أَبْنَاء | ٨- حَرْبٌ ، حُرُوب |
| ١٩- قِمَّةٌ ، قِمَم | ٩- شَعْبٌ ، شُعَب |
| ٢٠- أَبٌ ، أَبَار | ١٠- بَرِيءٌ ، أَبْرِيَاء |

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ:

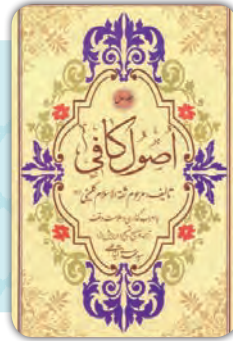
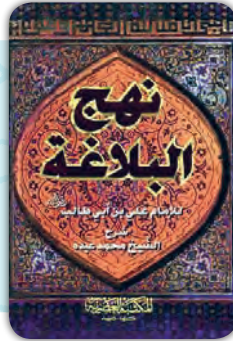
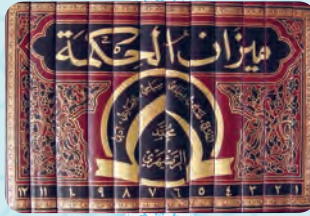
عَيِّنِ الْمُرَادِفَ وَالْمُضَادَّ. (=, ≠)

- | | |
|--------------------|--------------------|
| ١- إِيْتَارَ | ١- يَافِعَ |
| ٢- مَتَاعَ | ١٠- حَرَبَ |
| ٣- بَطَّالَ | ١١- خَاسِرَ |
| ٤- عَوْدَةَ | ١٢- نَائِمَ |
| ٥- إِيْتَاءَ | ١٣- أُنْبَأَ |
| ٦- جُودَةَ | ١٤- دَرَنَ |
| ٧- أَبْكَمَ | ١٥- رَاحَ |
| ٨- جَمَالَ | ١٦- عَاشَ |



الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

اُكْتُبَ خَمْسَةَ أَحَادِيثَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ الْأَيْمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْ أَقْوَالِ الْحُكَمَاءِ وَ الْأَدَبَاءِ حَوْلَ قِيَمَةِ الْعِلْمِ، وَ تَرَجَّمَهَا إِلَى الْفَارِسِيَّةِ.





6

الدَّرْسُ السَّادِسُ



هَذَا الَّذِي تَعْرِفُ الْبَطْحَاءُ وَطَأْتَهُ
وَالْبَيْتُ يَعْرِفُهُ وَالْحِجْلُ وَالْحَرَمُ
هَذَا ابْنُ خَيْرِ عِبَادِ اللَّهِ كُلِّهِمْ
هَذَا التَّقِيُّ النَّقِيُّ الطَّاهِرُ الْعَلَمُ
وَلَيْسَ قَوْلُكَ: مَنْ هَذَا؟ بِضَائِرِهِ
الْعَرَبُ تَعْرِفُ مَنْ أَنْكَرْتَ وَالْعَجَمُ

این کسی است که سرزمین مکه قدمگاهش را می‌شناسد. و خانه [خدا] و بیرون و محدودهٔ احرام، او را می‌شناسند.
این فرزندی بهترین همهٔ بندگان خداست. این پرهیزگار پاکِ پاکیزهٔ بزرگ قوم است. و این گفتهٔ تو که «این کیست؟» زیان‌رسانندهٔ بدو نیست. عرب و غیر عرب کسی را که تو انکارکردی می‌شناسند.

الْفَرَزْدَقُ مِنْ شُعْرَاءِ الْعَصْرِ الْأُمَوِيِّ. وُلِدَ فِي مِثْقَةَ بِالْكُوَيْتِ عَامَ ثَلَاثَةِ وَ عِشْرِينَ بَعْدَ الْهَجْرَةِ، وَ عَاشَ بِالْبَصْرَةِ. فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ جَاءَ بِهِ أَبُوهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَسَأَلَهُ الْإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ وَدِّهِ؛ فَقَالَ:

«هَذَا ابْنِي يَكَادُ يَكُونُ شَاعِرًا عَظِيمًا».

فَقَالَ الْإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِوَالِدِهِ: «يَا صَاحِبَ الْوَلَدِ، عَلَّمَهُ الْقُرْآنَ».

فَعَلَّمَهُ الْقُرْآنَ؛ ثُمَّ رَحَلَ إِلَى خُلَفَاءِ بَنِي أُمَيَّةَ بِالشَّامِ، وَ مَدَّحَهُمْ وَ نَالَ جَوَائِزَهُمْ. كَانَ الْفَرَزْدَقُ مُحِبًّا لِأَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ وَ كَانَ يَسْتُرُ حُبَّهُ عِنْدَ خُلَفَاءِ بَنِي أُمَيَّةَ؛ وَلَكِنَّهُ جَهَرَ بِهِ لَمَّا حَجَّ هِشَامُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ فِي أَيَّامِ أَبِيهِ.

فَطَافَ هِشَامٌ وَ لَمَّا وَصَلَ إِلَى الْحَجَرِ لَمْ يَقْدِرْ أَنْ يَسْتَلِمَهُ لِكَثْرَةِ الْإِزْدِحَامِ، فَنُصِبَ لَهُ مِنْبَرٌ وَ جَلَسَ عَلَيْهِ يَنْظُرُ إِلَى النَّاسِ وَ مَعَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ كِبَارِ أَهْلِ الشَّامِ.

فَبَيْنَمَا يَنْظُرُ إِلَى الْحُجَّاجِ، إِذْ جَاءَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَطَافَ بِالْبَيْتِ، فَلَمَّا وَصَلَ إِلَى الْحَجَرِ، ذَهَبَ النَّاسُ جَانِبًا، فَاسْتَلَمَهُ بِسُهُولَةٍ.

فَقَالَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ:

«يَا هِشَامُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ، مَنْ هَذَا الَّذِي قَدْ سَمَحَ النَّاسُ لَهُ بِاسْتِلَامِ الْحَجَرِ؟! خَافَ هِشَامٌ مِنْ أَنْ يَعْرِفَهُ أَهْلُ الشَّامِ وَ يَرْغَبُوا فِيهِ؛ فَقَالَ: «لَا أَعْرِفُهُ، يَا رَجُلٌ». وَ كَانَ الْفَرَزْدَقُ حَاضِرًا.

فَقَالَ الْفَرَزْدَقُ: «أَيُّهَا الرَّجُلُ، أَنَا أَعْرِفُهُ».

ثُمَّ أَنْشَدَ هَذِهِ الْقَصِيدَةَ.



هَذَا الَّذِي تَعْرِفُ الْبَطْحَاءُ وَطَأْتَهُ
وَ الْبَيْتُ يَعْرِفُهُ وَ الْحِلُّ وَ الْحَرَمُ

هَذَا ابْنُ خَيْرِ عِبَادِ اللَّهِ كُلِّهِمْ
هَذَا النَّفِيُّ النَّفِيُّ الطَّاهِرُ الْعَلَمُ

وَ لَيْسَ قَوْلُكَ: مَنْ هَذَا؟ بِضَائِرِهِ
الْعُرْبُ تَعْرِفُ مَنْ أَنْكَرَتْ وَ الْعَجَمُ



<p>الْكِبَار: بزرگان</p> <p>«مفرد: الْكَبِير» ≠ الصَّغَار</p> <p>مَدَحَ -: ستود</p> <p>نَصَبَ -: برپا کرد، نصب کرد</p> <p>الْتَقَى: پاک و خالص</p> <p>الْوَطَاءُ: جای پا، گام</p>	<p>الْحِلَّ: بیرون احرام</p> <p>رَغِبَ فِيهِ -: به آن علاقه‌مند شد</p> <p>الضَّائِر: زیان‌رساننده</p> <p>طَافَ -: طواف کرد</p> <p>(مضارع: يَطُوفُ)</p> <p>الْعُرْبُ: عرب</p> <p>الْعَلَمُ: بزرگ‌تر قوم، پرچم</p>	<p>إِذْجَاءَ: ناگهان آمد</p> <p>اسْتَلَمَ الْحَجَرَ: سنگ را مسح کرد</p> <p>أَنْكَرَ: ناشناخته شمرد</p> <p>الْبَطْحَاءُ: دشت مگه</p> <p>بَيَّتَمَا: در حالی که</p> <p>الْتَقَى: پرهیزگار</p> <p>جَهَرَ -: آشکار کرد</p>
---	--	--

حَوْلَ النَّصِّ

اُكْتُبْ جَوَابًا قَصِيرًا، حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- مَنْ جَاءَ بِالْفَرَزْدَقِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ؟

۲- مَتَى جَهَرَ الْفَرَزْدَقُ بِحُبِّهِ لِأَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟

۳- أَيَّنَ وُلِدَ الْفَرَزْدَقُ؟ وَ أَيَّنَ عَاشَ؟

۴- فِي أَيِّ عَصْرِ كَانَ الْفَرَزْدَقُ يَعْيشُ؟

۵- إِلَى مَنْ رَحَلَ الْفَرَزْدَقُ بِالشَّامِ؟

الْمُنَادَى الْجَلْسَةُ الْحَادِيَّةُ وَالْعِشْرُونَ

ما هو الْمُنَادَى؟

الْمُنَادَى هُوَ اسْمٌ يُنَادَى بِأَحَدِ أَحْرَفِ النَّدَاءِ النَّائِبَةِ عَنِ فِعْلِ «أُنَادِي» أَوْ «أَدْعُو» وَ هِيَ: «يَا» نَحْوُ: «يَا سَائِقَ الْحَافِلَةِ.» وَ «يَا سَوَاقَ الْحَافِلَاتِ».

يَجُوزُ أَنْ يُحَدَفَ حَرْفُ النَّدَاءِ، نَحْوُ: «... رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» طه: ١١٤ أَي «يَا رَبِّي زِدْنِي عِلْمًا».

كَمْ نَوْعًا الْمُنَادَى؟

عَلِمَ (مَبْنِيٌّ عَلَى الضَّمِّ، مَعْرِفَةٌ)	يَا مُحَمَّدُ/ يَا عَلِيُّ	١. مفرد
نَكَرَةٌ مَقْصُودَةٌ (مَبْنِيٌّ عَلَى الضَّمِّ)	يَا رَجُلُ، خُذْ يَدَيَّ/ يَا طَالِبُ، أَسْكُتْ.	
نَكَرَةٌ غَيْرُ مَقْصُودَةٍ (مَنْصُوبٌ)	يَا غَافِلًا/ يَا عَابِرًا/ يَا مَاشِيًا/ يَا مُؤْمِنِينَ	٢. مضاف
مَنْصُوبٌ	يَا رَسُولَ اللَّهِ/ يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ.	
مَنْصُوبٌ	يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ/ يَا سَاعِيًا فِي الْخَيْرِ.	٣. شبيهة بالمضاف

الْوَجِيهَةُ: أَبْرُومُنْدُ

كَيْفَ يُنَادَى الْإِسْمُ الْمُقْتَرِنُ بِأَلٍ؟

يُنَادَى الْإِسْمُ الْمُقْتَرِنُ بِأَلٍ، (مُذَكَّرًا بِـ «أَيَّهَا» وَ مُؤنَّثًا بِـ «أَيَّتُهَا»); نَحْوُ: يَا أَيُّهَا الرَّجُلُ وَ يَا أَيَّتُهَا الْمَرْأَةُ. وَ يَجُوزُ حَذْفُ «يَا» وَ يَكُونُ الْإِسْمُ الْوَاقِعُ بَعْدَ «أَيَّهَا» وَ «أَيَّتُهَا»:

١- عَطَفَ بَيَانٍ إِنْ كَانَ جَامِدًا؛ نَحْوُ: يَا أَيُّهَا الرَّجُلُ.

يَا	أَيُّ	هَا	الرَّجُلُ
حَرْفُ النَّدَاءِ	مُنَادَى	حَرْفُ التَّنْبِيهِ	عَطَفَ بَيَانٍ

٢- نَعَتًا إِنْ كَانَ مُشْتَقًّا؛ نَحْوُ: يَا أَيُّهَا الْعَالِمُ.

يَا	أَيُّ	هَا	الْعَالِمُ
حَرْفُ النَّدَاءِ	مُنَادَى	حَرْفُ التَّنْبِيهِ	صِفَةٌ

مُلاحَظَةٌ: «أَيُّ» فِي «يَا أَيُّهَا الرَّجُلُ.» مُنَادَى نَكَرَةٌ مَقْصُودَةٌ.

كَيْفَ يُنَادَى اسْمُ الْجَلَالَةِ «اللَّهُ»؟

✓ إِنَّ اسْمَ الْجَلَالَةِ «اللَّهُ» يُنَادَى هَكَذَا: يَا اللَّهُ أَوْ اللَّهُمَّ.

✓ يَجُوزُ أَنْ يُحَدَفَ صَمِيرٌ «ي» الْمُتَكَلِّمُ مِنَ الْمُنَادَى الْمُضَافِ إِلَيْهِ؛ نَحْوُ: (يَا رَبِّي = يَا رَبِّ) وَ (يَا قَوْمِي = يَا قَوْم)

حُكْمُهُ الْإِعْرَابِيُّ	حَالَتُهُ	الْمُنَادَى	الْتِرَاكِيْبُ
مُنَادَى مَنْصُوبٌ بِفِعْلٍ مَحْذُوفٍ وُجُوبًا مَعَ فَاعِلِهِ. تَقْدِيرُهُ: أَدْعُو أَوْ أُنَادِي.	مُضَافٌ	عَبْدَ اللَّهِ	يَا عَبْدَ اللَّهِ، أَحْكُمْ بِالْعَدْلِ.
	شَبِيهٌ بِالْمُضَافِ	وَجِيهًا	يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ.
	نَكْرَةٌ غَيْرٌ مَقْصُودَةٌ	تَلْمِيذًا	يَا تَلْمِيذًا، كُنْ مُجِدًّا.
مُنَادَى مَبْنِيٌّ عَلَى الصَّمِّ فِي مَحَلِّ نَصْبٍ، مَفْعُولٌ بِهِ لِفِعْلٍ مَحْذُوفٍ. تَقْدِيرُهُ: أَدْعُو أَوْ أُنَادِي.	عَلَمٌ مُفْرَدٌ	صَادِقٌ	يَا صَادِقُ، كُنْ مُعِينَ الضَّعْفَاءِ.
	نَكْرَةٌ مَقْصُودَةٌ	نَائِمٌ	يَا نَائِمُ، قُمْ.
	نَكْرَةٌ مَقْصُودَةٌ	أَيُّ	يَا أَيُّهَا الْعَامِلُ، كُنْ حَذِرًا.

الْتَمَرِينُ الْأَوَّلُ:

تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ؛ ثُمَّ عَيِّنِ الْمُنَادَى وَ اذْكُرْ نَوْعَهُ فِيهَا.

١- ﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي﴾ طه: ٢٥

٢- ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ...﴾ البقرة: ٢١

٣- ﴿رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا...﴾ آل عمران: ١٩٣

٤- يَا ذَا الْجُودِ وَ الْإِحْسَانِ، يَا ذَا الرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ. (مِنْ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ)

٥- يَا آلَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ حُبُّكُمْ فَرَضٌ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ

كَمْ صِيغَةً لِلتَّعَجُّبِ؟

لِلتَّعَجُّبِ صِيغَتَانِ: « مَا أَفْعَلُ » وَ « أَفْعَلِ بِ » وَ كِلْتَاهُمَا جَامِدَتَانِ؛ نَحْوُ:

مَا أَحْسَنَ أَخْلَاقِ أُسْتَاذِي! أَحْسِنُ بِأَخْلَاقِ أُسْتَاذِي!

وَ هُنَاكَ طُرُقٌ أُخْرَى لِلتَّعَجُّبِ؛ نَحْوُ: يَا لَهَا مِنْ أُمَّ حَنُونٍ! يَا لَهُ مَقَامًا! لِلَّهِ دَرُهُ! كَمْ هَذَا جَمِيلًا!

الرَّبِّيْعَ!	أَجْمَلَ	مَا
مُتَّعَجِّبٌ مِنْهُ، مَفْعُولٌ بِهِ وَ مَنْصُوبٌ	فِعْلٌ لِلتَّعَجُّبِ، فَاعِلُهُ هُوَ الْمُسْتَتِرُ وَ الْجُمْلَةُ خَبَرٌ	«مَا» التَّعَجُّبِيَّةُ، مُبْتَدَأٌ وَ مَرْفُوعٌ مَحَلًّا

يَجِبُ تَقْدِيمُ الْمُبْتَدَأِ («مَا» التَّعَجُّبِيَّةِ) عَلَى الْخَبَرِ؛ نَحْوُ: «مَا أَحْسَنَ الصَّدْقِ!» رَاسْتِغْوِيي جِه

نِيكُوسْت!

الْتَّمَرِينُ الثَّانِي:

أ. تَرَجِّمِ الْجُمْلَةَ الثَّالِيَةَ.

- ١- مَا أَجْمَلَ الرَّبِّيْعَ!
- ٢- يَا لَكَ مِنْ بَطَلٍ!
- ٣- لِلَّهِ دَرُهُ فَارِسًا!
- ٤- كَمْ أَنْتَ عَظِيمٌ!

ب. أَكْمِلِ التَّحْلِيلَ الصَّرْفِيَّ وَالْإِعْرَابَ.

الرَّبِّيْعَ	أَجْمَلَ	مَا
مُتَّعَجِّبٌ مِنْهُ، وَمَنْصُوبٌ	فِعْلٌ لِلتَّعَجُّبِ، فَاعِلُهُ هُوَ الْمُسْتَتِرُ وَالْجُمْلَةُ	«مَا» التَّعَجُّبِيَّةُ، وَمَرْفُوعٌ مَحَلًّا

الْمَدْحُ وَ الدَّمُّ:

أَفْعَالُ الْمَدْحِ وَ الدَّمِّ هِيَ أَفْعَالٌ وَضِعَتْ لِإِنْشَاءِ الْمَدْحِ وَ الدَّمِّ عَلَى سَبِيلِ الْمُبَالَغَةِ؛ نَحْوُ:

نِعَمَ الْخُلُقِ الصِّدْقِ. (راستگویی نیکو خویی است.)

نِعَمَ الْخُلُقِ	الصِّدْقِ
خَبْرٌ مُقَدَّمٌ	مُبْتَدَأٌ مُؤَخَّرٌ

نِعَمٌ	الْخُلُقِ	الصِّدْقِ
فِعْلُ الْمَدْحِ	فَاعِلُ الْمَدْحِ (الْمَمْدُوح)	الْمَخْصُوصُ بِالْمَدْحِ

بِئْسَ الشَّيْمَةُ الْكَذِبُ. (دروغگویی بد سرشتی است.)

بِئْسَ الشَّيْمَةُ	الْكَذِبُ
خَبْرٌ مُقَدَّمٌ	مُبْتَدَأٌ مُؤَخَّرٌ

بِئْسٌ	الشَّيْمَةُ	الْكَذِبُ
فِعْلُ الدَّمِّ	فَاعِلُ الدَّمِّ (الْمَمْدُوم)	الْمَخْصُوصُ بِالدَّمِّ

قَدْ يُحَدِّفُ الْمَخْصُوصُ بِالْمَدْحِ أَوْ الدَّمِّ، إِذَا دَلَّتْ عَلَيْهِ قَرِينَتُهُ؛ نَحْوُ:

﴿... وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعَمَ الْمَوْلَى وَ نِعَمَ النَّصِيرِ﴾ الْحَجَّ: ٧٨

أَيُّ: « وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ؛ فَنِعَمَ الْمَوْلَى [اللَّهُ]؛ وَ نِعَمَ النَّصِيرِ [اللَّهُ]. »

الْمَشْهُورُ مِنْ أَفْعَالِ الْمَدْحِ «نِعَمٌ» وَ «حَبْدًا». وَ الْمَشْهُورُ مِنْ أَفْعَالِ الدَّمِّ «بِئْسٌ» وَ «لَا حَبْدًا».

الْفَاعِلُ فِي «حَبْدًا» وَ «لَا حَبْدًا» هُوَ اسْمُ الْإِشَارَةِ «ذَا».

وَ الْمَخْصُوصُ بِالْمَدْحِ وَ الدَّمِّ بَعْدَهُمَا؛ نَحْوُ:

حَبْدًا الصِّدْقِ. راستگویی نیکوست. لَا حَبْدًا الْكَذِبِ. دروغگویی نیکو نیست.

حَبْدًا	الصِّدْقِ
خَبْرٌ مُقَدَّمٌ	مُبْتَدَأٌ مُؤَخَّرٌ

حَبٌّ	ذَا	الصِّدْقِ
فِعْلُ الْمَدْحِ	فَاعِلُ الْمَدْحِ (الْمَمْدُوح)	الْمَخْصُوصُ بِالْمَدْحِ

لَا حَبْدًا	الْكَذِبِ
خَبْرٌ مُقَدَّمٌ	مُبْتَدَأٌ مُؤَخَّرٌ

لَا حَبٌّ	ذَا	الْكَذِبِ
فِعْلُ الدَّمِّ	فَاعِلُ الدَّمِّ (الْمَمْدُوم)	الْمَخْصُوصُ بِالدَّمِّ

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ:

■ تَرْجِمِ الْآيَتَيْنِ الْكَرِيمَتَيْنِ وَالْعِبَارَتَيْنِ؛ ثُمَّ أَعْرِبْ مَا تَحْتَهُ حَطًّا.

١- ﴿... مَا أَوَاهُ جَهَنَّمُ وَيُنْسُ الْمَصِيرُ﴾ الأنفال: ١٦

٢- ﴿... نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ ص: ٣٠

٣- يَنْسُ الْعَمَلُ الرَّئَاءُ!

٤- نِعَمَ الْفِعْلِ الْإِنْتِسَامُ!

الْمَأْوَى: پناهگاه الْمَصِير: بازگشت الْأَوَّاب: بسیار بازگشت کننده، بسیار توبه کننده

التَّحْذِيرُ وَ الْإِغْرَاءُ:

التَّحْذِيرُ: هُوَ تَنْبِيهُ (آگاه کردن) الْمُخَاطَبِ عَلَى أَمْرٍ مَكْرُوهٍ، لِيَجْتَنِبَهُ؛ نَحْوُ: «إِيَّاكَ وَ الشَّرَّ!»

الشَّرَّ	وَ	إِيَّاكَ
مَفْعُولٌ بِهِ لِفِعْلِ مَحْذُوفٍ تَقْدِيرُهُ «إِحْذَرُ»	حَرْفُ عَطْفٍ	مَفْعُولٌ بِهِ لِفِعْلِ مَحْذُوفٍ بَعْدَهُ تَقْدِيرُهُ «أَحْذَرُ»

نَمَازِجُ لِلتَّحْذِيرِ:

الْكَذِبُ! الْكَذِبُ! الْكَذِبُ! الْكَذِبُ! الْكَذِبُ! الْكَذِبُ! الْكَذِبُ! الْكَذِبُ! الْكَذِبُ! الْكَذِبُ!

إِيَّاكَ أَنْ تَكْذِبَ!

وَ الْإِغْرَاءُ: هُوَ تَنْبِيهُ الْمُخَاطَبِ عَلَى أَمْرٍ مَحْمُودٍ، لِيَفْعَلَهُ؛ نَحْوُ: «الْوَفَاءُ!»

مَفْعُولٌ بِهِ لِفِعْلِ مَحْذُوفٍ «الْوَفَاءُ»

نَمَازِجُ لِلْإِغْرَاءِ:

الْإِخْلَاصُ! الْإِخْلَاصُ، الْإِخْلَاصُ! الْإِخْلَاصُ فِي الْعَمَلِ!

الْتَّمَارِينَ الْأَوَّلُ:

تَرْجِمِ الْأَبْيَاتَ التَّالِيَةَ؛ ثُمَّ أَعْرِبْ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ.

١- يَا رَبِّ إِنَّ عَظَمْتَ ذُنُوبِي كَثْرَةً فَلَقَدْ عَلِمْتُ بِأَنَّ عَفْوَكَ أَعْظَمُ

٢- لَا تَنْهَ عَن خُلُقٍ وَتَأْتِي مِثْلَهُ عَارٌ عَلَيْكَ إِذَا فَعَلْتَ عَظِيمُ

٣- وَمَنْ يَحْتَفِرْ فِي الشَّرِّ بُرًّا لِغَيْرِهِ يَبْتَ وَهُوَ فِيهَا لَا مَحَالَةَ وَإِقْعُ

٤- لَوْ كَانَ لِلْمَرْءِ فِكْرٌ فِي عَوَاقِبِهِ مَا شَانَ أَخْلَاقَهُ حِرْصٌ وَلَا طَمَعُ

٥- يَا خَادِمَ الْجِسْمِ كَمْ تَسْعَى لِخِدْمَتِهِ أَتَطْلُبُ الرِّيحَ مِمَّا فِيهِ خُسْرَانُ

٦- أَقْبِلْ عَلَى النَّفْسِ وَاسْتَكْمِلْ فَضَائِلَهَا فَأَنْتَ بِالنَّفْسِ لَا بِالْجِسْمِ إِنْسَانُ

عَظْمٌ: بزرگ شد اِحْتَفَرَ: حفر کرد شَانَ -: عیب دار کرد الرِّيحُ: سود اَقْبَلَ: روی آورد اِسْتَكْمَلَهُ: کامل کردن آن را خواست

التَّمَرِينُ الثَّانِي:

تَرَجِّمِ الْكَلِمَاتِ الثَّالِيَةَ.

- ١- جَلَسَ: نشست
قَدْ جَلَسَ:
- ٢- فَتَحَ: باز کرد
إِن تَجَلِسُ أَجْلِسُ:
- ٣- قَالَ: گفت
إِفْتَحِ النَّافِذَةَ:
- ٤- عِنْدِي: دارم
لَا تَفْتَحِ الْبَابَ:
- ٥- شَاهِدَ: دید
كَانَ قَدْ قَالَ:
- ٦- ذَهَبَ: رفت
مَا عِنْدِي:
- ٧- رَجَعَ: برگشت
كَانَ عِنْدِي:
- ٨- شَرِبَ: نوشید
مَا شَاهَدَ:
- ٩- حَمَدَ: ستود
لَا يُشَاهِدُ:
- ١٠- طَبَخَ: پخت
لَمْ يَذْهَبْ:
- الْمَطْبَخُ:
- لَمَّا يَذْهَبْ:
- سَيَرْجِعُ:
- لَنْ يَرْجِعَ:
- لِيَشْرَبَ:
- لِيَشْرَبَ:
- الْحَامِدُ:
- الْمَحْمُودُ:
- الطَّبَّاخُ:
- الْمَطْبَخُ:

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: مَيِّزُ بَيْنَ التَّحْذِيرِ وَ الإِغْرَاءِ فِي العِبَارَاتِ التَّالِيَةِ.

١- إِنْ أَرَدْتَ مِنْ أَحَدٍ حِفْظَ المَوَائِقِ، تَقُولُ لَهُ: العَهْدَ، العَهْدَ!

٢- دَخَلَ عَلَيْنَا رَجُلٌ طَوِيلُ القَامَةِ، فَقُلْنَا لَهُ: رَأْسَكَ وَ البَابَ!

٣- إِيَّاكَ أَنْ تَقْتَرِبَ مَوَاضِعَ التُّهْمِ يَا صَدِيقِي!

٤- أَلْوَفَاءَ وَ الأَمَانَةَ! فَإِنَّهُمَا حِلْيَتَانِ لِلْإِنْسَانِ.

٥- أَلْإِنصَافَ، أَلْإِنصَافَ! يَا جَمَاعَةَ التُّجَّارِ.

٦- إِيَّاكَ وَ السَّيَّارَةَ المُسْرِعَةَ!

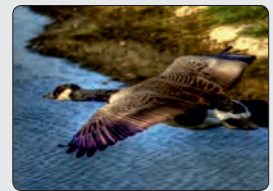
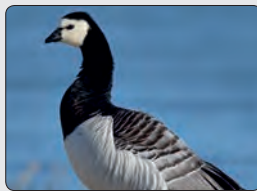
٧- الصَّلَوَاتِ فِي أَوْقَاتِهَا!

أَلْحِلْيَةُ: زِيور أَلْمُسْرِعَةَ: شتابان (پُر سرعت) أَلصَّلَوَات: نمازها «مفرد: الصَّلَاة»



V

الدَّرْسُ السَّابِعُ



﴿أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ...﴾

النَّحْل: ٧٩

آیا به پرندگان ننگریسته‌اند که در فضای آسمان رام شده‌اند؟

٢٤ مِنْ غَرَائِبِ الطُّيُورِ الْجَلْسَةُ الرَّابِعَةَ وَالْعِشْرُونَ

«الطَّائِرُ الذَّكِيُّ»

قَدْ تَلَجَّأَ بَعْضُ الطُّيُورِ إِلَى حَيْلٍ لَطَرْدٍ مُفْتَرِسِهَا بَعِيداً عَنِ عُشِّهَا، مِنْ هَذِهِ الْحَيْلِ أَنَّ أَحَدَ الطُّيُورِ حِينَ يَرَى حَيَوَاناً مُفْتَرِساً قَرِيباً مِنْ عُشِّهِ، يَتَظَاهَرُ أَمَامَهُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ، فَيَتَّبِعُ الْحَيَوَانَ الْمُفْتَرِسُ هَذِهِ الْفَرِيسَةَ، وَ يَتَّعِدُّ عَنِ الْعُشِّ كَثِيراً. وَ عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الطَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ وَ ابْتِعَادِهِ مِنْ عُشِّهِ وَ إِنْقِاذِ حَيَاةِ فِرَاحِهِ مِنَ الْمَوْتِ يَطِيرُ بَعْتَةً. فَهَذَا الطَّائِرُ أَكْثَرُ مِنْ سَائِرِ الطُّيُورِ ذِكَاةً لِإِنْقِاذِ فِرَاحِهِ.



«الْكُوكُو»

هُوَ طَائِرٌ لَا يَبْنِي عُشًّا؛ وَ عِنْدَمَا تُرِيدُ أَنْتَاهُ أَنْ تَبْيَضَ، تَذَهَبُ إِلَى عُشِّ طَائِرٍ آخَرَ لَيْسَ فِيهِ صَاحِبُهُ؛ وَ تَقْدِفُ بَيْضَةً وَاحِدَةً مِنْهُ خَارِجَ الْعُشِّ، ثُمَّ تَبْيَضُ مَكَانَهَا، وَ تَخْرُجُ بِسُرْعَةٍ. تُكْرِّرُ هَذَا الْعَمَلَ عِدَّةَ مَرَّاتٍ فِي كُلِّ مَوْسِمٍ.

يَأْتِي الطَّائِرُ الْمَسْكِينُ صَاحِبَ الْعُشِّ، فَلَا يَلَاحِظُ وَجُودَ بَيْضَةِ كَبِيرَةٍ مُخْتَلِفَةِ اللَّوْنِ بَيْنَ بِيُوضِهِ. فَيَرْقُدُ عَلَيْهَا إِلَى أَنْ تَخْرُجَ الْفِرَاحُ. أَوَّلُ مَا يَفْعَلُهُ فِرْحُ الْكُوكُو هُوَ دَفْعُ سَائِرِ الْفِرَاحِ وَ الْبِيُوضِ بِجَنَاحَيْهِ وَ رِجْلَيْهِ الْقَوِيَّتَيْنِ خَارِجَ الْعُشِّ فَتَسْقُطُ عَلَى الْأَرْضِ. وَ تَمُوتُ حَتَّى يَبْقَى وَحْدَهُ لِيَتَلَقَّى كُلَّ الْغِذَاءِ. صَاحِبَا هَذَا الْعُشِّ يَطْنَانِ أَنَّهُ ابْنُهُمَا. فَيُطْعِمَانِهِ حَتَّى يَكْبُرَ وَ يُعَادِرَ الْعُشَّ. وَ لَا يَلْتَفِتَانِ إِلَى فِرَاحِهِمَا الْمَوْتَى أَسْفَلَ الْعُشِّ.



بَاضَ - تخم گذاشت

(مضارع: يَبِيضُ)

الْبَيْضُ : تخم «واحد آن: الْبَيْضَةُ /

جمع: الْبُيُوضُ»

تَأَكَّدَ مِنْ : از ... مطمئن شد

تَبَعَّ - تعقیب کرد

تَلَقَّى : دریافت کرد

(مضارع: يَتَلَقَّى)

الْحَيْلُ : چاره اندیشی ها

«مفرد: حَيْلَةٌ»

الْخُدَاعُ : نیرنگ

الذِّكَاةُ : تیزهوشی «أَكْثَرُ ذِكَاةً:

تیزهوش تر»

رَجْلِيهِ : پاهایش (رَجْلَيْنِ + هُ

= رَجْلِيهِ) (مفرد: الرَّجُلُ / جمع:

الرَّجُلُ)

غَادَرَ : ترک کرد

الْغَرَائِبُ : شگفتی ها

«مفرد: الْغَرِيبَةُ»

الْمُفْتَرِسُ : درنده ، جانور

شکارچی درنده

الْمَكْسُورُ : شکسته

الْمَوْتَى : مردگان

«مفرد: الْمَيِّتُ» = الْأَمْوَاتُ

حَوْلَ النَّصِّ

x ✓

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- يُشَاهِدُ الطَّائِرُ - صَاحِبُ الْعُشِّ - بِيَضَةً مُخْتَلِفَةً بَيْنَ بَيُوضِهِ، فَيَقْدِفُهَا خَارِجًا.....

۲- لَا تَبِيضُ أَنْثَى الْكُوكُو فِي عُشِّهَا؛ بَلْ تَبِيضُ فِي عُشِّ طَائِرٍ آخَرَ!.....

۳- لِبَعْضِ الطُّيُورِ حَيْلٌ لِيَطْرُدَ مُفْتَرِسَهَا بَعِيدًا عَنِ عُشِّهَا.....

۴- فَرُخُ الْكُوكُو كَفِرَاخِ صَاحِبِ الْعُشِّ حَجْمًا!.....

۵- أَنْثَى الْكُوكُو تُعْذِي فَرَخَهَا فِي عُشِّهَا.....

٣٥ المفعول له أو المفعول لأجله الجلسه الخامسة والعشرون

ما هو المفعول له؟

المفعول له مَصَدَرٌ يُذَكِّرُ لِبَيَانِ سَبَبِ وَقُوعِ الْفِعْلِ؛ نَحْوُ: اجْتَهَدْتُ رَغْبَةً فِي الْعِلْمِ. وَقَدْ يَأْتِي الْمَفْعُولُ لَهُ مُضَافًا؛ نَحْوُ: أَنَا أَتَصَدَّقُ طَلَبَ رِضَا اللَّهِ.

التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

■ تَرْجِمِ الْآيَاتِ الْكَرِيمَةَ وَالْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ؛ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَفْعُولَ لَهُ.

١- ﴿... لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٦٤

٢- ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٠٧

٣- ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِثَاءَ النَّاسِ...﴾ الْأَنْفَالُ: ٤٧

٤- اَطَّالِبِ الْفَهِيمُ لَا يَتَكَلَّمُ دُونَ إِذْنِ الْمُعَلِّمِ احْتِرَامًا لَهُ.

٥- خَيْرُ الْعِبَادَةِ هِيَ الَّتِي تَفْعَلُهَا حُبًّا لِلَّهِ تَعَالَى.

٦- أُصَلِّي صَلَاةَ الظُّهْرِ قُرْبَةً إِلَى اللَّهِ.

الْمَنْ: مَنَّتْ نِهَادِنِ الْأَذَى: آزار الرُّثَاءِ: رِيا الرُّؤُوفِ: مَهْرِيانِ الدِّيَارِ: خانَها «مفرد: الدَّار» الْبَطْرُ: گردنکشی در نعمتِ الْإِذْنِ: اجازة

الْمَفْعُولُ فِيهِ

ما هو الْمَفْعُولُ فِيهِ؟

الْمَفْعُولُ فِيهِ (وَ يُسَمَّى ظَرْفًا) اسْمٌ يُذَكِّرُ لِبَيَانِ زَمَانٍ وَقَوَعِ الْفِعْلِ أَوْ مَكَانِهِ، وَ يُنْصَبُ مُتَّصِمًا مَعْنَى «فِي»؛ نَحْوُ:

سَافَرْتُ **يَوْمَ** الْجُمُعَةِ. (أَيُّ: سَافَرْتُ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ.)
مَفْعُولٌ فِيهِ

✓ فَإِنَّ لَمْ يَتَّصَمَنَّ الْاسْمُ مَعْنَى «فِي»، يُعْرَبُ كَباقِي الْأَسْمَاءِ؛ نَحْوُ:

«**يَوْمَ** الْجُمُعَةِ مُبَارَكٌ.» وَ «جَاءَ **يَوْمَ** الْعِيدِ.»
مُبْتَدَأٌ، مَرْفُوعٌ فاعِلٌ، مَرْفُوعٌ

«يَوْمٌ» فِي الْمِثَالَيْنِ السَّابِقَيْنِ اسْمٌ يَدُلُّ عَلَى الزَّمَانِ وَلِكِنَّهُ لَيْسَ مَفْعُولًا فِيهِ؛ لِأَنَّهُ لَيْسَ مُتَّصِمًا مَعْنَى «فِي».

✓ الْمَفْعُولُ فِيهِ قِسْمَانِ: «ظَرْفُ زَمَانٍ» وَ «ظَرْفُ مَكَانٍ».

فَظَرْفُ الزَّمَانِ مَا يَدُلُّ عَلَى وَقْتٍ وَقَوَعِ الْفِعْلِ؛ نَحْوُ: لَيْلٍ وَ يَوْمٍ وَ سَنَةٍ وَ لَحْظَةٍ وَ ...
وَ ظَرْفُ الْمَكَانِ مَا يَدُلُّ عَلَى مَكَانٍ وَقَوَعِ الْفِعْلِ؛ نَحْوُ: خَلْفٍ وَ أَمَامٍ وَ تَحْتَ وَ فَوْقَ وَ ...

وَ قَدْ يَأْتِي بَعْضُ الظُّرُوفِ لِلزَّمَانِ أَوْ الْمَكَانِ؛ نَحْوُ «عِنْدَ» فِي:

«جَلَسْتُ **عِنْدَ** الْغُرُوبِ.» وَ «جَلَسْتُ **عِنْدَكَ**.»
لِلزَّمَانِ لِلْمَكَانِ

■ تَرْجِمِ الْآيَاتِ الْكَرِيمَةَ؛ ثُمَّ مَيِّزِ «الْمَفْعُولَ فِيهِ» فِيهَا.

١- ﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ...﴾ طه: ١٣٠

٢- ﴿... أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...﴾ المائدة: ٣

٣- ﴿... وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ...﴾ لقمان: ٣٤

٤- ﴿لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى﴾ طه: ٦

٥- ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا﴾ نوح: ٥

آنَاءِ اللَّيْلِ: ساعت‌های شب «مفرد: اللَّيْلُ» أَتَمَّ: به پایان رساند الثَّرَى: زمین

الْحَالُ الْجَلْسَةُ السَّادِسَةُ وَالْعِشْرُونَ

ما هي الحال؟

الْحَالُ هِيَ اسْمٌ مَنْصُوبٌ يُذَكَّرُ بَعْدَ تَمَامِ الْكَلَامِ لِبَيَانِ هَيْئَةِ الْفَاعِلِ أَوْ الْمَفْعُولِ أَوْ ...
حِينَ وَقَوْعِ الْفِعْلِ؛ نَحْوُ:

شَرِبْتُ الْمَاءَ زَلَالًا.

مَفْعُولٌ بِهِ حَالٌ

آب را در حالی که زلال بود نوشیدم.

جَاءَ اللَّاعِبُ ضاحِكًا.

فَاعِلٌ حَالٌ

بازیکن، خندان آمد.

يُسَمَّى الْفَاعِلُ أَوْ الْمَفْعُولُ فِي هَذِهِ الْحَالَةِ «صاحِبَ الْحَالِ».

كَمْ نَوْعًا الْحَالُ؟

تیم با خوشحالی بازگشت.

نَحْوُ: عَادَ الْفَرِيقُ قَرِحًا.

(مُفْرَدَةٌ)

جُمْلَةٌ اِسْمِيَّةٌ نَحْوُ: عَادَ الْفَرِيقُ وَ هُوَ قَرِحٌ. / عَادَ الْفَرِيقُ وَ الْكَاسُ فِي اَيْدِيهِمْ.

تیم، در حالی که شاد بود برگشت. تیم برگشت؛ در حالی که جام در دستانشان بود.

جُمْلَةٌ

جُمْلَةٌ فِعْلِيَّةٌ نَحْوُ: عَادَ الْفَرِيقُ يَضْحَكُ. تیم در حالی که می‌خندید بازگشت.

الْحَالُ

★ ما هُوَ الْأَصْلُ فِي الْحَالِ وَ صَاحِبِهَا؟

الأصل في صاحب الحال أن يكون «مَعْرِفَةً» وَ شَرَطُ الْحَالِ إِذَا كَانَتْ مُفْرَدَةً أَنْ تَكُونَ «نَكْرَةً مُسْتَقَّةً»؛ نَحْوُ:



شَاهَدْتُ الْمَكْتَبَةَ مَلِيئَةً بِالْكِتَابِ التَّارِيخِيَّةِ.

صَاحِبُ الْحَالِ الْحَالُ

★ کتابخانه را دیدم؛ در حالی که پر از کتاب‌های تاریخی بود.

الواو الحالِيَّةُ

وَقَفَّ الْمُدِيرُ أَمَامَ الطُّلَابِ وَ سَاحَهُ الْمَدْرَسَةَ مُزْدَحِمَةً.

مدیر در حالی که مدرسه، شلوغ بود روبه روی دانش آموزان ایستاد.

نُسَمِّي حَرْفَ « وَ » هُنَا الْوَاوَ الْحَالِيَّةَ.

*مَتَى تَأْتِي الْحَالُ الْمُفْرَدَةُ مَعْرِفَةً؟

تَأْتِي الْحَالُ الْمُفْرَدَةُ مَعْرِفَةً إِذَا كَانَتْ فِي تَأْوِيلِ النَّكِرَةِ؛ نَحْوُ:

«جَاءَ الطَّالِبُ وَحْدَهُ.» أَي: «جَاءَ الطَّالِبُ مُنْفَرِدًا.»

الْغَالِبُ فِي الْحَالِ أَنْ تَكُونَ مُشْتَقَّةً، وَ قَدْ تَكُونُ جَامِدَةً؛ وَ ذَلِكَ فِي مَوَاضِعَ مِنْهَا:

إِذَا دَلَّتْ عَلَى تَشْبِيهِ؛ نَحْوُ: هَجَمَ الْجُنْدِيُّ الْإِيرَانِيَّ أَسَدًا.

وَ إِذَا دَلَّتْ عَلَى تَرْتِيبٍ أَوْ تَفْصِيلٍ؛ نَحْوُ: دَخَلُوا رَجُلًا رَجُلًا. وَ قَرَأْتُ الْكِتَابَ بَابًا بَابًا.

وَ إِذَا دَلَّتْ عَلَى تَسْعِيرٍ (قِيَمَتِ كَذَارَى)؛ نَحْوُ: اشْتَرَيْتُ الْقُمَاشَ مِثْرًا بِدِينَارٍ. *

تَطَابُقُ الْحَالِ وَ صَاحِبِ الْحَالِ:

تَطَابُقُ الْحَالِ صَاحِبَهُ مِنْ نَاحِيَةِ الْعَدَدِ وَ الْجِنْسِ؛ أَنْظِرْ إِلَى هَذِهِ الْأَمْثَلَةِ:

١- وَصَلَ الْمَسَافِرَانِ إِلَى الْمَطَارِ مُتَأَخِّرِينَ وَ رَكِبَا الطَّائِرَةَ.

٢- تَجْتَهِدُ الطَّالِبَةُ فِي آدَاءِ وَاجِبَاتِهَا رَاضِيَةً وَ تُسَاعِدُ أُمَّهَا.

٣- يُشَجِّعُ الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُمُ الْفَائِزَ فَرِحِينَ الْيَوْمَ.

الْجُمْلُ بَعْدَ النَّكْرَاتِ، صِفَاتٌ. الْجُمْلُ بَعْدَ الْمَعَارِفِ، أَحْوَالٌ.

الْتَّمَرِينُ الثَّالِثُ:

■ عَيَّنِ الْحَالَ وَصَاحِبَ الْحَالِ فِي مَا يَلِي.

١- رَأَيْتُ رِجَالَ الشُّرْطَةِ وَاقْفِينَ جَنَّبَ الشَّارِعِ.

٢- رَجَعِ الْعَامِلُ مِنَ الْمَصْنَعِ تَعَبًا.

٣- شَاهَدْتُ الْفَرِيقَ مُجْتَهِدًا.

الْتَّمَرِينُ الرَّابِعُ:

■ عَيَّنِ الْحَالَ وَالصِّفَةَ.

١- قَالَ زَمِيلِي: التَّقِيْتُ بِطَالِبٍ كَرِيمٍ أَمْسٍ.

٢- وَجَدْتُ مُعْجَمًا سَاعَدَنِي فِي تَرْجَمَةِ النُّصُوصِ الصَّعْبَةِ.

٣- قَالَتِ الْبِنْتَانِ الْفَرِحَتَانِ: رَجَعْنَا مِنْ صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ الْكَبِيرَةِ مَسْرُورَتَيْنِ.

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ:

■ تَرْجِمِ الْجُمَلَ التَّالِيَةَ؛ ثُمَّ عَيِّنِ الْحَالَ وَصَاحِبَهَا.

١- مَنْ أَرَادَ أَنْ يَحْفَظَ أَسْنَانَهُ سَلِيمَةً فَعَلَيْهِ أَنْ لَا يَأْكُلَ الطَّعَامَ سَاخِنًا وَلَا يَشْرَبَ الْمَاءَ بَارِدًا.

٢- مَشِينَا فِي الْبَسَاتِينِ مَسْرورِينَ وَ هِيَ مَمْلُوءَةٌ بِالثَّمَارِ؛ ثُمَّ أَكَلْنَا مِنْهَا نَاضِجَةً.

٣- ذَهَبَ اللَّاعِبُونَ إِلَى الْمَلْعَبِ وَ هُمْ مَسْرورُونَ؛ وَلَكِنَّهُمْ رَجَعُوا مَحْزُونِينَ.

٤- رَأَيْتُ التَّلْمِيذَةَ تُطَالِعُ كِتَابَ الْجُغْرَافِيَا.

٥- يَجِبُ أَنْ تُقَلِّمَ أَظْفِيرَكَ طَوِيلَةً.

٦- رَأَيْتُ الْمُدِيرَ يَمْشِي بِوَقَارٍ.

٧- شَاهَدْنَاكَ وَ أَنْتَ بَيْنَ شَجَرَتَيْنِ.

السَّاخِنُ: داغ، جوش ≠ البارد النَّاضِجُ: رسیده (صفت میوه) طَالَعُ: مطالعه کرد قَلَّمَ الظُّفْرَ: ناخن گرفت
الظُّفْرُ: ناخن «جمع: أَظْفَار، جمع الجمع: أَظْفِير»

التَّمْرِينُ السَّادِسُ:

■ مَيِّزِ الْحَالَ الْمُفْرَدَةَ مِنَ الْجُمْلَةِ.

١- ﴿... إِذَا جَاءَ كُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَأَمْتَحِنُوهُنَّ...﴾ المُمْتَحَنَةُ: ١٠

٢- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ...﴾ المَائِدَةُ: ٩٥

٣- ﴿... وَجَاؤُوا آبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ﴾ يُوسُفُ: ١٦

٤- ذَهَبَ الْعَمَلُ إِلَى الْمَصْنَعِ نَشِيطِينَ.

٥- رَجَعَ الْعَامِلُ مِنْ عَمَلِهِ وَهُوَ تَعَبَانٌ.

٦- نَظَرْتُ إِلَى الْوُرْدَةِ مُتَفَتِّحَةً.

إِمْتَحَنَ: آزمود الحُرْمُ: در احرام العِشَاءُ: شب



التَّمْرينُ الْأَوَّلُ:

لِلتَّذْكارِ، لِلتَّرْجَمَةِ.

۱- كَتَبَ: نوشت

قَدْ كَتَبَ التَّمْرينُ:	لِمَ لَا تَكْتُبِينَ دَرَسَكَ؟
.....
لَمْ تَكْتُبِي شَيْئًا:	لَا يَكْتُبُ عَلَيَّ الشَّجَرُ:
.....

۲- تَكَاتَبَ: نامه‌نگاری کرد

الصَّديقانِ تَكَاتَبَا:	رَجَاءً، تَكَاتَبَا:
.....
تَكَاتَبَ الرَّميلانِ:	أَنْتُمَا تَكَاتَبْتُمَا:
.....

۳- مَنَعَ: بازداشت، منع کرد

مُنِعْتُ عَنِ الْمَوادِّ السُّكَّرِيَّةِ:	لَا تَمْنَعُنَا عَنِ الْخُرُوجِ:
.....
إِمْنَعُوا حَمَلَ الْجَوالِ:	شاهدنا مانعاً بالطَّرِيقِ:
.....

۴- إِمْتَنَعَ: خودداری کرد

كَانَ الْحارِسُ قَدْ إِمْتَنَعَ عَنِ النُّومِ:	لَا تَمْتَنِعُوا عَنِ الْأَكْلِ:
.....
لَنْ نَمْتَنِعَ عَنِ الْخُرُوجِ:	لَيْتَنَّا إِمْتَنَعْنَا عَنْهُ!
.....

۵- عَمِلَ: کار کرد، عمل کرد

لِمَ مَا عَمِلْتُمْ يَوَاجِبَاتِكُمْ؟	أَتَعْمَلُونَ فِي الْمَصْنَعِ؟
.....
الْعَمَالُ مَشْغُولُونَ بِالْعَمَلِ:	لَيْسَ الْمَعْمَلُ مَفْتُوحًا:
.....

۶- عَامَلَ: رفتار کرد

إِلَهِي، عَامِلْنَا بِفَضْلِكَ:	إِلَهِي، لَا تُعَامِلْنَا بِعَدْلِكَ:
.....
كَانُوا يُعَامِلُونَنَا جَيِّدًا:	مُعَلِّمُنَا جَيِّدُ الْمُعَامَلَةِ مَعَنَا:
.....

۷- ذَكَرَ: یاد کرد

قَدْ ذَكَرَ الْمُؤْمِنُ رَبَّهُ:	قَدْ يَذْكُرُ الْأُسْتَاذُ تَلَامِيذَهُ الْقُدَمَاءَ:
.....
ذُكِرَتْ بِالْخَيْرِ:	لَيْتَ أَحَبَّتِي يَذْكُرُونَنِي!
.....

۸- تَذَكَّرَ: به یاد آورد

جَدِّي وَ جَدَّتِي تَذَكَّرَانِي:	رَجَاءً، تَذَكَّرَا زُمَلَاءَنَا:
.....
لَا أَتَذَكَّرُكَ يَا زَمِيلِي:	سَيَتَذَكَّرُنَا الْمُدْرَسُ:
.....

عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي «التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ» وَ «المَحَلِّ الإِغْرَابِيِّ» لِمَا أَشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ.
 {الرَّجُلُ العَلَمَةُ تَحَدَّثُ مَعَ جَمِيعِ الطُّلَابِ فِي المَدْرَسَةِ}
 تَذْهَبُ العُلَمَةُ إِلَى المَكْتَبَةِ.

١	الرَّجُلُ	أ. إِسْمٌ جَامِدٌ، مُفْرَدٌ، مُعْرَفٌ بِأَلٍ، مُعْرَبٌ، مُنْصَرَفٌ ب. إِسْمٌ، مُصَدَّرٌ، مُذَكَّرٌ، مَعْرِفَةٌ، مَبْنِيٌّ عَلَى الضَّمِّ	مُبْتَدَأٌ وَ مَرْفُوعٌ بِإِعْرَابٍ ظَاهِرِيٍّ مُبْتَدَأٌ وَ مَرْفُوعٌ تَقْدِيرًا وَ الجُمْلَةُ اسْمِيَّةٌ
٢	العَلَمَةُ	أ. إِسْمٌ مُشْتَقٌّ، مُؤَنَّثٌ، مُعْرَفٌ بِالعَلَمِيَّةِ، مُعْرَبٌ ب. إِسْمٌ مُبَالَغَةٌ، مُفْرَدٌ، مُعْرَفٌ بِأَلٍ، مُعْرَبٌ	مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ صِفَةٌ وَ مَرْفُوعَةٌ بِالتَّبَعِيَّةِ لِمَوْصُوفِهَا
٣	تَحَدَّثَ	أ. فِعْلٌ مُضَارِعٌ، مُفْرَدٌ مُؤَنَّثٌ غَائِبٌ، ثَلَاثِيٌّ مَزِيدٌ مِنْ بَابِ تَفْعِيلٍ، مَتَّعَدٌ، مُعْرَبٌ ب. فِعْلٌ مَاضٍ، مُفْرَدٌ مُذَكَّرٌ غَائِبٌ، ثَلَاثِيٌّ مَزِيدٌ مِنْ بَابِ تَفْعُلٍ، مَعْلُومٌ، لِازِمٌ	مَفْعُولٌ وَ مَنْصُوبٌ خَبَرٌ وَ مَرْفُوعٌ مَحَلًّا
٤	الطُّلَابِ	أ. إِسْمٌ مُشْتَقٌّ، مُعْرَفٌ بِأَلٍ، جَمْعٌ مُذَكَّرٌ سَالِمٌ، مَبْنِيٌّ، مَمْنُوعٌ مِنَ الصَّرْفِ ب. إِسْمٌ فَاعِلٌ، جَمْعٌ تَكْسِيرٍ وَ مُفْرَدُهُ «الطُّالِبُ»، مُعْرَبٌ، مَعْرِفَةٌ	مَجْرُورٌ مَحَلًّا بِحَرْفِ جَرٍّ مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ
٥	المَدْرَسَةِ	أ. إِسْمٌ مَكَانٍ، مُفْرَدٌ، مُؤَنَّثٌ، مَعْرِفَةٌ، مُعْرَبٌ ب. إِسْمٌ مُشْتَقٌّ، مُفْرَدٌ، مُعْرَفٌ بِأَلٍ، مَبْنِيٌّ، مُنْصَرَفٌ	مَجْرُورٌ بِحَرْفِ جَرٍّ (فِي المَدْرَسَةِ: جَارٌ وَ مَجْرُورٌ) صِفَةٌ وَ مَجْرُورَةٌ بِالتَّبَعِيَّةِ لِمَوْصُوفِهَا
٦	تَذْهَبُ	أ. فِعْلٌ مُضَارِعٌ، مُفْرَدٌ مُؤَنَّثٌ غَائِبٌ، ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ، مَعْلُومٌ، مُعْرَبٌ، لِازِمٌ ب. فِعْلٌ مَجْهُولٌ، مُفْرَدٌ مُذَكَّرٌ مُخَاطَبٌ، ثَلَاثِيٌّ مَزِيدٌ، مَبْنِيٌّ، صَحِيحٌ وَ سَالِمٌ	مَفْعُولٌ وَ مَنْصُوبٌ وَ الجُمْلَةُ اسْمِيَّةٌ. فِعْلٌ وَ الجُمْلَةُ فِعْلِيَّةٌ
٧	العُلَمَةُ	أ. إِسْمٌ مَفْعُولٌ، مُعْرَفٌ بِالعَلَمِيَّةِ، مَبْنِيٌّ، مَمْنُوعٌ مِنَ الصَّرْفِ ب. إِسْمٌ مُشْتَقٌّ (إِسْمٌ فَاعِلٍ)، مُفْرَدٌ، مُؤَنَّثٌ، مُعْرَفٌ بِأَلٍ، مُعْرَبٌ	مَفْعُولٌ وَ مَنْصُوبٌ وَ الجُمْلَةُ اسْمِيَّةٌ. فَاعِلٌ وَ مَرْفُوعٌ وَ الجُمْلَةُ فِعْلِيَّةٌ.
٨	أَلٌ	أ. حَرْفٌ تَعْرِيفِيٌّ، عَامِلٌ جَرٌّ، مَبْنِيٌّ عَلَى الكَسْرِ ب. حَرْفٌ تَعْرِيفِيٌّ، غَيْرُ عَامِلٍ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ	
٩	المَكْتَبَةِ	أ. إِسْمٌ مَكَانٍ، مُفْرَدٌ، مُؤَنَّثٌ، مُعْرَفٌ بِأَلٍ ب. إِسْمٌ تَفْضِيلِيٌّ، مُفْرَدٌ، مَعْرِفَةٌ، مُعْرَبٌ	مَجْرُورٌ بِحَرْفِ جَرٍّ (إِلَى المَكْتَبَةِ: جَارٌ وَ مَجْرُورٌ) مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ تَقْدِيرًا



۸

الدَّرْسُ الثَّامِنُ



﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ
أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا﴾ الْكَهْف: ۳۰

بی‌گمان کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند [بدانند که

ما] پاداش کسی را که نیکوکاری کرده است تباہ نمی‌کنیم.

الوجه النافع، والوجه المضرّ
الجلسة الثامنة والعشرون

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا﴾ الكهف: ٣٠
 في عام ألفٍ وثمانمئةٍ وثلثةٍ وثلثينٍ وُلِدَ في مملكةِ «السويد» صبيٌّ سُمِّيَ
 «ألفرد نوبل». كان والده قد أقام مصنعاً لصناعة مادّة «النيتروغليسرين» السائلِ
 السريع الانفجار، وكو بالحرارة القليلة.



اهتمَّ ألفرد منذُ صغره بهذه المادّة، و عملَ على تطويرها مُجدداً، ليمنع انفجارها.
 بنى مُختبراً صغيراً ليُجري فيه تجاربه، ولكن مع الأسف انفجر المُختبرُ وانهدمَ
 على رأس أخيه الأصغر و قتلهُ. هذه الحادثة لم تُضعف عزمه، فقد واصل عمله
 دؤوباً، حتّى استطاع أن يَخترع مادّة «الديناميت» التي لا تنفجر إلا بإرادة الإنسان.
 بعد أن اخترع الديناميت، أُقبلَ على شرائه رؤساء شركات البناءِ و المناجمِ و القوّاتِ
 المسلّحة و هم مُشاقون لاستخدامه، فانتشر الديناميتُ في جميع أنحاء العالم.

قَامَ الْفِرْدِ بِإِنشَاءِ عَشْرَاتِ الْمَصَانِعِ وَالْمَعَامِلِ فِي عِشْرِينَ دَوْلَةً، وَ كَسَبَ مِنْ ذَلِكَ ثَرَوَةً كَبِيرَةً جِدًّا حَتَّى أَصْبَحَ مِنْ أَغْنِيَاءِ الْعَالَمِ.

فَقَدِ اسْتَفَادَ الْإِنْسَانُ مِنْ هَذِهِ الْمَادَّةِ، وَ سَهَّلَتْ أَعْمَالَهُ الصَّعْبَةَ فِي حَفْرِ الْأَنْفَاقِ وَ شَقِّ الْقَنْوَاتِ وَ إِنشَاءِ الطَّرِيقِ وَ حَفْرِ الْمَنَاجِمِ وَ تَحْوِيلِ الْجِبَالِ وَ التَّلَالِ إِلَى سُهولٍ صَالِحَةٍ لِلزَّرَاعَةِ.



وَ مِنَ الْأَعْمَالِ الْعَظِيمَةِ الَّتِي تَمَّتْ بِوِاسِطَةِ هَذِهِ الْمَادَّةِ تَفْجِيرُ الْأَرْضِ فِي قَنَاةِ «بَنَمَا» بِمِقْدَارٍ مِنَ الدِّينَامِيْتِ بَلَغَ أَرْبَعِينَ طُنًّا.

وَ بَعْدَ أَنْ اخْتَرَعَ نوبَلِ الدِّينَامِيْتِ، إِزْدَادَتِ الْحُرُوبُ وَ كَثُرَتْ أَدَوَاتُ الْقَتْلِ وَ التَّخْرِيْبِ بِهَذِهِ الْمَادَّةِ، وَ إِنْ كَانَ عَرَضُهُ مِنْ اخْتِرَاعِهِ مُسَاعَدَةً الْإِنْسَانِ فِي مَجَالِ الْأَعْمَارِ وَ الْبِنَاءِ.



نَشَرَتْ إِحْدَى الصُّحُفِ الْفَرَنْسِيَّةِ عِنْدَ مَوْتِ أَخِيهِ الْآخِرِ عُنْوَانًا خَطَأً:
«ماتَ ألفرد نوبل تاجِرُ المَوْتِ الَّذِي أَصْبَحَ غَنِيًّا مِنْ خِلالِ إِيجادِ طَرِيقِ لِقَتْلِ المَزِيدِ
مِنَ النَّاسِ».



شَعَرَ نوبلِ بالدُّنْبِ وَ بِخَيْبَةِ الأَمَلِ مِنْ هَذَا العُنْوَانِ، وَ بَقِيَ حَزِينًا وَ خَافَ أَنْ يَدُكِّرَهُ
النَّاسُ بِالسُّوءِ بَعْدَ مَوْتِهِ. لِذَلِكَ فَقَدَ بَنَى مُؤَسَّسَةً لِمَنْحِ الجَوَائِزِ الشَّهِيرَةِ بِاسْمِ
«جائِزَةِ نوبلِ». وَ مَنْحَ ثَرَوَتَهُ لِشِراءِ الجَوَائِزِ الذَّهَبِيَّةِ لِكَي يُصَحِّحَ خَطَأَهُ.
تُمنَحُ هَذِهِ الجائِزَةُ فِي كُلِّ سَنَةٍ إِلى مَنْ يُفِيدُ البَشَرِيَّةَ فِي مَجالاتِ حَدَدَها، وَ
هِيَ مَجالاتُ السَّلَامِ وَ الكِيمياءِ وَ الفِيزياءِ وَ الطَّبِّ وَ الأَدبِ وَ ...
وَلِكنْ هَلْ تُعْطَى الجَوَائِزُ اليَوْمَ لِمَنْ هُوَ أَهْلٌ لِذَلِكَ؟!



لِكُلِّ اخْتِراعِ عِلْمِيٍّ وَ ابْتِكارِ فِي التَّفَنِيَّةِ وَجْهانِ:
وَجْهٌ نافعٌ، وَ وَجْهٌ مُضِرٌّ.
وَ عَلى الإنسانِ العاقِلِ أَنْ يَسْتَفِيدَ مِنَ الوَجْهِ النافعِ.

أَجْرِي : اجرا كرد (مضارع: يُجْرِي)
 «لِيُجْرِي : تا اجرا كند»
 أَضْعَفَ : ضعيف كرد
 الْأَعْمَارُ : آباد كردن (أَعْمَرَ، يُعْمِرُ)
 أَفَادَ : سود رساند (مضارع: يُفِيدُ)
 أَقْبَلَ عَلَيَّ : به ... روى آورد
 الْأَنْحَاءُ : سمت ها، سوها
 «مفرد: النَّحْوُ»
 الْأَنْفَاقُ : تونل ها «مفرد: النَّفْقُ»
 أَنْهَدَمَ : ويران شد
 إِهْتَمَّ : اهتمام ورزید (مضارع:
 يَهْتَمُّ)
 الْأَهْلُ : شايسته
 التَّحْوِيلُ : دگرگونی

التَّطْوِيرُ : بهينه سازی
 التَّقْنِيَّةُ : فنآوری (تكنيك)
 التَّلَالُ : تپه ها «مفرد: التَّل»
 تَمَّ - : انجام شد ، كامل شد
 (مضارع: يَتَمُّ)
 جُلْبُ شَعِيرَةٍ : پوست جويى
 حَدَدَ : مشخص كرد
 حَيْبَةُ الْأَمَلِ : نااميدى ≠ الرَّجَاءُ
 الدَّوْبُ : با پشتكار
 السُّوَيْدُ : سوئد
 سَهَّلَ : آسان كرد ≠ صَعَبَ
 السُّهُولُ : دشت ها «مفرد: السُّهْلُ»
 الشُّعِيرُ : جو
 الشَّقُّ : شكافتن (شَقَّ، يَشُقُّ)

الصَّالِحَةُ لِلزَّرَاعَةِ : قابل كشت
 الصَّبِيُّ : كودك ، پسر
 «جمع: الصَّبِيَّانُ»
 صَحَّحَ : تصحيح كرد
 الطَّنُّ : تَنْ «جمع: الأطنان»
 الْفَرَنْسِيَّةُ : زبان فرانسوى
 الْفِيْزِيَاءُ : فيزيك
 قَنَاةٌ بِنَمَا : كانال پاناما
 الْقَنَوَاتُ : كانال ها «مفرد: الْقَنَاةُ»
 كَسَبَ - : به دست آورد
 الْمَجَالُ : زمينه «جمع: الْمَجَالَاتُ»
 الْمَنَاجِمُ : معادن «مفرد: الْمَنَجْمُ»
 نَشَرٌ : پخش كرد



حَوْلَ النَّصِّ

أ. ضَعِ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ١- بَعْدَ اخْتِرَاعِ الدِّيْنَامِيْتِ، إِزْدَادَتْ وَ كَثُرَتْ وَسَائِلُ الْقَتْلِ وَ التَّخْرِيْبِ بِهَذِهِ الْمَادَّةِ.
- ٢- أَقْبَلَ عَلَى شِرَاءِ الدِّيْنَامِيْتِ رُؤَسَاءُ شَرِكَاتِ الْبِنَاءِ وَ وَ الْقُوَاتِ الْمُسَلَّحَةِ.
- ٣- كَانَ نُوْبِلَ قَدْ أَقَامَ مَصْنَعًا لِصِنَاعَةِ مَادَّةِ «النِّيْتروغليسرين».
- ٤- بَنَى نُوْبِلَ مُخْتَبَرًا وَلَكِنَّهُ انْفَجَرَ وَ انْهَدَمَ، وَ تَسَبَّبَ بِمَقْتَلِ
- ٥- تُمْنَحُ جَائِزَةُ نُوْبِلِ فِي كُلِّ إِلَى مَنْ يُفِيدُ الْبَشَرِيَّةَ فِي مَجَالَاتٍ مُحَدَّدَةٍ.
- ٦- قَامَ الْفِرْدُ بِإِنْشَاءِ عَشْرَاتِ الْمَصْنَعِ وَ الْمَعَامِلِ فِي دَوْلَةً.

ب. عَيِّنِ الصَّحِيْحَ وَالْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ١- لَمْ يَكُنْ لِاخْتِرَاعِ الدِّيْنَامِيْتِ تَأْثِيْرٌ فِي تَسْهِيْلِ الْأَعْمَالِ الصَّعْبَةِ كَحَفْرِ الْأَنْفَاقِ وَ شَقِّ الْقُنُوَاتِ.
- ٢- خَافَ نُوْبِلَ أَنْ يَذْكُرَهُ النَّاسُ بِالسُّوْءِ بَعْدَ مَوْتِهِ؛ لِذَلِكَ فَقَدَ بَنَى مُؤَسَّسَةً «جَائِزَةُ نُوْبِلِ».
- ٣- الَّذِينَ حَصَلُوا عَلَى جَوَائِزِ نُوْبِلِ خِلَالَ السَّنَوَاتِ الْمَاضِيَةِ كَانُوا كُلُّهُمْ أَهْلًا لِذَلِكَ.
- ٤- لِكُلِّ اخْتِرَاعٍ عِلْمِيٍّ وَ ابْتِكَارٍ فِي التَّقْنِيَّةِ وَجْهٌ نَافِعٌ، وَ وَجْهٌ مُضِرٌّ.
- ٥- إِنَّ الْمُخْتَرَعَاتِ الْحَدِيثَةَ سَاعَدَتِ الْبَشَرَ لِتَسْهِيْلِ أُمُورِ الْحَيَاةِ.
- ٦- كَانَ غَرَضُ نُوْبِلِ مِنْ اخْتِرَاعِ الدِّيْنَامِيْتِ إِشَاعَةَ الْحُرُوبِ.

التَّمْيِيزُ الْجَلِيسَةُ التَّاسِعَةُ وَالْعِشْرُونَ

ما هُوَ التَّمْيِيزُ؟

التَّمْيِيزُ اسْمٌ نَكْرَةٌ وَ جَامِدٌ وَ مَنْصُوبٌ يَرْفَعُ إِبْهَامَ مَا جَاءَ قَبْلَهُ؛ مِنْ جُمْلَةٍ أَوْ اسْمٍ مُفْرَدٍ؛ وَ هُوَ نَوْعَانِ؛ نَحْوُ:
 ۱- «تَمْيِيزُ نِسْبَةٍ»؛ نَحْوُ:

طَابَ الرَّجُلُ نَفْسًا. (روانِ مردِ پاک شد.) وَ اِمْتَلَأَ قَلْبُ الْأُمِّ حَنَانًا. (دلِ مادرِ از مهرِ پر شد).

۲- «تَمْيِيزُ ذَاتٍ»؛ نَحْوُ:

شَرِبْتُ فَنجَانًا قَهْوَةً. (فنجانی قهوه نوشیدم.) وَ اِشْتَرَيْتُ زُجَاجَةً عَسَلًا. (شیشه‌ای عسل خریدم).

★ ل- تَمْيِيزُ النِّسْبَةِ اسْمٌ آخَرٌ وَ هُوَ «تَمْيِيزُ الْجُمْلَةِ»؛ وَ ل- تَمْيِيزُ الذَّاتِ اسْمٌ آخَرٌ وَ هُوَ «تَمْيِيزُ الْمُفْرَدِ». ★

«تَمْيِيزُ الذَّاتِ» يَأْتِي بَعْدَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ:

- ۱- أَسْمَاءُ الْوِزْنِ نَحْوُ: اِشْتَرَيْتُ كَيْلَوَيْنِ رُمَانًا.
- ۲- أَسْمَاءُ الْمَكِيلَاتِ نَحْوُ: شَرِبْتُ كُوبًا شَايَاً.
- ۳- أَسْمَاءُ الْمِسَاحَةِ نَحْوُ: بَعْتُ مِثْرًا قِمَاشًا.
- ۴- أَسْمَاءُ الْعَدَدِ مِنْ ۱۱ إِلَى ۹۹ نَحْوُ: عَلَى الْمِنْصَدَةِ أَحَدَ عَشَرَ قَلَمًا.

✓ إِنَّ تَمْيِيزَ الْوِزْنِ وَ الْكَيْلِ وَ الْمِسَاحَةِ يَجُوزُ جَرُّهُ بِ «مِنْ»، وَ حِينَئِذٍ يُعْرَبُ جَارًا وَ مَجْرورًا؛ نَحْوُ:

اِشْتَرَيْتُ كَيْلَوَيْنِ مِنَ الرُّمَانِ. شَرِبْتُ كُوبًا مِنَ الشَّايِ. اِشْتَرَيْتُ مِثْرًا مِنَ الْقِمَاشِ.

✓ وَ يَأْتِي «تَمْيِيزُ النِّسْبَةِ» بَعْدَ «اسْمِ التَّفْضِيلِ» كَثِيرًا؛ نَحْوُ:

«أُخْتِي أَحْسَنُ مِنِّي أَخْلَاقًا.»

«كَمْ» وَ تَمْيِيزُهَا:

«كَمْ» عَلَى قِسْمَيْنِ: اِسْتِفْهَامِيَّةٌ وَ حَبْرِيَّةٌ.

✓ «كَمْ» اِسْتِفْهَامِيَّةٌ مَا يُسْتَفْهَمُ بِهَا عَنْ عَدَدٍ مِنْهُمْ يُرَادُ تَعْيِينُهُ؛ نَحْوُ:

«كَمْ مُسَافِرًا فِي هَذَا الْفُنْدُقِ؟»^۱ وَ تَمْيِيزُهَا مُفْرَدٌ مَنْصُوبٌ.

۱- چند مسافر در این هتل هستند؟

✓ «كَمْ» الْخَبْرِيَّةُ تَكُونُ بِمَعْنَى «كَثِيرٍ» وَ تُخْبِرُ عَنْ عَدَدٍ كَثِيرٍ مُبْهَمِ الْكَمِّيَّةِ وَ تَمَيِّزُهَا يَفْعُ مُضَافًا إِلَيْهِ أَوْ مَجْرُورًا بِـ «مِنْ» ؛ نَحْوُ:

«كَمْ مُسَافِرٍ شَاهَدْتُ فِي هَذَا الْفُنْدُقِ!» أَوْ «كَمْ مِنْ مُسَافِرٍ شَاهَدْتُ فِي هَذَا الْفُنْدُقِ!»^١

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ:

■ عَيِّنِ التَّمْيِيزَ وَ بَيِّنِ نَوْعَهُ.

- ١- قَرَأْتُ اثْنَيْ عَشَرَ كِتَابًا صَغِيرًا خِلَالَ شَهْرٍ.
- ٢- لِأُسْرَتِي هِكْتَارٌ أَرْضًا فِي الْقَرْيَةِ.
- ٣- أَنَا أَكْثَرُ الطُّلَابِ نَشَاطًا.
- ٤- أَنْفَقْتُ مَنًا قَمَحًا أَمْسٍ.
- ٥- كَمْ رِسَالَةً كَتَبْتُ؟
- ٦- كَمْ كِتَابٍ قَرَأْتُ!

التَّمْرِينُ الثَّانِي:

■ مَيِّزِ الْحَالَ وَ التَّمْيِيزَ وَ الْمَفَاعِيلَ وَ أَنْوَاعَهَا:

- ١- بَعْضُ الْعُمَّالِ يَذْهَبُونَ إِلَى عَمَلِهِمْ لَيْلًا، وَ يَرْجِعُونَ إِلَى بُيُوتِهِمْ صَبَاحًا.
- ٢- تَخْتَلِفُ السَّنَةُ الشَّمْسِيَّةُ عَنِ الْقَمَرِيَّةِ بِأَحَدِ عَشَرَ يَوْمًا.
- ٣- أَوْصَيْتُ الصَّائِغَ^٢ أَنْ يَصُوغَ^٣ لِي خَاتَمًا فِضَّةً.
- ٤- يُكْرِمُ الْمُسْلِمُونَ صُيُوفَهُمْ إِكْرَامًا بِالْغَا.
- ٥- لَا تَقُمْ إِلَى الصَّلَاةِ مُتَكَاسِلًا.

١- چه بسیار مسافر را در این هتل دیدم. ٢- الصَّائِغُ: زرگر. ٣- صَاعٌ -: به قالب ریخت، ساخت

الإِسْتِثْنَاءُ الْجَلْسَةُ الثَّلَاثُونَ

ما هو الإِسْتِثْنَاءُ؟

الإِسْتِثْنَاءُ هُوَ إِخْرَاجُ مَا بَعْدَ أَدَاةِ الإِسْتِثْنَاءِ مِنْ حُكْمِ مَا قَبْلَهَا؛ نَحْوُ: «جَاءَ التَّلَامِيذُ إِلَّا قَاسِمًا.»
وَيُسَمَّى الْمُخْرَجُ «مُسْتَثْنَى» وَ الْمُخْرَجُ مِنْهُ «مُسْتَثْنَى مِنْهُ». وَ تَسْمَى كَلِمَةُ إِلَّا «أَدَاةَ الإِسْتِثْنَاءِ»؛ نَحْوُ:

«رَجَعَ التَّلَامِيذُ إِلَّا جَعْفَرًا.»
↓ ↓ ↓
المُسْتَثْنَى مِنْهُ أَدَاةُ الإِسْتِثْنَاءِ المُسْتَثْنَى

أَدَوَاتُ الإِسْتِثْنَاءِ هِيَ: («إِلَّا» حَرْفٌ) وَ («غَيْرُ» وَ «سَوَى» إِسْمَانِ)

(«ما عدا» وَ «ما خلا» فِعْلَانِ).

الإِسْتِثْنَاءُ ثَلَاثَةُ أَقْسَامٍ:

- ١- الْمُتَّصِلُ: وَ هُوَ مَا كَانَ فِيهِ الْمُسْتَثْنَى مِنْ جِنْسِ المُسْتَثْنَى مِنْهُ؛ نَحْوُ: جَاءَ التَّلَامِيذَةُ إِلَّا أَخَاكَ.
- ٢- الْمُنْقَطِعُ: وَ هُوَ مَا كَانَ فِيهِ الْمُسْتَثْنَى مِنْ غَيْرِ جِنْسِ المُسْتَثْنَى مِنْهُ وَ لَا يَكُونُ المُسْتَثْنَى فِيهِ إِلَّا مَنْصُوبًا؛ نَحْوُ: حَضَرَ الطُّلُبُ قَاعَةَ الإِمْتِحَانِ إِلَّا كُتُبَهُمْ. وَ وَصَلَ المُسَافِرُونَ إِلَى المَطَارِ إِلَّا حَقَائِبَهُمْ.
- ٣- الْمُفْرَعُ: وَ هُوَ مَا يُحَدِّثُ فِيهِ المُسْتَثْنَى مِنْهُ وَ يُفِيدُ الحَصْرَ وَ الإِخْتِصَاصَ؛ نَحْوُ:
ما جَاءَ إِلَّا أَخُوكَ.

✓ يَجِبُ نَصْبُ المُسْتَثْنَى بِـ «إِلَّا» مَتَى كَانَتِ الجُمْلَةُ قَبْلَهَا تَامَّةً المَعْنَى وَ مُثَبَّتَةً (أَيَّ غَيْرِ مَنْفِيَّةٍ)؛ نَحْوُ:

يَعِيشُ النَّاسُ بِرَاحَةٍ إِلَّا الكَسْلَانَ.
↓ ↓
جُمْلَةٌ تَامَةٌ مُثَبَّتَةٌ مُسْتَثْنَى بِإِلَّا مَنْصُوبٌ وَجُوبًا

✓ وَ أَمَّا إِذَا كَانَتِ الجُمْلَةُ التَّامَّةُ فِي الإِسْتِثْنَاءِ المُتَّصِلِ مَنْفِيَّةً، فَيَجُوزُ فِيهَا الوُجُوهَانِ:

إِمَّا النَّصْبُ وَ إِمَّا إِتْبَاعُ^١ المُسْتَثْنَى مِنْهُ فِي الإِعْرَابِ؛ نَحْوُ:

ما نَجَحَ الطُّلُبُ إِلَّا إِسْمَاعِيلُ.
النَّصْبُ جُمْلَةٌ تَامَةٌ مَنْفِيَّةٌ مُسْتَثْنَى بِإِلَّا

ما نَجَحَ الطُّلُبُ إِلَّا إِسْمَاعِيلُ.

الإِتْبَاعُ جُمْلَةٌ تَامَةٌ مَنْفِيَّةٌ تَابِعَ الطُّلُبِ فِي الإِعْرَابِ.

١- الإِتْبَاعُ هُوَ أَنْ يُحْرَكَ المُسْتَثْنَى بِمِثْلِ حَرَكَةِ المُسْتَثْنَى مِنْهُ.

الْمُسْتَنْتَى الْمَفْرَعُ (الْحَصْرُ)

مَا هُوَ حُكْمُ الْمُسْتَنْتَى فِي الْإِسْتِثْنَاءِ الْمَفْرَعِ؟

يُعْرَبُ الْمُسْتَنْتَى حَسَبَ الْعَوَامِلِ الَّتِي قَبْلَهُ وَ يَشْتَرَطُ فِيهِ أَنْ تَكُونَ الْجُمْلَةُ بَعْدَ نَفْيٍ أَوْ شَبِيهِهِ^١.

ما جاءَ إلَّا (أداةُ حَصْرٍ) هاشِمٌ. (فاعلٌ) فقط هاشم آمد. (كسی جز هاشم نیامد).

ما رَأَيْتُ إلَّا (أداةُ حَصْرٍ) هاشِمًا. (مفعولٌ بِهِ) فقط هاشم را دیدم. (كسی جز هاشم را ندیدم).

لَا أُسَلِّمُ إلَّا (أداةُ حَصْرٍ) عَلَيَّ هاشِمِ. (مَجْرُورٌ بِحَرْفِ جَرٍّ) فقط به هاشم سلام می‌کنم. (به کسی جز هاشم سلام نمی‌کنم).

هَلْ مُجِدُّ (حَبْرٌ) إلَّا هاشِمٌ؟ (مبتدأٌ) آیا کسی جز هاشم تلاشگر است؟

لَا تَرَاوِجِعْ دُرُوسَكَ إلَّا مُجِدًّا. (حال) درس‌هایت را جز با جدیت دوره نکن.

✓ يُعْرَبُ الْمُسْتَنْتَى بِـ «عَبْرٍ» مَجْرُورًا بِالْإِضَافَةِ. وَ تُعْرَبُ كَلِمَةُ «عَبْرٍ» مِثْلَ الْإِسْمِ الْوَاقِعِ بَعْدَ «إِلَّا»؛ نَحْوُ:

نَجَّحَ التَّلَامِيذُ إلَّا الْكَسْلَانَ. ← نَجَّحَ التَّلَامِيذُ إلَّا الْكَسْلَانَ.
 فاعِلٌ (مُسْتَنْتَى، مَنْصُوبٌ) مضافٌ إليه
 أُعْرِبَتْ إِعْرَابَ الْمُسْتَنْتَى بِإِلَّا.

مَا رَسَبَ التَّلَامِيذُ إلَّا الْكَسْلَانَ. ← مَا رَسَبَ التَّلَامِيذُ إلَّا الْكَسْلَانَ.
 فاعِلٌ مُسْتَنْتَى مَنْصُوبٌ مضافٌ إليه
 أُعْرِبَتْ إِعْرَابَ الْمُسْتَنْتَى بِإِلَّا.

مَا رَسَبَ التَّلَامِيذُ إلَّا الْكَسْلَانَ. ← مَا رَسَبَ التَّلَامِيذُ إلَّا الْكَسْلَانَ.
 فاعِلٌ مُسْتَنْتَى مَنْصُوبٌ مضافٌ إليه
 أُعْرِبَتْ إِعْرَابَ الْمُسْتَنْتَى بِإِلَّا.

✓ كَلِمَةُ «سَوِيٌّ» مِثْلَ كَلِمَةِ «عَبْرٍ»، لَا تَفْتَرِقُ عَنْهَا شَيْئًا؛ إلَّا أَنَّهَا تُعْرَبُ تَقْدِيرًا؛ لِأَنَّهَا مَقْصُورَةٌ.

١- شِبْهُ النَّفْيِ يَشْمَلُ النَّهْيَ وَ الْإِسْتِفْهَامَ.

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ:

■ تَرْجِمْ مَا يَلِي، ثُمَّ عَيِّنِ الْمُسْتَتْنِي وَإِعْرَابَهُ، وَالْمُسْتَتْنِي مِنْهُ.

۱- ﴿...كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ...﴾ الْقَصَصُ: ۸۸

۲- ﴿فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾ ص: ۷۳ و ۷۴

۳- كُلُّ عَيْنٍ بَاكِيَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَ أَعْيُنٍ: عَيْنُ سَهْرَتٍ^۱ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَيْنُ غُضَّتٍ^۲ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَعَيْنُ فَاصَّتٍ^۳ مِنْ حَشْيَةِ اللَّهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۴- كُلُّ وَعَاءٍ^۴ يَضِيقُ^۵ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءَ الْعِلْمِ؛ فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ^۶ بِهِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ



۵- كُلُّ شَيْءٍ يَرُخِّصُ^۷ إِذَا كَثُرَ إِلَّا الْأَدَبَ؛ فَإِنَّهُ إِذَا كَثُرَ غَلَا^۸. مَثَلٌ عَرَبِيٌّ

۶- مَا نَجَحَ غَيْرُ الْمُجْتَهِدِ.

۱- سَهْرَتٌ: بیدار ماند ۲- غَضَّ عَيْنَهُ: چشم بر هم نهاد ۳- فَاصَّتْ: لبریز شد ۴- الْوَعَاءُ: ظرف
۵- يَضِيقُ: تنگ شد ۶- يَتَّسِعُ: فراخ شد ۷- رَخَّصَ: ارزان شد ۸- غَلَا: گران شد

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ:

■ تَرْجِمِ آيَاتِ الْكَرِيمَةِ، ثُمَّ مَيِّزِ الْإِسْتِثْنَاءَ الْمُفْرَعَّ وَ أَعْرِبِ مَا بَعْدَ «إِلَّا».

١- ﴿... لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ ...﴾ الْبَقَرَةَ: ٨٣

٢- ﴿... وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ ...﴾ الْبَقَرَةَ: ٩٩

٣- ﴿... وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ ...﴾ الْأَنْعَامِ: ٣٢

٤- ﴿... لَا يَبْيَأُسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ يُونُسَ: ٨٧

٥- ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ...﴾ الْعَصْرِ: ٢ و ٣

٦- ﴿وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ اخْرُجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ

مِنْهُمْ ...﴾ النَّسَاءِ: ٦٦

٧- ﴿... قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهْرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ

مِنِّي ... فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ ...﴾ الْبَقَرَةَ: ٢٤٩

التمرين الخامس:

■ ضع في الفراغ كلمة صحيحة؛ ثم ميّز الاستثناء المفرّغ.

- ١- ذَهَبَ الزَّمْلَاءُ إِلَى السَّفَرَةِ غَيْرَ
 سَعِيدٌ سَعِيداً سَعِيدٍ
- ٢- خَرَجَ التَّلَامِذَةُ مِنَ الصَّالَةِ إِلَّا
 مَحْمُودٌ مَحْمُوداً مَحْمُودٍ
- ٣- يُمَارِسُ الطُّلَابُ الرِّيَاضَةَ الْمَرِيضِ.
 غَيْرُ غَيْرَ غَيْرِ
- ٤- مَا فَازَ فِي الْمُبَارَاةِ إِلَّا
 حَامِدٌ حَامِداً حَامِداً
- ٥- لَا أَمْرٌ إِلَّا بِ
 سَلِيمٌ سَلِيماً سَلِيمٍ
- ٦- لَمْ يَنْجَحْ إِلَّا
 الْمُجْتَهِدُ الْمُجْتَهِدَ الْمُجْتَهِدِ



الإضافة الحادية والثلاثون

ما هي الإضافة؟

الإضافة هي نسبة اسم إلى اسم آخر؛ نحو: «حقيبة الطالب». نسبنا «الحقيبة» إلى «الطالب». ويسمى الأول مضافاً والثاني مضافاً إليه.

* كم نوعاً الإضافة؟ الأضافة نوعان: معنوية ولفظية.

ما هي الإضافة المعنوية؟

الإضافة المعنوية هي نسبة اسم إلى اسم آخر على تقدير معنى أحد حروف الجرّ «لِ، مِنْ، فِي» بينهما لتعريف المضاف إذا كان المضاف إليه معرفة أو لتخصيصه إذا كان المضاف إليه نكرة؛ نحو: (بيت مسعود. أي بيت لمسعود.) (خاتم ذهب. أي خاتم من ذهب.) (صلاة الظهر. أي صلاة في الظهر.)¹

ما هو سبب تسمية الإضافة معنوية؟

سميت معنوية لأنها تتضمن معنى حرف من أحرف الجرّ الثلاثة: «لِ، مِنْ، فِي».*

ما هو حكم المضاف في الإضافة؟

حكم المضاف أن يجرد من «أل» و«التنوين» و«نوني التثنية والجمع»؛ نحو:

صحيح ✓	خطأ ✗	صحيح ✓	خطأ ✗	صحيح ✓	خطأ ✗	صحيح ✓
مُعَلِّمُ الْمَدْرَسَةِ	المُعَلِّمُ الْمَدْرَسَةِ	مُعَلِّمُونَ الْمَدْرَسَةِ	المُعَلِّمُونَ الْمَدْرَسَةِ	مُعَلِّمُ الْمَدْرَسَةِ	المُعَلِّمُ الْمَدْرَسَةِ	مُعَلِّمَانِ الْمَدْرَسَةِ

المضاف إليه مجرور في جميع الأحوال كما رأيت.

* ما هي الإضافة اللفظية؟

الإضافة اللفظية هي إضافة الصفة إلى موصوفها؛ نحو:

«مكسور الرجل» و«حسن المعاملة».*

1- تكون الإضافة المعنوية بمعنى «من» متى كان المضاف إليه جنساً للمضاف؛ نحو: سوار فضة. أي: سوار من فضة. وتكون بمعنى «في» متى كان المضاف إليه ظرفاً للمضاف؛ نحو: استراحة المساء. أي: استراحة في المساء. وتكون بمعنى «لِ» متى كان المضاف إليه مالِكاً للمضاف؛ نحو: جائزة صديقك. أي: جائزة لصديقك.

★ ما هو حُكْمُ الْمُضَافِ فِي الإِضَافَةِ اللَّفْظِيَّةِ؟

إِنَّ الْمُضَافَ فِي الإِضَافَةِ اللَّفْظِيَّةِ نَكْرَةٌ عَلَى الرَّعْمِ مِنْ أَنَّ الْمُضَافَ إِلَيْهِ فِيهَا مَعْرِفَةٌ؛ لِذَلِكَ يَجُوزُ أَنْ يَفْتَرِنَ بِـ «أَل» بِشَرَطِ أَنْ يَكُونَ الْمُضَافُ إِلَيْهِ مُفْتَرِنًا بِـ «أَل» أَيْضًا؛ نَحْوُ:

«مَكْسُورُ الرَّجُلِ» أَوْ «الْمَكْسُورُ الرَّجُلِ» وَ «حَسَنُ الْمُعَامَلَةِ» أَوْ «الْحَسَنُ الْمُعَامَلَةِ». ★

الأَسْمَاءُ الْمُلازِمَةُ لِلإِضَافَةِ ١

أَهْمُ الأَسْمَاءِ الَّتِي لَا تَنفَكُ عَنِ الإِضَافَةِ هِيَ:

كُلُّ وَ بَعْضُ وَ جَمِيعُ وَ مِثْلُ وَ شِبْهُ وَ غَيْرُ وَ سِوَى وَ سُبحَانَ وَ مَعَادُ وَ مَعَ وَ ذُو وَ ذَاتُ وَ ذَوَاتُ وَ أَوَّلُو وَ بَيْنُ وَ لَدَى وَ لَدُنْ وَ عِنْدَ وَ أَيْ وَ خَلْفُ وَ أَمَامُ وَ فَوْقُ وَ تَحْتَ وَ يَمِينُ وَ شِمَالُ وَ كِلَا وَ كِلْتَا ...

فَكُلُّ اسْمٍ يَقَعُ بَعْدَ هَذِهِ الكَلِمَاتِ يَكُونُ مَجْرُورًا بِالإِضَافَةِ؛ نَحْوُ: كُلُّ طَالِبٍ وَ بَعْضُ الطُّلَابِ وَ جَمِيعُ الطُّلَبَةِ.

★ قَدْ يُحذفُ الْمُضَافُ إِلَيْهِ لِهَذِهِ الأَسْمَاءِ؛ فَتَنَوَّنُ؛ نَحْوُ:

نَجَحُوا جَمِيعًا. أَي نَجَحُوا جَمِيعَهُمْ. وَ رَجَعُوا مَعًا. أَي رَجَعُوا مَعَ بَعْضِهِمْ.

إِنَّ الجِهَاتِ السَّتَّ وَ هِيَ «خَلْفُ وَ أَمَامُ وَ فَوْقُ وَ تَحْتَ وَ يَمِينُ وَ شِمَالُ» وَ مَا جَرَى مَجْرَاهَا كـ «دُونَ وَ قَبْلُ وَ بَعْدُ» إِذَا حُذِفَ مَا تُضَافُ إِلَيْهِ، جاز:

أَنْ تُسْتَعْمَلَ مَنُونَةٌ كَبَقَايِ النَّكِرَاتِ المُعْرَبَةِ؛ نَحْوُ: «قَدْ وَصَلَ صَدِيقِي إِلَيَّ قَبْلًا».

وَ أَنَّ تُبْنَى عَلَى الضَّمِّ؛ نَحْوُ: ﴿... لِلَّهِ الأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ ...﴾ الرُّوم: ٤ أَوْ «جاءَ قَبْلُ».

إِنَّ بَعْضَ الطُّرُوفِ يُلزَمُ إِضَافَتُهَا إِلَى الجُمْلَةِ الخَبَرِيَّةِ مِثْلُ: «حَيْثُ وَ إِذُ وَ لَمَّا وَ إِذَا»؛ نَحْوُ:

«نَزَلَتْ مِنَ الفَرَسِ حَيْثُ الِيتَابِيعُ جَارِيَةً». إِز اسب فرود آمدم؛ جایی که چشمه‌ها روان‌اند.

وَ تُعْرَبُ الجُمْلَةُ حِينَئِذٍ مُضَافًا إِلَيْهِ مَجْرُورًا مَحَلًّا. ★

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ:

■ عَيِّنِ الْإِضَافَةَ فِي الْجُمَلِ التَّالِيَةِ.

- ١- قَدْ تَلَجَّأَ بَعْضُ الطُّيُورِ إِلَى حَيْلٍ لِيَطْرُدَ مُفْتَرِسِيهَا عَنْ أَعْشَاشِهَا.
- ٢- مَنَحَ نَوِيلٌ ثَرَوَتَهُ لِشِرَاءِ الْجَوَائِزِ الدَّهَبِيَّةِ.
- ٣- مُؤَلِّفٌ هَذَا الْمُعْجَمِ أَسْتَاذُ الْمُؤَلِّفِينَ.
- ٤- تَعَرَّفْتُ عَلَى شَخْصٍ مَحْمُودِ الْخِصَالِ.
- ٥- مُصَلِّحُ السَّيَّارَاتِ مَشْغُولٌ بِالْعَمَلِ.
- ٦- هَذَا الرَّجُلُ صَاحِبُ الْمَنْجَرِ.

التَّمْرِينُ الثَّانِي:

■ صَعِّ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ.

- ١- أ تَعَلَّمْ أَنْ مَدْرَسَتِنَا فِي السَّاحَةِ؟!
 مُعَلِّمِي مُعَلِّمِينَ
- ٢- جَمِيعُ فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ.
 الطُّلَّابِ الطُّلَّابُ
- ٣- سُبْحَانَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ.
 اللّهُ اللّهِ
- ٤- الطُّلَّابُ يُحِبُّونَ التَّارِيخِ.
 الْكِتَابِ كِتَابِ
- ٥- إِنَّ الْمَصْنَعِ قَوِيَّانِ.
 حَارِسِي حَارِسِينَ
- ٦- أَنْتُمَا الْعَزِيزَانِ.
 صَاحِبَانِي صَاحِبَايَ
- ٧- آفَهُ التُّسْيَانِ.
 الْعِلْمِ الْعِلْمُ



۹

الدَّرْسُ التَّاسِعُ



«الْعِلْمُ صَيْدٌ وَالْكِتَابَةُ قَيْدٌ.»

فَ «قَيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابَةِ.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

دانش شکار است و نوشتن بند؛ پس دانش را با نوشتن به بند آورید.

الْكَتُبُ طَعَامُ الْفِكْرِ

عَنْ كِتَابِ «أَنَا» لِعَبَّاسِ مَحْمُودِ الْعَقَّادِ، بِتَصَرُّفٍ

إِنَّ الْكَتُبَ طَعَامُ الْفِكْرِ، وَ لِكُلِّ فِكْرٍ طَعَامٌ، كَمَا تَوْجَدُ أَطْعَمَةً لِكُلِّ جِسْمٍ. وَ مِنْ مَزَايَا الْجِسْمِ الْقَوِيِّ أَنَّهُ يَجْذِبُ غِذَاءً مُنَاسِبًا لِنَفْسِهِ، وَ كَذَلِكَ الْإِنْسَانُ الْعَاقِلُ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَجِدَ غِذَاءً فِكْرِيًّا فِي كُلِّ مَوْضِعٍ، وَ إِنَّ التَّحْدِيدَ فِي اخْتِيَارِ الْكَتُبِ كَالتَّحْدِيدِ فِي اخْتِيَارِ الطَّعَامِ، كِلَاهُمَا لَا يَكُونُ إِلَّا لِطِفْلِ أَوْ مَرِيضٍ. إِذَا كَانَ لَكَ فِكْرٌ قَادِرٌ تَسْتَطِيعُ بِهِ أَنْ تَفْهَمَ مَا تَقْرَأُ؛ فَافْرَأْ مَا تُحِبُّ مِنَ الْكَتُبِ؛ فَالْتَّجَارِبُ لَا تُغْنِينَا عَنِ الْكَتُبِ؛ لِأَنَّ الْكَتُبَ تَجَارِبُ الْأُمَمِ عَلَى مَرِّ آلَافِ السِّنِينَ، وَ لَا يُمَكِّنُ أَنْ تَبْلُغَ تَجْرِبَةُ الْفَرْدِ الْوَاحِدِ أَكْثَرَ مِنْ عَشْرَاتِ السِّنِينَ.



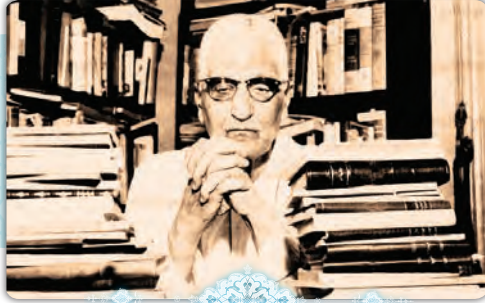
و لَا أَظُنُّ أَنَّ هُنَاكَ كُتُبًا مَكْرَرَةً؛ لِأَنِّي أَعْتَقِدُ أَنَّ الْفِكْرَةَ الْوَّاحِدَةَ إِذَا طَرَحَهَا أَلْفُ كَاتِبٍ، أَصْبَحَتْ أَلْفُ فِكْرَةٍ. وَ لِهَذَا أُرِيدُ أَنْ أَقْرَأَ فِي الْمَوْضُوعِ الْوَّاحِدِ آرَاءَ عِدَّةِ كُتَّابٍ؛ لِأَنَّ هَذَا الْعَمَلَ أَمْتَعٌ وَ أَنْفَعٌ مِنْ قِرَاءَةِ الْمَوْضُوعَاتِ الْمُتَعَدِّدَةِ، فَمَثَلًا أَقْرَأُ فِي حَيَاةِ «نَابِلْيُون» آرَاءَ ثَلَاثِينَ كَاتِبًا، وَ أَنَا وَائِقٌ أَنَّ كُلَّ كَاتِبٍ قَدْ وَصَفَ نَابِلْيُونِ بِأَوْصَافٍ لَا تُشْبِهُ أَوْصَافَ الْكُتَّابِ الْآخَرِينَ.

فَرُبَّ كِتَابٍ يَجْتَهِدُ الْقَارِئُ فِي قِرَاءَتِهِ، ثُمَّ لَا يَخْرُجُ مِنْهُ بِفَائِدَةٍ، وَ رَبَّ كِتَابٍ يَتَصَفَّحُهُ قَارِئُهُ؛ فَيُؤَثِّرُ فِي نَفْسِهِ تَأْثِيرًا عَمِيقًا يَطَّهِّرُ فِي آرَائِهِ. أَمَّا الْكِتَابُ الْمُفِيدُ فَهُوَ الَّذِي يَزِيدُ مَعْرِفَتَكَ فِي الْحَيَاةِ وَ قُوَّتَكَ عَلَى الْفَهْمِ وَ الْعَمَلِ، فَإِذَا وَجَدْتَ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ، كَانَ جَدِيرًا بِالْعِنَايَةِ وَ التَّقْدِيرِ.

الْعَقَّادُ أَدِيبٌ وَ صَحْفِيُّ وَ مُفَكِّرٌ وَ شَاعِرٌ مِصْرِيٌّ؛ أُمُّهُ مِنْ أَصْلِ كُرْدِيٍّ. فَكَانَ الْعَقَّادُ لَا يَرَى الْجَمَالَ إِلَّا الْحُرِّيَّةَ؛ وَ لِهَذَا لَا نُشَاهِدُ فِي حَيَاتِهِ إِلَّا النَّشَاطَ عَلَى رَعْمِ ظُرُوفِهِ الْقَاسِيَةِ.



يُقَالُ إِنَّهُ قَرَأَ أَلْفَ الْكُتُبِ. وَ هُوَ مِنْ أَهَمِّ الْكُتَّابِ فِي مِصْرَ. فَقَدْ أَضَافَ إِلَى الْمَكْتَبَةِ الْعَرَبِيَّةِ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ كِتَابٍ فِي الْمَجَالَاتِ الْمُخْتَلِفَةِ.



ما دَرَسَ الْعُقَادُ إِلَّا فِي الْمَرْحَلَةِ الْإِبْتِدَائِيَّةِ، لِعَدَمِ وُجُودِ مَدْرَسَةِ نَانَوِيَّةٍ فِي مُحَافَظَةِ
أَسْوَانَ الَّتِي وُلِدَ وَ نَشَأَ فِيهَا. وَ مَا اسْتَطَاعَتْ أُسْرَتُهُ أَنْ تُرْسَلَهُ إِلَى الْقَاهِرَةِ لِتَكْمِيلِ
دِرَاسَتِهِ. فَمَا اعْتَمَدَ الْعُقَادُ إِلَّا عَلَى نَفْسِهِ. فَقَدْ تَعَلَّمَ الْإِنْجِلِيزِيَّةَ مِنَ السُّيَاحِ الَّذِينَ
كَانُوا يَأْتُونَ إِلَى مِصْرَ لِمِيزَارَةِ الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.



أَضَافَ : افزود (مضارع: يُضِيفُ/

مصدر: إضافة)

أَعْنَى : بی نیاز گردانید

(مضارع: يُعْنِي/ مصدر: إعناء)

أَغْنَاهُ عَنْهُ : او را از آن بی نیاز کرد.

الْأَمْتَع : لذت بخش تر

الْتَحَدِيد : محدود کردن (ماضی:

حَدَّدَ/ مضارع: يُحَدِّدُ)

تَصَفَّحَ : ورق زد ، سریع مطالعه کرد

الْتَانَوِيَّة : دبیرستان

الْجَدِير : شایسته

الصَّحْفِي : روزنامه نگار

الْظُّرُوف : شرایط «مفرد: الظُّرْف»

الْقَاسِي : سخت و دشوار

الْكُتَّاب : نویسندگان «مفرد:

الْكَاتِب»

الْمَجَالَات : زمینه ها «مفرد:

الْمَجَال»

الْمَقَرَّر : اندیشمند

نَشَأَ : پرورش یافت

الْوَاتِق : مطمئن

هَنَّاكَ : وجود دارد ، آنجا

يُقَالُ : گفته می شود «مجهولِ يَقُولُ»



حَوْلَ النَّصِّ

✓ ✕

عَيَّنِ الصَّحِيحَ وَ الْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

١- دَرَسَ الْعُقَّادُ فِي جَامِعَةِ أَنْقَرَةَ وَ حَصَلَ عَلَى دُكْتورَاهِ فَخَرِيَّةٍ مِنْهَا.

٢- رُبَّ كِتَابٍ تَجْتَهِدُ فِي قِرَاءَتِهِ، ثُمَّ لَا تَحْصُلُ عَلَى فَائِدَةٍ مِنْهُ.

٣- أَلَكْتُبُ تَجَارِبُ آلاِفِ الْعُلَمَاءِ عَلَى مَرِّ السَّنِينَ.

٤- تَحْدِيدُ قِرَاءَةِ الْكُتُبِ نَافِعٌ فِي رَأْيِ الْكَاتِبِ.

٥- يَعْتَقِدُ الْعُقَّادُ أَنَّ الْجَمَالَ جَمَالُ الْحُرِّيَّةِ.

٦- لَا طَعَامَ لِفِكْرِ الْإِنْسَانِ.

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

١- لِمَاذَا لَمْ يُوَاصِلِ الْعُقَّادُ دِرَاسَتَهُ فِي الْمَدْرَسَةِ الثَّانَوِيَّةِ؟

٢- بِأَيِّ شَيْءٍ سَبَّهَ الْعُقَّادُ التَّحْدِيدَ فِي اخْتِيَارِ الْكُتُبِ؟

٣- كَمْ كِتَابًا أَضَافَ الْعُقَّادُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟

٤- مِمَّنْ تَعَلَّمَ الْعُقَّادُ اللُّغَةَ الْإِنجِلِيزِيَّةَ؟

٥- مَا هُوَ مِقْيَاسُ الْكُتُبِ الْمُفِيدَةِ؟

٦- مَا هِيَ مَزَايَا الْجِسْمِ الْقَوِيِّ؟

التَّوَابِعُ الْجَلْسَةُ الثَّلَاثَةُ وَ الثَّلَاثُونَ

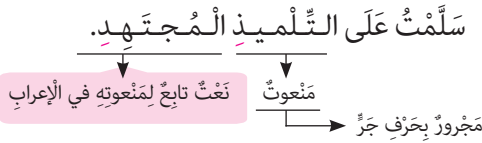
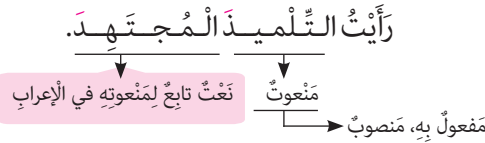
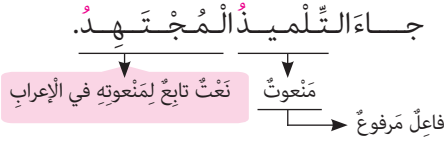
ما التَّوَابِعُ؟

التَّوَابِعُ أَلْفَاظٌ تَتَّبَعُ إِعْرَابَ مَا قَبْلَهَا وَ تَنْقَسِمُ إِلَى أَرْبَعَةِ أَقْسَامٍ؛ وَهِيَ: النَّعْتُ (الصِّفَةُ) وَ الْبَدَلُ وَ التَّوَكِيدُ وَ الْعَطْفُ.

■ النَّعْتُ:

ما هُوَ النَّعْتُ؟

النَّعْتُ تَابِعٌ يَبِينُ صِفَةَ اسْمٍ قَبْلَهُ، وَ الْإِسْمُ الَّذِي قَبْلَهُ يُسَمَّى مَنَعُوتًا؛ نَحْوُ:



١- النَّعْتُ الْحَقِيقِيُّ يَتَّبَعُ مَنَعُوتَهُ: (وَ قَدْ قَرَأْنَاهُ سَابِقًا)

■ فِي التَّعْرِيفِ وَ التَّنْكِيرِ؛ نَحْوُ: الشَّجَرَةُ الْمُتَمِرَّةُ. شَجَرَةٌ مُتَمِرَةٌ.

■ فِي التَّذْكِيرِ وَ التَّأْنِيثِ؛ نَحْوُ: طَالِبٌ ذَكِيٌّ. طَالِبَةٌ ذَكِيَّةٌ.

■ فِي الْإِفْرَادِ وَ التَّثْنِيَةِ وَ الْجَمْعِ؛ نَحْوُ: مُدْرَسٌ عَالِمٌ. مُدْرَسَانِ عَالِمَانِ. مُدْرَسُونَ عَالِمُونَ. مُدْرَسَاتٌ عَالِمَاتٌ.

■ فِي الْإِعْرَابِ؛ نَحْوُ: مُهَنْدِسٌ مَاهِرٌ. مُهَنْدِسًا مَاهِرًا. مُهَنْدِسٍ مَاهِرٍ. مُهَنْدِسِينَ مَاهِرِينَ. مُهَنْدِسَاتٍ مَاهِرَاتٍ.

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ:

■ مَيِّزِ النَّعْتِ مِنَ الْخَبَرِ وَالْحَالِ.

- ١- هَذِهِ زُجَاجَةٌ مَكْسُورَةٌ.
- ٢- أُولَئِكَ رِجَالٌ صَادِقُونَ حَقًّا.
- ٣- جَاءَ هَؤُلَاءِ الْمُزَارِعُونَ نَشِيطِينَ.
- ٤- تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ الْقَادِرِ الْمُتَعَالِي.
- ٥- أَلَزُّوَارُ وَاقِفُونَ جَنْبَ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ.
- ٦- أَلْمُزَارِعُونَ يُطْعَمُونَ مَوَاشِيَهُمْ^١ جَائِعَةً^٢.

■ الْعَطْفُ:

كَمْ نَوْعًا الْعَطْفُ؟ الْعَطْفُ نَوْعَانِ: عَطْفُ التَّبْيَانِ وَ عَطْفُ النَّسِقِ.

ما هُوَ عَطْفُ النَّسِقِ؟

عَطْفُ النَّسِقِ هُوَ إِتْبَاعُ لَفْظٍ لِلْفِطْرِ آخَرَ فِي الْإِعْرَابِ بِوَسِطَةِ حَرْفٍ مِنْ حُرُوفِ الْعَطْفِ.
فَيُسَمَّى الثَّانِي مَعْطُوفًا وَالْأَوَّلُ مَعْطُوفًا عَلَيْهِ؛ نَحْوُ:

اَشْتَرَيْتُ مِنَ السُّوقِ سِرْوَالًا وَ قَمِيصًا.
↓ ↓
مَعْطُوفٌ عَلَيْهِ مَعْطُوفٌ

ما هِيَ حُرُوفُ الْعَطْفِ؟

حُرُوفُ الْعَطْفِ هِيَ: (وَ، فَ، ثُمَّ، أَوْ، أَمْ، لَآ، بَلْ، حَتَّى، لَكِنَّ)؛ نَحْوُ:

شَاهَدْتُ كَاطِمًا وَ بَاقِرًا. قَامَ الرَّجُلُ وَ تَكَلَّمَ مَعَ النَّاسِ.

يَقُومُ الرَّجُلُ وَ يَتَكَلَّمُ مَعَ النَّاسِ. فُمْ يَا رَجُلُ وَ تَكَلَّمَ مَعَ النَّاسِ.

١- الْمَوَاشِي: جَارِيَانِ ٢- أَلْجَائِعُ: غَرَسَنهُ

■ مَيْزُ وَاوِ الْعَطْفِ وَ الْوَاوِ الْحَالِيَّةِ وَ وَاوِ الْقَسَمِ.

- ١- ﴿وَ الْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾ الْعَصْر: ٢٠١
- ٢- مِنْ آيَاتِ اللَّهِ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ.
- ٣- رَأَيْتُ الطُّفَلَ وَ هُوَ يَلْعَبُ.

٣٤ ما هُوَ عَطْفُ الْبَيَانِ؟ الْجَلْسَةُ الرَّابِعَةُ وَ الثَّلَاثُونَ

عَطْفُ الْبَيَانِ هُوَ تَابِعٌ جَامِدٌ أَشْهَرُ مِنْ مَتْبوعِهِ، يُشْبِهُ النَّعْتَ الْحَقِيقِيَّ فِي أَحْكَامِهِ؛ نَحْوُ: «جَاءَ صَاحِبُكَ فُؤَادٌ».

كَلِمَةُ «فُؤَادٌ» أَوْضَحَتْ مَتْبوعَهَا، وَ بَيَّنَّتْ مَنْ هُوَ «صَاحِبُكَ».

أَهْمُ مَوَاضِعِ عَطْفِ الْبَيَانِ هِيَ:

١- اِسْمٌ جَامِدٌ مَعْرَفٌ بِأَلِ بَعْدَ اِسْمِ الْإِشَارَةِ؛ نَحْوُ:

﴿... أَوْحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنَ ...﴾ الْأَنْعَام: ١٩

٢- «ابْنٌ» وَ «بِنْتُ» بَيْنَ عِلْمَيْنِ؛ نَحْوُ:

حُسَيْنٌ بَنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ ﴿... وَ آتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ﴾ الْبَقَرَةَ: ٨٧

٣- اِسْمٌ جَامِدٌ مَعْرَفٌ بِأَلِ بَعْدَ «أَيُّهَا» وَ «أَيْتُّهَا»؛ نَحْوُ:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ ...﴾ لُقْمَانَ: ٣٣

✓ اِلِاِسْمُ الْمَعْرَفُ بِـ «أَلِ» بَعْدَ «أَيُّهَا» وَ «أَيْتُّهَا» يُعَدُّ عَطْفَ بَيَانٍ إِذَا كَانَ جَامِداً، وَ نَعْتاً إِذَا كَانَ مُشْتَقًّا؛ نَحْوُ:

يَا أَيُّهَا الرَّجُلُ، إِحْدَرِ السَّيَّارَةَ. الرَّجُلُ عَطْفُ الْبَيَانِ؛ لِأَنَّهُ اِسْمٌ جَامِدٌ.

يَا أَيُّهَا الْكَرِيمُ، سَاعِدْنَا. الْكَرِيمُ نَعْتٌ؛ لِأَنَّهُ اِسْمٌ مُشْتَقٌّ.

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ:

■ عَيْنَ عَطْفِ الْبَيَانِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ.

- ١- ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ...﴾ الإسراء: ٩
- ٢- ﴿... إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ...﴾ النساء: ١٧١
- ٣- ﴿... فَمَا لَهُوْلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا﴾ النساء: ٧٨
- ٤- ﴿يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً﴾ الفجر: ٢٧ و ٢٨

■ التَّوَكُّيدُ: مَا هُوَ التَّوَكُّيدُ؟

التَّوَكُّيدُ تَابِعٌ يَأْتِي لِرَفْعِ تَوْهُمِ الْكَلَامِ؛ نَحْوُ: جَاءَ جَعْفَرٌ نَفْسُهُ. جَاءَ الطُّلَابُ كُلُّهُمْ.
كَمْ نَوْعًا التَّوَكُّيدُ؟ التَّوَكُّيدُ نَوْعَانِ: لَفْظِيٌّ وَمَعْنَوِيٌّ.
✓ إِذَا أَرَدْنَا التَّوَكُّيدَ اللَّفْظِيَّ، عَلَيْنَا بِتَكَرُّارِ اللَّفْظِ، وَيَكُونُ ذَلِكَ:

- ١- بَيْنَ الْأَسْمَاءِ؛ نَحْوُ: أَحْضَرْتُ الْمَاءَ الْمَاءَ.
- ٢- بَيْنَ الْأَفْعَالِ؛ نَحْوُ: أَحْضَرْتُ أَحْضَرْتُ الْمَاءَ.
- ٣- بَيْنَ الْحُرُوفِ؛ نَحْوُ: نَعَمْ نَعَمْ.
- ٤- بَيْنَ الْجُمَلِ؛ نَحْوُ: طَلَعَ النَّهَارُ، طَلَعَ النَّهَارُ.
- ٥- الضَّمِيرُ الْمُنْفَصِلُ بَعْدَ الضَّمِيرِ الْمُتَّصِلِ؛ نَحْوُ: دَهَبْنَا نَحْنُ.

✓ إذا أَرَدْنَا التَّوَكُّيدَ الْمَعْنَوِيَّ اسْتَعْمَلْنَا أَحَدَ الْأَلْفَاظِ التَّالِيَةِ، مُضَافَةً إِلَى صَمِيرِ الْمُؤَكَّدِ؛
نَحْوُ: نَفْسٌ، عَيْنٌ، كِلَا، كِلْتَا، كُلٌّ، جَمِيعٌ



جَاءَ الْمَلِكُ عَيْنُهُ. رَأَيْتُ الْفِرْقَةَ كُلَّهَا.
مُؤَكَّدٌ مُؤَكَّدٌ مُؤَكَّدٌ مُؤَكَّدٌ



الْعُمَّالُ أَنْفُسُهُمْ يَقُومُونَ بِتَشْغِيلِ الْمَصْنَعِ.
مُؤَكَّدٌ مُؤَكَّدٌ
الْعَامِلَانِ أَنْفُسَهُمَا يَقُومَانِ بِتَشْغِيلِ الْمَصْنَعِ.
مُؤَكَّدٌ مُؤَكَّدٌ

✓ تُجْمَعُ كَلِمَتَا «نَفْسٌ» وَ «عَيْنٌ» بِصُورَةِ «أَنْفُسٌ» وَ «أَعْيُنٌ» لِتَأْكِيدِ الْمُثْنَى وَ الْجَمْعِ؛
كَمَا رَأَيْتَ.

★ ✓ تَخْتَصُّ «كِلَا» وَ «كِلْتَا» بِتَوْكِيدِ الْمُثْنَى؛ نَحْوُ:

وَالِدَاكَ كِلَاهُمَا مُشْتَقَانِ إِلَيْكَ.

أَكْرَمَ وَالِدَيْكَ كِلَيْهِمَا.

يَدَاكَ كِلْتَاهُمَا قَوِيَّتَانِ.

اغْسِلْ يَدَيْكَ كِلْتَيْهِمَا.★

★ ١- أَجْمَعُ وَ أَجْمَعُونَ وَ أَجْمَعِينَ تَأْتِي بَعْدَ التَّأْكِيدِ بِ «كُلٌّ» وَ لَا يَتَّصِلُ بِهَا الصَّمِيرُ؛ نَحْوُ: فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ
كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ.★

■ عَيِّنِ الْمُؤَكَّدَ وَإِعْرَابَهُ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ.

١- ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾ الْوَاقِعَةُ: ١٠ و ١١

٢- الْأَمْهَاتُ الْمُتَنَوِّرَاتُ أَنْفُسُهُنَّ يَصْنَعْنَ مُسْتَقْبَلَ الْبِلَادِ.

٣- بَحَثْتُ عَنْ بَطَارِيَةِ لَجَوَالِي فِي أَسْوَاقِ الْمَدِينَةِ كُلِّهَا.

٤- نَظَّفَ التَّلَامِيذَةُ أَنْفُسَهُمْ حُجْرَاتِ الْمَدْرَسَةِ كُلِّهَا.

٥- رَأَيْتُ زُمَلَائِي جَمِيعَهُمْ فِي الْحَدِيقَةِ.

٦- قَضَيْتُ السَّنَةَ كُلِّهَا فِي مَدِينَةِ كَرْجٍ.

٧- نَعَمْ، نَعَمْ، الْقِرَاءَةُ مُفِيدَةٌ.

٨- فَازَ الْمُتَسَابِقَانِ أَنْفُسَهُمَا.

٩- إِيَّاكَ، إِيَّاكَ وَ الْكَسَلَ!

الْبَدَلُ: الْجَلْسَةُ الْخَامِسَةُ وَ الثَّلَاثُونَ

ما هو البَدَلُ؟

الْبَدَلُ اسْمٌ تَأْتِي قَبْلَهُ اسْمٌ آخَرٌ تَمْهِيداً (به عنوان مقدمه)؛ بَيْنَمَا الْمَقْصُودُ الْأَصْلِيُّ هُوَ الْبَدَلُ.

نَحْوُ: «جَاءَ إِبْرَاهِيمُ أَخُوكَ.»

بَدَلٌ مُبَدَّلٌ مِنْهُ

أَخُوكَ إِسْمَاعِيلُ صَدِيقُنَا.

بَدَلٌ مُبَدَّلٌ مِنْهُ

الْبَدَلُ فِي أُسْلُوبِ الْإِسْتِثْنَاءِ:

إِذَا كَانَ الْإِسْتِثْنَاءُ تَامًا مَنفِيًّا، يَجُوزُ إِتْبَاعُ الْمُسْتَثْنَى لِلْمُسْتَثْنَى مِنْهُ فِي الْإِعْرَابِ كَمَا رَأَيْتَ سَابِقًا، وَ يُعْرَبُ فِي هَذِهِ الْحَالَةِ بَدَلًا؛ مِثْلُ: مَا حَصَرَ الْمَدْعُوعُونَ إِلَّا حَامِدًا.

بَدَلٌ

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ:

■ مَيِّزِ الْبَدَلَ وَ اكْتُبْ نَوْعَهُ.

١- ﴿إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ...﴾ الْفَاتِحَةُ: ٦ وَ ٧

٢- الْمَلِكُ كُورْشُ مَوْسَسُ الْإِمْبِرَاطُورِيَّةِ الْإِخْمِينِيَّةِ!

٣- شَاهَدْتُ التَّاجِرَ خَلِيلًا.

٤- فَازَتْ اللَّاعِبَةُ شَهْرزَادُ.

٥- كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عليه السلام عَادِلًا.

٦- ذَهَبْتُ عِنْدَ الطَّبِيبَةِ لَيْلَى.

١- الْإِخْمِينِيَّةُ: هَخَامَنْشَى

التَّمارين

التَّمرينُ الأوَّلُ: اُكْتُبْ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً لِلتَّوضِيحَاتِ التَّالِيَةِ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ.

- ١- جَعَلَهُ غَنِيًّا لَا حَاجَةَ لَهُ.
- ٢- شَخْصٌ يَكْتُبُ مَقَالَاتٍ فِي الصُّحُفِ.
- ٣- الْمَرَحَلَةُ الدَّرَاسِيَّةُ بَعْدَ الْإِبْتِدَائِيَّةِ.
- ٤- الْعَالِمُ الَّذِي لَهُ أَفْكَارٌ عَمِيقَةٌ وَ حَدِيثَةٌ.
- ٥- الْأَوْضَاعُ وَ الْأَحْوَالُ الَّتِي نُشَاهِدُهَا حَوْلَنَا.

التَّمرينُ الثَّاني: صَغْ فِي الْفُرَاقِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ.



- ١- سَعَرَ الْعَنْبِ فِي نِهَائِهِ الصَّيْفِ بِسَبَبِ وُفُورِهِ فِي السُّوقِ.
(يَعْلُو يَرْحُصُ يَكْتُرُ يَعْضُ)
- ٢- أَعْطَى الْمُدِيرُ مَسْئُولِيَّةَ الْمَكْتَبَةِ لِزَمِيلِي وَ هُوَ بِهَا.
(جَدِيرٌ سَلَالٌ تَلْفَازٌ طُرُوفٌ)
- ٣- دَهَبْنَا إِلَى الْبُسْتَانِ وَ التُّفَاحَاتِ وَ الرُّمَانَاتِ.
(طَبَعْنَا تَصَفَّحْنَا رَكَبْنَا أَكَلْنَا)
- ٤- صَنَعْتُ جَمِيلًا مِنْ خَشَبِ شَجَرَةِ الْجَوْزِ.
(وَعَاءٌ زُجَاجًا حَدِيدًا نُحَاسًا)
- ٥- حَارِسُ الْفُنْدُقِ كُلَّ اللَّيْلِ مَعَ زَمِيلِهِ.
(يُخَفِّضُ يُمَرِّرُ يَقْدِفُ يَسْهَرُ)



لِلتَّمَرِينِ الثَّلَاثِ: لِلتَّذْكَارِ

ضَعْ خَطًّا تَحْتَ الْمُفْرَدِ وَ جَمْعِهِ.

١. الصَّاحِبِ ، الْأَصْحَابِ
٢. الصَّحْفِيِّ ، الصُّحُفِ
٣. الْمِيزَانَ ، الْمَوَازِينَ
٤. الْحِجَارَةَ ، الْأَحْجَارِ
٥. الْحَارِسِ ، الْحُرَاسِ
٦. النَّرِيِّ ، النَّرَوَاتِ
٧. السُّوقِ ، الْأَسْوَاقِ
٨. الْعَمِيلِ ، الْعُمَالِ
٩. الْكِتَابَةَ ، الْكُتُبِ
١٠. الْفَنَاءِ ، الْفَنَوَاتِ
١١. الذَّنْبِ ، الْأَذْنَابِ
١٢. الْمَوْتِ ، الْمَوْتَى
١٣. النَّفَاقِ ، الْأَنْفَاقِ
١٤. السِّنَّةِ ، الْأَسْنَانِ
١٥. الشُّهُورِ ، الْأَشْهُرِ
١٦. الصَّيَامِ ، الصِّيَامِ
١٧. الْحَيِّ ، الْأَحْيَاءِ
١٨. الرَّجُلِ ، الرِّجَالِ
١٩. الْكَبِيرِ ، الْأَكْبَارِ
٢٠. الْفَتَى ، الْفَتَىةِ

لِلتَّمَرِينِ الرَّابِعِ: لِلتَّذْكَارِ

ضَعْ عِلَامَةً مُنَاسِبَةً بَيْنَ الْكَلِمَتَيْنِ. (= ≠)

١. الْعُرْلُ الْمَسْلُوحُونَ
٢. الْعَالِي الرَّخِيسِ
٣. الثِّيَابِ الْمَلَابِسِ
٤. الْقِتَالِ الْمَعْرَكَةِ
٥. الضِّيَاءِ الظُّلْمَةِ
٦. الْفِلَّةِ الْكَثْرَةِ
٧. الْبُكَاءِ الصَّحْكِ
٨. الْحَرْبِ السُّلْمِ
٩. الْخَصْمِ الْعَدُوِّ
١٠. الْيَمِينِ الْيَسَارِ
١١. الصَّبِيِّ الْوَلَدِ
١٢. يَخْتَارُ يَنْتَخِبُ
١٣. أَحْسَسَ شَعَرَ
١٤. أْفَعُدُ إِجْلِسُ
١٥. آتَى أَعْطَى
١٦. صَارَ أَصْبَحَ
١٧. يَضُرُّ يَنْفَعُ
١٨. رَاحَ ذَهَبَ
١٩. جَاعَ شَبِعَ
٢٠. جَاءَ آتَى

أَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِنِحْثُ عَنْ قِصَّةِ حَوَّلِ حَيَاةِ أَحَدِ الْأَنْبِيَاءِ أَوْ الْأَيِّمَةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ ثُمَّ تَرْجِمُ سَطْرَيْنِ مِنْهَا.





الدَّرْسُ العَاشِرُ



يا مَنْ فِي السَّمَاءِ عَظَمْتُهُ؛ يا مَنْ فِي الأَرْضِ آيَاتُهُ؛
يا مَنْ فِي كُلِّ شَيْءٍ دَلَائِلُهُ؛ يا مَنْ فِي البِحَارِ عَجَائِبُهُ؛
يا مَنْ فِي الجِبَالِ خَزَائِنُهُ ...

دُعَاءُ الجَوْشَنِ الكَبِيرِ: ٥٨

ای آنکه بزرگی‌اش در آسمان است؛ ای آنکه نشانه‌هایش در زمین است؛
ای آنکه راهنماهای [وجودش] در هر چیزی است؛ ای آنکه شگفتی‌هایش در دریاهاست؛
ای آنکه گنجینه‌هایش در کوه‌هاست ...

السَّلَاحِفُ الْبَحْرِيَّةُ

السَّلَاحِفَةُ الْبَحْرِيَّةُ أَشْبَهُ بِالسَّلَاحِفَةِ الْبَرِّيَّةِ شَكْلًا. وَ قَدْ يَبْلُغُ طَوْلُ بَعْضِ السَّلَاحِفِ الْبَحْرِيَّةِ مِثْرَيْنِ، وَ يَبْلُغُ وَزْنُهَا حَوَالِي خَمْسِمِئَةِ كِيلُوغَرَامٍ تَقْرِيبًا.



السَّرَطَانُ

يَخْتَفِي السَّرَطَانُ بَيْنَ الْحِجَارَةِ. لِلْسَّرَطَانِ خَمْسَةُ أَزْوَاجٍ مِنَ الْأَرْجُلِ يَتَحَرَّكُ جَانِبِيًّا عَلَى أَرْبَعَةِ أَزْوَاجٍ مِنْهَا. أَمَّا الزَّوْجُ الْأَمَامِيُّ ذُو الْكَلَابَتَيْنِ، فَيَسْتَعْمِلُهُمَا لِلْعَضِّ.



قَنْدِيلُ الْبَحْرِ

إِنَّهُ حَيَوَانٌ مَائِيٌّ يُشْبِهُ الْمِظْلَةَ وَ هُوَ مِنْ أَقْدَمِ الْمَوْجُودَاتِ عَلَى الْأَرْضِ.
وَ لَسَعَتُهُ مُؤَلِّمَةٌ لِلْإِنْسَانِ. وَ قَدْ تَكُونُ قَاتِلَةً فِي بَعْضِ الْحَالَاتِ.



سَمَكَةُ التِّيَلَابِيَا

سَمَكَةُ التِّيَلَابِيَا أَعْرَبُ الْأَسْمَاكِ حِمَايَةً لِصِغَارِهَا. إِنَّهَا تَعِيشُ فِي شِمَالِ إِفْرِيقِيَا.
وَ هَذِهِ السَّمَكَةُ تَبْتَلَعُ صِغَارَهَا عِنْدَ الْخَطَرِ؛ ثُمَّ تُخْرِجُهَا بَعْدَ زَوَالِ الْخَطَرِ.



الأخطبوط

كَلِمَةٌ يُونَانِيَّةُ الْأَصْلِ وَ تَعْنِي «ثَمَانِي أَرْجُلٍ»، لَهُ ثَلَاثَةُ قُلُوبٍ. وَ بَعْضُ أَنْوَاعِهِ يُغَيِّرُ لَوْنَهُ بِسُرْعَةٍ وَفَقًّا لِلْبَيْئَةِ الَّتِي يَصِلُ إِلَيْهَا.



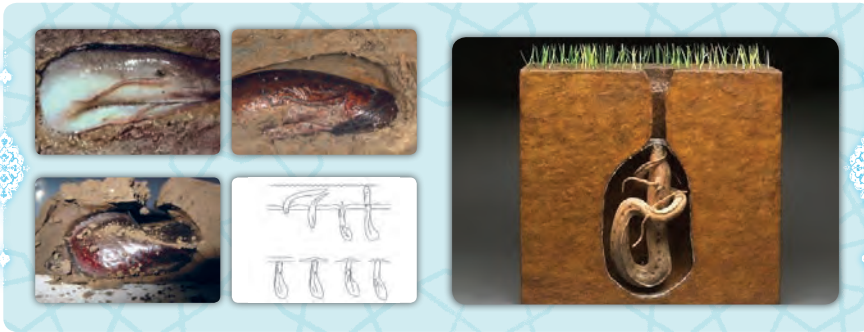
سَمَكَةُ السَّهْمِ

سَمَكَةُ السَّهْمِ أَعْجَبُ الْأَسْمَاكِ صَيْدًا. إِنَّهَا تُطَلِّقُ قَطْرَاتِ الْمَاءِ مِنْ فَمِهَا إِلَى الْهَوَاءِ بِقُوَّةٍ تُشْبِهُ إِطْلَاقَ السَّهْمِ وَ تُطَلِّقُ هَذَا السَّهْمَ الْمَائِيَّ فِي اتِّجَاهِ الْحَشْرَاتِ فَوْقَ الْمَاءِ، وَ عِنْدَمَا تَسْقُطُ الْحَشْرَةُ عَلَى سَطْحِ الْمَاءِ تَبْلَعُهَا. هُوَا هُؤَاةُ الزَّيْنَةِ مُعْجَبُونَ بِهَذِهِ السَّمَكَةِ، وَلَكِنَّ تَغْذِيَّتَهَا صَعْبَةٌ عَلَيْهِمْ؛ لِأَنَّهَا تَفْضَلُ الْفَرَائِسَ الْحَيَّةَ.



السَّمَكُ الْمَدْفُونُ

يُوجَدُ نَوْعٌ مِنَ السَّمَكِ فِي إِفْرِيقِيَا يَسْتُرُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْجَفَافِ فِي غِلَافٍ مِنَ الْمَوَادِّ الْمُخَاطِيَّةِ الَّتِي تَخْرُجُ مِنْ فَمِهِ، وَ يَدْفِنُ نَفْسَهُ تَحْتَ الطِّينِ، ثُمَّ يَنَامُ نَوْمًا عَمِيقًا أَكْثَرَ مِنْ سَنَةٍ، وَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى الْمَاءِ وَ الطَّعَامِ وَ الْهَوَاءِ؛ وَ يَعِيشُ دَاخِلَ حُفْرَةٍ صَغِيرَةٍ فِي انْتِظَارِ نُزُولِ الْمَطَرِ، حَتَّى يَخْرُجَ مِنَ الْغِلَافِ. أَمَّا الصَّيَادُونَ الْإِفْرِيقِيُّونَ فَيَذْهَبُونَ إِلَى مَكَانِ اخْتِفَائِهِ قَبْلَ نُزُولِ الْمَطَرِ وَ يَحْفِرُونَ التُّرَابَ الْجَافَ لِصَيْدِهِ.



<p>إِبْتَلَعَ : بلعید اِخْتَفَى : پنهان شد (مضارع: يَحْتَفِي) الْأُخْطَبُوطُ (الْأُخْطَبُوطُ) : هشت پا أَشْبَهَ : شبیه بود أَطْلَقَ : رها کرد الْأَقْدَمُ : کهن تر ، کهن ترین بَلَغَ - : بلعید أَلْبَيْتَةُ : محیط زیست الْجَافُ : خشک</p>	<p>الْجَفَافُ : خشکسالی دُو الْكَلَابَتَيْنِ : دارای دو چنگک (الْكَلَابَةُ: چنگک) السَّرَطَانُ : خرچنگ السَّلَاحِفُ : لاک پشتها «مفرد: السُّلْحَفَاةُ» سَمَكَةُ السُّهْمِ : ماهی تیرانداز الْعَضُ : گاز گرفتن عَنِ - : معنا داد (مضارع: يَعْنِي) الْغِلَافُ : پوشش</p>	<p>الْفَرَائِسُ : شکارها «مفرد: الْفَرِيْسَةُ» فَضَّلَ : برتری داد ، ترجیح داد الْفَمُ : دهان قَنْدِيلُ الْبَحْرِ : عروس دریایی اللَّسْعَةُ : نیش زدن (ماضی: لَسَعَ -) الْمِظْلَةُ : چتر الْمُؤَلِّمُ : دردناک الْهُوَاةُ : علاقه مندان «مفرد: الْهَوَاي»</p>
---	---	--

حَوْلَ النَّصِّ

اَكْتُبْ جَوَابًا قَصِيرًا، حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- بِمَ يُشْبَهُ قَنْدِيلُ الْبَحْرِ؟
- ۲- أَيْنَ يَدْفِنُ السَّمَكُ الْإِفْرِيقِيُّ نَفْسَهُ؟
- ۳- مَاذَا يَعْنِي الْأُخْطَبُوطُ بِاللُّغَةِ الْيُونَانِيَّةِ؟
- ۴- كَيْفَ تُرَاقِبُ سَمَكَةُ التِّيَلَابِيَا صِغَارَهَا مِنَ الْعَدُوِّ؟
- ۵- لِأَيِّ عَمَلٍ يَسْتَعِمِلُ السَّرَطَانُ رِجْلَيْهِ الْأَمَامِيَّتَيْنِ؟
- ۶- كَمْ مِتْرًا يَبْلُغُ طَوْلُ بَعْضِ السَّلَاحِفِ الْبَحْرِيَّةِ؟
- ۷- أَيُّ سَمَكَةٍ تُطَلَّقُ قَطْرَاتُ الْمَاءِ مِنْ فَمِهَا إِلَى الْهُوَاةِ لِلصَّيْدِ؟

تَمَارِينُ عَامَّةٌ

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ:

■ اخْتَرِ الإِجَابَةَ الصَّحِيحَةَ.

١. حَيَوَانٌ بَحْرِيٌّ فِي رَأْسِهِ ثَمَانِي أَرْجُلٍ قَوِيَّةٍ.

□ الأخطبوط □ سَمَكَةُ السَّهْمِ □ قِنْدِيلُ الْبَحْرِ □

٢. لِهَذِهِ الظَّاهِرَةِ عِدَّةُ أَسْبَابٍ أَهْمُهَا قِلَّةُ الْأَمْطَارِ.

□ الْجَفَافِ □ الْأَعْصَارِ □ الظُّرُوفِ □

٣. حَيَوَانٌ بَرِّيٌّ وَ مَائِيٌّ يَخْتَفِي فِي صَدْفِهِ.

□ السَّرَطَانَ □ الْفَرَائِسَ □ السَّلْحَفَةَ □

٤. الْأَدَاةُ الَّتِي يَحْمِلُهَا الْإِنْسَانُ عِنْدَ نَزُولِ الْمَطَرِ.

□ الشَّعِيرِ □ الْكَلَابَةَ □ الْمِظْلَةَ □

٥. الْمَكَانُ الَّذِي تَعِيشُ فِيهِ الْكَائِنَاتُ الْحَيَّةُ.

□ الْمَجَالَ □ الْبَيْئَةَ □ التَّقْنِيَّةَ □

٦. الْمُحِبُّونَ وَ الْمُشْجَعُونَ فِي الْمُبَارَاةِ.

□ الْقُضَاةَ □ الْمَشَاةَ □ الْهُوَاةَ □

٧. غِشَاءٌ يَدْخُلُ فِيهِ شَيْءٌ كَالسَّيْفِ.

□ الْغِلَافِ □ النَّفْقَ □ الْعَلَمَ □

■ تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ.

١. عَرَفَ: شناخت ← كَانَ يَعْرِفُ: كَانَ قَدْ عَرَفَ:
٢. يَيْسَسَ: ناامید شد ← لَنْ يَيْأَسَ: لَمَّا يَيْأَسَ:
٣. أَخَذَ: گرفت ← قَدْ أَخَذَ: قَدْ يَأْخُذُ:
٤. نَادَى: صدا زد ← مَا نَادَى: لَمْ يُنَادِ:
٥. وَصَلَ: رسید ← سَوْفَ يَصِلُ: سَيَصِلُ:
٦. كَتَبَ: نوشت ← أَكْتُبُ: لَا تَكْتُبُ:
٧. رَفَعَ: بالا بُرد ← لِيَرْفَعَ: لَا يَرْفَعُ:
٨. خَلَقَ: آفرید ← خُلِقَ: يَخْلُقُ:
٩. قَالَ: گفت ← قِيلَ: يُقَالُ:
١٠. تَلَا: خواند ← تُلِي: يُتْلَى:

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ:

■ اِقْرَأِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ؛ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١. قَدْ ذَهَبَتْ مَرِيْمٌ وَ زَهْرَاءُ وَ فَاطِمَةُ إِلَى حَدِيْقَةِ الْمَدِيْنَةِ. (اسْمًا مُؤَنَّثًا مَعْنَوِيًّا، وَ إِعْرَابَهُ)

٢. الْمَاشِي الَّذِي يَمْشِي عَلَى الشَّارِعِ، فِي خَطَرِ التَّصَادُمِ. (اسْمًا مَنْقُوصًا، وَ اسْمًا مَوْصُولًا)

٣. الْمُعَلِّمَةُ فِي الصَّفِّ، وَ التَّلْمِيذَاتُ يَسْتَمِعْنَ إِلَيْهَا. (نَوْعَ الْخَبَرَيْنِ، وَ اسْمًا مُشْتَقًّا وَ نَوْعَهُ)

٤. هُوَلاءِ زُمْلَانِي. رَأَيْتُهُمْ فِي الْمَلْعَبِ. هُمْ فَائِزُونَ. (ضَمِيرًا مُنْفَصِلًا مَرْفُوعًا، وَ ضَمِيرًا مُتَّصِلًا مَرْفُوعًا)

٥. لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا؛ يَا أَسْتَاذَنَا الْغَالِي. (إِعْرَابَ كَلِمَةِ «عِلْمٌ»، وَ نَوْعَ كَلِمَةِ «مَا»)

٦. عِنْدِي حَقِيْبَةٌ سَوْدَاءُ اشْتَرَيْتُهَا مِنَ السُّوقِ. (خَبْرًا وَ نَوْعَهُ، وَ اسْمًا مَمْنُوعًا مِنَ الصَّرْفِ)

٧. مَنْ يَكْسَلُ فِي وَاجِبِهِ؟ مَنْ يَكْسَلُ يَخْسِرُ. (نَوْعَ «مَنْ» فِي الْجُمْلَتَيْنِ، وَ إِعْرَابَهُمَا)

٨. كَانَ الْفَتَى أَعْمَى وَ كَانَتْ الْفَتَاةُ عَمِيَاءَ. (اسْمًا مَمْدُودًا، وَ اسْمًا مَقْصُورًا)

٩. قَعَدْنَا فِي تِلْكَ الصَّالَةِ قَعْدَةً. (نَوْعَ كَلِمَتِي «قَعْدَةً»، وَ «تِلْكَ»)

١٠. جِلْسَةُ الْوَقُورِ جَدَابَةٌ. (نَوْعَ كَلِمَتِي «جِلْسَةٌ» وَ «جَدَابَةٌ»)

■ مَيِّزِ «النَّعْتِ» وَ «المَعْطُوفِ» وَ «الحَالِ» وَ «عَطْفَ البَيَانِ» وَ «التَّوْكِيدَ» وَ «البَدَلَ».

١. اِشْتَرَيْتُ أَنَا فُسْتَانًا جَمِيلًا لِأَخْتِي الكُبْرَى.

٢. العَمَالُ المُجِدِّونَ أَنفُسَهُمْ يَبْنُونَ جِسْرًا.

٣. رَأَيْتُ ثَعْلَبًا وَ سِنْجَابًا فِي هَذِهِ الغَابَةِ.

٤. طَلَعَتِ الشَّمْسُ، طَلَعَتِ الشَّمْسُ.

٥. وَصَلَ زَمِيلِي إِلَى الصَّفِّ مُتَأَخِّرًا.

٦. أَخُوكَ إِبْرَاهِيمُ صَدِيقِي العَزِيزُ.

٧. تَصَفَّحْتُ هَذَا الكِتَابَ العَالِي.

■ أَعْرَبُ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ.

١. وَجَدَ الْأُسْتَاذُ طُلَّابَهُ مُجِدِّينَ فِي أَدَاءِ وَاجِبَاتِهِمْ عِنْدَ بَدَايَةِ الْإِمْتِحَانَاتِ.
٢. كَادَ الْفَرِيقُ يَخْسِرُ فِي الْمُبَارَاةِ يَوْمَ السَّبْتِ؛ إِنَّهُ لَعَبَ ضَعِيفاً.
٣. اجْتَهَدْنَا لِلنَّجَاحِ فِي هَدَفِنَا اجْتِهَاداً بِالْغَا وَ نَحْنُ فَرِحُونَ.
٤. الطَّالِبُ الْعَاقِلُ لَا يَتَكَلَّمُ أَمَامَ مُعَلِّمِهِ احْتِرَاماً لَهُ.
٥. يَا أَيُّهَا الْمُتَفَرِّجُونَ، حَافِظُوا عَلَي نَظَاقَةِ الْبَيْئَةِ.
٦. اِشْتَرَيْتُ كَيْلَوّاً رُمَاناً وَ شَرِبْتُ كَوْباً عَصِيراً.
٧. يَدْرُسُ الطُّلَّابُ مَسْرُورِينَ إِلَّا الْكَسْلَانَ.
٨. مَا أَكْثَرَ عِلْمَ أُسْتَاذِي! حَفِظَهُ اللهُ!
٩. يَا جَعْفَرُ، كُنْ مُعِينَ الضُّعْفَاءِ.
١٠. يَبْسُ الشَّيْمَةَ الْبُخْلُ.

التَّمْرِينُ السَّادِسُ:

■ عَيْنِ الْأَسْمَاءِ الْمُشْتَقَّةِ؛ وَكَتَبَ نَوْعَهَا، وَتَرَجَمَتَهَا.

١. ﴿... إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ...﴾ يوسُف: ٥٣

٢. ﴿... وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ التَّبَا: ٤٠

٣. ﴿وَلَقَدْ رَئَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ...﴾ الْمُلْك: ٥

٤. ﴿... إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ الْأَعْرَاف: ٥٦

٥. ﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَن آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...﴾ التَّوْبَةِ: ١٨

٦. أَلْحَيَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنَّ فِي النِّسَاءِ أَحْسَنُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

التَّمْرِينُ السَّابِعُ:

عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

1. لَيْسَتْ أَدَاةُ الْإِسْتِثْنَاءِ: إِلَّا غَيْرُ أَلَا سِوَى
2. لَيْسَ مِنَ الظُّرُوفِ: لَدَى تَحْتَ أَمَامَ مِنْ
3. مَوْصُولٌ مُشْتَرَكٌ: مَنْ الَّذِي الَّتِي الَّذِينَ
4. فِعْلٌ رُبَاعِيٌّ مُضَاعَفٌ: تَرَجَّمَ تَزَلَّزَلَ أَنْزَلَ تَعَلَّمَ
5. لَيْسَ مِنْ أَفْعَالِ الْمُفَارَبَةِ: كَادَ أَصْبَحَ أَوْشَكَ عَسَى
6. إِسْمٌ مُؤَنَّثٌ مَعْنَوِيٌّ: أَعْظَمَ أَسْوَدَ غَضَبَانَ عَيْنَ
7. مَصْدَرٌ صِنَاعِيٌّ: غَايَةَ صِنَاعَةَ رَاضِيَةً إِنْسَانِيَّةً
8. فِعْلٌ مُعْتَلٌّ نَاقِصٌ: إِهْدِنَا هَبْ لِي قُلِ الْحَقُّ قَرَأَهُ
9. مَصْدَرٌ الْمَرَّةِ: قِرَاءَةٌ ابْتِسَامَةٌ إِشَارَةٌ اسْتِفَادَةٌ
10. مَصْدَرٌ مِيمِيٌّ: مَرَحَمَةٌ مِيثَاقٌ مُحَاوَلَةٌ مُجِيبٌ
11. صَحِيحُ الْآخِرِ: هَادِي (هَادٍ) إِعْطَاءٌ أَعْلَى جَوُزٌ
12. إِسْمٌ فَاعِلٍ: مُحَاكِمَةٌ مُكَاتَبَةٌ مُجَاهِدَةٌ مُجَالَسَةٌ
13. فِعْلٌ لِازِمٌ: هَزَمْتُهُ هَرَبَ مِنْهُ وَعَدَنِي سَاعِدُوهُمْ
14. لَيْسَ مِنَ التَّوَابِعِ: أَلَنَّتْ أَلْبَدَلَ صَمِيرُ الْقُفْلِ أَلْعَطْفُ
15. صَمِيرٌ مُنْفَصِلٌ مَنْصُوبٌ: سَتَ (دَافَعَت) لَكَ (دَعَاكَ) إِيَّاكَ تَعَبُدُ أَنْتَ الرَّحِيمُ
16. لَيْسَ فِي هَذِهِ الْجُمْلَةِ تَعَجُّبٌ: مَا أَبْرَدَ الشِّتَاءُ إِيَّاكَ وَالشَّرَّ لِلَّهِ دَرُهُ كَمْ هُوَ قَوِيٌّ
17. نَوْعُ الْمُنَادَى فِي «يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ»: شَبِيهٌ بِالْمُضَافِ مُضَافٌ عَلَمٌ مُفْرَدٌ نَكْرَةٌ غَيْرٌ مُقْصَدَةٌ
18. نَوْعُ الْمُنَادَى فِي «يَا أَيُّهَا الرَّجُلُ»: عَلَمٌ مُفْرَدٌ شَبِيهٌ بِالْمُضَافِ نَكْرَةٌ مُقْصَدَةٌ مُضَافٌ
19. لَيْسَ مِنَ الْأَسْمَاءِ الْمُلَازِمَةِ لِلْإِضَافَةِ: عَلَى، إِلَى، فِي كُلِّ، ذُو، أَيَّ مِثْلَ، غَيْرِ، سِوَى مَعَ، ذَاتَ، بَيْنَ
20. نَمُودَجٌ يَدُلُّ عَلَى الْإِغْرَاءِ: الْكَذِبُ، الْكَذِبُ! الْإِخْلَاصُ! إِيَّاكَ وَ الْكَذِبُ! الْيَأْسُ!

الْمُلْحَقَاتُ

نَمَازِجُ لِلتَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ الْإِعْرَابِ

جَدْوَلٌ لِتَصْرِيفِ الْأَفْعَالِ

الْمُعْجَمُ

﴿إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾ الفاتحة: ٦ و ٧

الكلمة	التحليل الصرفي	الإعراب
إِهْدِ	فِعْلٌ أَمْرٌ ، مُفْرَدٌ مُدَكَّرٌ مُخَاطَبٌ ، ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ ، مُعْتَلٌّ وَ نَاقِصٌ ، مُتَعَدٌّ ، مَبْنِيٌّ عَلَى حَذْفِ حَرْفِ الْعِلَّةِ	فِعْلٌ وَ فَاعِلُهُ ضَمِيرٌ أَنْتَ الْمُسْتَتِرُ وَ الْجُمْلَةُ فِعْلِيَّةٌ
نَا	إِسْمٌ ، ضَمِيرٌ مُتَّصِلٌ لِلنَّصْبِ أَوْ لِلجَرِّ ، مُتَكَلِّمٌ مَعَ الْغَيْرِ ، مَعْرِفَةٌ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ	مَفْعُولٌ بِهِ وَ مَنْصُوبٌ مَحَلًّا
أَلْ	حَرْفٌ تَعْرِيفِيٌّ ، غَيْرٌ عَامِلٌ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ	---
الصِّرَاطَ	إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُدَكَّرٌ مَجَازِيٌّ ، جَامِدٌ ، مُعَرَّفٌ بِأَلْ ، مُعْرَبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ ، مُنْصَرَفٌ	مَفْعُولٌ بِهِ ثَانٍ وَ مَنْصُوبٌ
الْمُسْتَقِيمَ	إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُدَكَّرٌ مَجَازِيٌّ ، مُشْتَقٌّ وَ اسْمٌ فَاعِلٍ مِنْ بَابِ اسْتِفْعَالٍ ، مُعَرَّفٌ بِأَلْ ، مُعْرَبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ ، مُنْصَرَفٌ	نَعْتٌ وَ مَنْصُوبٌ بِالتَّبَعِيَّةِ لِمَنْعُوتهِ «الصِّرَاطَ»
صِرَاطَ	إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُدَكَّرٌ مَجَازِيٌّ ، جَامِدٌ ، مُعَرَّفٌ بِالإِضَافَةِ ، مُعْرَبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ ، مُنْصَرَفٌ	بَدَلٌ مِنَ الصِّرَاطِ وَ مَنْصُوبٌ بِالتَّبَعِيَّةِ
الَّذِينَ	إِسْمٌ ، مَوْصُولٌ خَاصٌ ، جَمْعٌ مُدَكَّرٌ ، مَعْرِفَةٌ ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ	مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ مَحَلًّا
أَنْعَمْتَ	فِعْلٌ مَاضٍ ، مُفْرَدٌ مُدَكَّرٌ مُخَاطَبٌ ، ثَلَاثِيٌّ مَزِيدٌ بِزِيَادَةِ حَرْفِ وَاحِدٍ مِنْ بَابِ إِفْعَالٍ ، صَحِيحٌ وَ سَالِمٌ ، مُتَعَدٌّ ، مَعْلُومٌ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ	فِعْلٌ وَ فَاعِلُهُ ضَمِيرٌ «تَ» الْبَارِزُ وَ الْجُمْلَةُ فِعْلِيَّةٌ ، وَ صِلَةٌ
عَلَى	حَرْفٌ ، عَامِلٌ جَرٌّ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ	---
هُمْ	إِسْمٌ ، ضَمِيرٌ مُتَّصِلٌ لِلنَّصْبِ أَوْ لِلجَرِّ ، جَمْعٌ مُدَكَّرٌ غَائِبٌ ، مَعْرِفَةٌ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ	مَجْرُورٌ مَحَلًّا بِحَرْفِ الجَرِّ (عَلَيْهِمْ: جَارٌ وَ مَجْرُورٌ)

﴿ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ ﴾ التَّوْبَةُ: ٧٣

الْكَلِمَةُ	التَّحْلِيلُ الصَّرْفِيُّ	الإِعْرَابُ
يا	حَرْفُ نِدَاءٍ ، غَيْرُ عَامِلٍ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ	---
أَيُّ	إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُدَكَّرٌ مَجَازِيٌّ ، جَامِدٌ ، نَكْرَةٌ ، مُعْرَبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ	مُنَادَى نَكْرَةٌ مَقْصُودَةٌ ، مَبْنِيٌّ عَلَى الضَّمِّ وَ مَنْصُوبٌ مَحَلًّا
ها	حَرْفُ تَنْبِيهِ ، غَيْرُ عَامِلٍ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ	---
أل	حَرْفُ تَعْرِيفٍ ، غَيْرُ عَامِلٍ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ	---
النَّبِيُّ	إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُدَكَّرٌ حَقِيقِيٌّ ، مُشْتَقٌّ وَ صِفَةٌ مُشَبَّهَةٌ ، مُعْرَفٌ بِأَلٍ ، مُعْرَبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ ، مُنْصَرَفٌ	نَعْتُ وَ مَرْفُوعٌ بِالتَّبَعِيَّةِ لِلْفِطْرِ «أَيُّ»
جاهد	فِعْلٌ أَمْرٌ ، مُفْرَدٌ مُدَكَّرٌ مُخَاطَبٌ ، ثَلَاثِيٌّ مَزِيدٌ بِزِيَادَةِ حَرْفٍ وَاحِدٍ مِنْ بَابِ مُفَاعَلَةٍ ، صَحِيحٌ وَ سَالِمٌ ، مُتَعَدٌّ ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْكَسْرِ لِدَفْعِ التِّقَاءِ السَّاكِنَيْنِ	فِعْلٌ وَ فَاعِلُهُ ضَمِيرٌ «أَنْتَ» الْمُسْتَتِرُ وَ الْجُمْلَةُ فِعْلِيَّةٌ
الْكُفَّارَ	إِسْمٌ ، جَمْعٌ تَكْسِيرٍ (مُفْرَدُهُ «كَافِرٌ» وَهُوَ مُدَكَّرٌ حَقِيقِيٌّ) ، مُشْتَقٌّ ، إِسْمٌ فَاعِلٍ ، مُعْرَفٌ بِأَلٍ ، مُعْرَبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ ، مُنْصَرَفٌ	مَفْعُولٌ بِهِ وَ مَنْصُوبٌ
وَ	حَرْفُ عَطْفٍ ، غَيْرُ عَامِلٍ ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ	---
الْمُنَافِقِينَ	إِسْمٌ ، جَمْعٌ الْمُدَكَّرِ السَّالِمِ ، مُدَكَّرٌ حَقِيقِيٌّ ، مُشْتَقٌّ ، إِسْمٌ فَاعِلٍ ، مُعْرَفٌ بِأَلٍ ، مُعْرَبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ ، مُنْصَرَفٌ	مَعْطُوفٌ وَ مَنْصُوبٌ بِالتَّبَعِيَّةِ لِلْمَعْطُوفِ عَلَيْهِ «الْكُفَّارَ»

إِصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ صَبْرًا جَمِيلًا.

الإعراب	التَّحْلِيلُ الصَّرْفِيُّ	الْكَلِمَةُ
فِعْلٌ وَ فَاعِلُهُ صَمِيرٌ «أَنْتَ» الْمُسْتَتِرُ وَ الْجُمْلَةُ فِعْلِيَّةٌ	فِعْلٌ أَمْرٌ ، مُفْرَدٌ مُدَكَّرٌ مُخَاطَبٌ ، ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ ، صَحِيحٌ وَ سَالِمٌ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ	إِصْبِرْ
---	حَرْفٌ ، عَامِلٌ جَرٌّ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ	عَلَى
مَجْرُورٌ بِحَرْفِ الْجَرِّ مَحَلًّا (عَلَى مَا: جَارٌّ وَ مَجْرُورٌ)	إِسْمٌ ، مَوْصُولٌ عَامٌّ أَوْ مُشْتَرَكٌ ، مَعْرِفَةٌ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ	مَا
فِعْلٌ وَ فَاعِلُهُ صَمِيرٌ «هُوَ» الْمُسْتَتِرُ وَ الْجُمْلَةُ فِعْلِيَّةٌ	فِعْلٌ مَاضٍ ، مُفْرَدٌ مُدَكَّرٌ غَائِبٌ ، ثَلَاثِيٌّ مَزِيدٌ بِزِيَادَةِ حَرْفٍ وَاحِدٍ مِنْ بَابِ إِفْعَالٍ ، مُعْتَلٌّ وَ أَجُوفٌ ، مَعْلُومٌ ، مُتَعَدٍّ ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ	أَصَابَ
مَفْعُولٌ بِهِ وَ مَنْصُوبٌ مَحَلًّا	إِسْمٌ ، صَمِيرٌ مُتَّصِلٌ لِلنَّصْبِ أَوْ لِلْجَرِّ ، مُفْرَدٌ مُدَكَّرٌ مُخَاطَبٌ ، مَعْرِفَةٌ ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ	كَ
مَفْعُولٌ مُطْلَقٌ نَوْعِيٌّ وَ مَنْصُوبٌ	إِسْمٌ ، مَصْدَرُ الْمَجْرَدِ الثَّلَاثِيِّ مِنْ صَبَرَ - ، مُفْرَدٌ ، مُدَكَّرٌ مَجَازِيٌّ ، جَامِدٌ ، نَكْرَةٌ ، مُعْرَبٌ ، صَحِيحٌ الْآخِرِ ، مُنْصَرَفٌ	صَبْرًا
نَعْتٌ وَ مَنْصُوبٌ بِالتَّبْعِيَّةِ لِمَنْعُوتهِ «صَبْرًا»	إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُدَكَّرٌ مَجَازِيٌّ ، مُشْتَقٌّ ، صِفَةٌ مُشَبَّهَةٌ مِنْ مَصْدَرِ جَمَالٍ ، نَكْرَةٌ ، مُعْرَبٌ ، صَحِيحٌ الْآخِرِ ، مُنْصَرَفٌ	جَمِيلًا

«كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُصُ عَلَى الْإِنْفَاقِ إِلَّا الْعِلْمَ».

الْكَلِمَةُ	التَّحْلِيلُ الصَّرْفِيُّ	الإِعْرَابُ
كُلُّ	إِسْمٌ ، نَكْرَةٌ ، مُعْرَبٌ	مُبْتَدَأٌ وَ مَرْفُوعٌ ، وَ الْجُمْلَةُ اسْمِيَّةٌ
شَيْءٍ	إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُدَكَّرٌ مَجَازِيٌّ ، جَامِدٌ ، نَكْرَةٌ ، مُعْرَبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ ، مُنْصَرَفٌ	مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ
يَنْقُصُ	فِعْلٌ مُضَارِعٌ ، مُفْرَدٌ مُدَكَّرٌ غَائِبٌ ، ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ ، صَحِيحٌ وَ سَالِمٌ ، مُعْرَبٌ	فِعْلٌ مَرْفُوعٌ وَ فَاعِلُهُ ضَمِيرٌ «هُوَ» الْمُسْتَتِرُ وَ الْجُمْلَةُ فِعْلِيَّةٌ ، وَ خَبَرٌ وَ مَرْفُوعٌ مَحَلًّا
عَلَى	حَرْفٌ ، عَامِلٌ جَرٌّ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ	---
أَلْ	حَرْفٌ تَعْرِيفِيٌّ ، غَيْرُ عَامِلٍ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ	---
الْإِنْفَاقِ	إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُدَكَّرٌ مَجَازِيٌّ ، جَامِدٌ ، مُعْرَفٌ بِأَلْ ، مُعْرَبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ ، مُنْصَرَفٌ	مَجْرُورٌ بِحَرْفِ الْجَرِّ (عَلَى الْإِنْفَاقِ: جَارٌ وَ مَجْرُورٌ)
إِلَّا	حَرْفٌ مِنْ أَدَوَاتِ الْإِسْتِثْنَاءِ ، غَيْرُ عَامِلٍ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ	---
الْعِلْمَ	إِسْمٌ ، مَصْدَرٌ الْمَجْرَدُ الثَّلَاثِيٌّ مِنْ عِلْمٍ - ، مُفْرَدٌ ، مُدَكَّرٌ مَجَازِيٌّ ، جَامِدٌ ، مُعْرَفٌ بِأَلْ ، مُعْرَبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ ، مُنْصَرَفٌ	مُسْتَتَتِيٌّ وَ مَنْصُوبٌ

«أَقْلُ النَّاسِ مُرَوَّةٌ مَنْ كَانَ كاذِبًا».

الإعراب	التحليل الصرفي	الكلمة
مبتدأ و مرفوع ، و الجملة اسمية	اسم تفضيل من مصدر قلة ، معرفة بالإضافة ، معرب ، صحيح الآخر ، غير منصرف	أقل
---	حرف تعريف ، غير عامل ، مبني على السكون	أل
مضاف إليه و مجرور	اسم ، اسم جمع ، جامد ، معرف بال ، معرب ، صحيح الآخر ، منصرف	الناس
تمييز و منصوب	اسم ، مفرد ، مؤنث مجازي ، جامد ، مصدر ، نكرة ، معرب ، صحيح الآخر ، منصرف	مروءة (مروة)
خبر و مرفوع محلاً	اسم ، موصول عام أو مشترك ، معرفة ، مبني على السكون	من
فعل من الأفعال الناقصة و اسمه ضمير «هو» المستتر	فعل ماض ، مفرد مذكر غائب ، ثلاثي مجرد من مصدر «كون» ، معتل و أجوف ، لازم ، مبني على الفتح	كان
خبر «كان» و منصوب	اسم ، مفرد ، مذكر ، مشتق ، اسم فاعل من مصدر كذب ، نكرة ، معرب ، صحيح الآخر ، منصرف	كاذباً

«ما أَقْبَحَ الْخُضُوعَ عِنْدَ الْحَاجَةِ وَ الْجَفَاءِ عِنْدَ الْغِنَى»!

الْكَلِمَةُ	التَّحْلِيلُ الصَّرْفِيُّ	الإِعْرَابُ
ما	إِسْمٌ ، لِلتَّعَجُّبِ ، نَكْرَةٌ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ	مُبْتَدَأٌ وَ مَرْفُوعٌ مَحَلًّا ، وَ الْجُمْلَةُ اسْمِيَّةٌ
أَقْبَحَ	فِعْلٌ لِلتَّعَجُّبِ ، جَامِدٌ ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ	فِعْلٌ وَ فَاعِلُهُ ضَمِيرٌ «هُوَ» الْمُسْتَتِرُ وَ الْجُمْلَةُ فِعْلِيَّةٌ ، وَ خَبَرٌ وَ مَرْفُوعٌ مَحَلًّا
أَل	حَرْفٌ تَعْرِيفٍ ، غَيْرٌ عَامِلٍ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ	---
الْخُضُوعَ	إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُدَكَّرٌ مَجَازِيٌّ ، جَامِدٌ ، مَصْدَرُ الْمَجْرَدِ الثَّلَاثِيِّ ، مُعْرَفٌ بِأَلٍ ، مُعْرَبٌ ، صَاحِبُ الْأَخْرِ ، مُنْصَرَفٌ	مُتَعَجَّبٌ مِنْهُ وَ مَفْعُولٌ بِهِ وَ مَنْصُوبٌ
عِنْدَ	إِسْمٌ ، مُعْرَفٌ بِالْإِضَافَةِ ، مُعْرَبٌ	ظَرْفٌ أَوْ مَفْعُولٌ فِيهِ وَ مَنْصُوبٌ
أَل	كَمَا مَرَّ	---
الْحَاجَةَ	إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُؤَنَّثٌ مَجَازِيٌّ ، جَامِدٌ ، مُعْرَفٌ بِأَلٍ ، مُعْرَبٌ ، صَاحِبُ الْأَخْرِ ، مُنْصَرَفٌ	مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ
وَ	حَرْفٌ عَاطِفٍ ، غَيْرٌ عَامِلٍ ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ	---
الْجَفَاءَ	إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُدَكَّرٌ مَجَازِيٌّ ، جَامِدٌ ، مَصْدَرُ الثَّلَاثِيِّ الْمَجْرَدِ مِنْ جَفَأٍ ، مُعْرَفٌ بِأَلٍ ، مُعْرَبٌ ، مَمْدُودٌ ، مُنْصَرَفٌ	مَعْطُوفٌ وَ مَنْصُوبٌ بِالتَّبَعِيَّةِ لِلْمَعْطُوفِ عَلَيْهِ «الْخُضُوعَ»
عِنْدَ	كَمَا مَرَّ	---
الْغِنَى	إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُدَكَّرٌ مَجَازِيٌّ ، جَامِدٌ ، مَصْدَرُ الثَّلَاثِيِّ الْمَجْرَدِ مِنْ غَنَى ، مُعْرَفٌ بِأَلٍ ، مُعْرَبٌ ، مَقْصُورٌ ، مُنْصَرَفٌ	مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ تَقْدِيرًا

﴿وَإِعْدُنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً﴾ الأعراف: ١٤٢

الكلمة	التحليل الصرفي	الإعراب
وَ	حَرْفُ عَطْفٍ ، غَيْرُ عَامِلٍ ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ	---
وَإِعْدُنَا	فِعْلٌ مَاضٍ ، مُتَكَلِّمٌ مَعَ الْغَيْرِ ، ثَلَاثِيٌّ مَزِيدٌ بِزِيَادَةِ حَرْفٍ وَاحِدٍ مِنْ بَابِ «مُفَاعَلَةٌ» ، مُعْتَلٌّ وَ مِثَالٌ وَآوِيٌّ ، مُتَعَدٌّ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ	فِعْلٌ وَ فَاعِلُهُ صَمِيرٌ «نَا» الْبَارِزُ وَ الْجُمْلَةُ فِعْلِيَّةٌ
موسى	إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُدَكَّرٌ حَقِيقِيٌّ ، جَامِدٌ ، مَعْرِفَةٌ (عَلَمٌ) ، مُعْرَبٌ ، مَقْصُورٌ ، مَمْنُوعٌ مِنَ الصَّرْفِ	مَفْعُولٌ بِهِ وَ مَنْصُوبٌ تَقْدِيرًا
ثلاثينَ	إِسْمٌ مِنْ أَعْدَادِ الْعُقُودِ ، مُلْحَقٌ بِجَمْعِ السَّالِمِ الْمُدَكَّرِ ، نَكْرَةٌ ، مُعْرَبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ ، مُنْصَرَفٌ	مَفْعُولٌ فِيهِ وَ مَنْصُوبٌ بِالْيَاءِ وَ إِعْرَابُهُ قَرَعِيٌّ
لَيْلَةً	إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُؤَنَّثٌ مَجَازِيٌّ ، جَامِدٌ ، نَكْرَةٌ ، مُعْرَبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ ، مُنْصَرَفٌ	تَمْيِيزٌ عَدَدٍ وَ مَنْصُوبٌ

جَدْوْلٌ لِتَصْرِيفِ الْأَفْعَالِ

الصَّبِيحَةَ	الْمَاضِي	الْمَضَارِعُ	الْأَمْرُ	الْمَضَارِعُ الْمَجْزُومُ	الْمَضَارِعُ الْمَنْصُوبُ
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	فَعَلَ	يَفْعَلُ		لَمْ يَفْعَلْ	لَنْ يَفْعَلَ
الْمُنْثَى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	فَعَلَا	يَفْعَلَانِ		لَمْ يَفْعَلَا	لَنْ يَفْعَلَا
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	فَعَلُوا	يَفْعَلُونَ		لَمْ يَفْعَلُوا	لَنْ يَفْعَلُوا
الْمُفْرَدُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	فَعَلَتْ	تَفْعَلُ		لَمْ تَفْعَلْ	لَنْ تَفْعَلَ
الْمُنْثَى الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	فَعَلْتَا	تَفْعَلَانِ		لَمْ تَفْعَلَا	لَنْ تَفْعَلَا
الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	فَعَلْنَ	يَفْعَلْنَ		لَمْ يَفْعَلْنَ	لَنْ يَفْعَلْنَ
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	فَعَلْتَ	تَفْعَلْ	إِفْعَلْ	لَمْ تَفْعَلْ	لَنْ تَفْعَلَ
الْمُنْثَى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	إِفْعَلَا	لَمْ تَفْعَلَا	لَنْ تَفْعَلَا
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلُونَ	إِفْعَلُوا	لَمْ تَفْعَلُوا	لَنْ تَفْعَلُوا
الْمُفْرَدُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	فَعَلْتِ	تَفْعَلِينَ	إِفْعَلِي	لَمْ تَفْعَلِي	لَنْ تَفْعَلِي
الْمُنْثَى الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	إِفْعَلَا	لَمْ تَفْعَلَا	لَنْ تَفْعَلَا
الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	فَعَلْتُنَّ	تَفْعَلْنَ	إِفْعَلْنَ	لَمْ تَفْعَلْنَ	لَنْ تَفْعَلْنَ
الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	فَعَلْتُ	أَفْعَلُ		لَمْ أَفْعَلْ	لَنْ أَفْعَلَ
الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	فَعَلْنَا	نَفْعَلُ		لَمْ نَفْعَلْ	لَنْ نَفْعَلَ

مُعَادِلُ أَنْوَاعِ الْأَفْعَالِ فِي اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ

- مُعَادِلُ الْمَاضِي الْبَسِيطِ = فَعَلَ: انْجَامَ دَادَ
- مُعَادِلُ الْمَاضِي النَّقْلِيِّ = قَدْ فَعَلَ: انْجَامَ دَادَهُ اسْتَ
- مُعَادِلُ الْمَاضِي الْبَعِيدِ = كَانَ فَعَلَ وَ كَانَ قَدْ فَعَلَ: انْجَامَ دَادَهُ بُوْدَ
- مُعَادِلُ الْمَاضِي الْاِسْتِمْرَارِيِّ = كَانَ يَفْعَلُ: انْجَامَ مِى دَادَ
- مُعَادِلُ الْمَاضِي الْمُسْتَمِرِّ = كَانَ يَفْعَلُ: دَاشْتَ انْجَامَ مِى دَادَ
- مُعَادِلُ الْمَاضِي الْاِلْتِزَامِيِّ = رُبَّمَا فَعَلَ وَ لَعَلَّهُ فَعَلَ: شَايِدَ انْجَامَ دَادَهُ بَاشَدَ
- مُعَادِلُ الْمُضَارِعِ الْاِخْبَارِيِّ = يَفْعَلُ: انْجَامَ مِى دَهْدَ
- مُعَادِلُ الْمُضَارِعِ الْاِلْتِزَامِيِّ = رُبَّمَا يَفْعَلُ وَ لَعَلَّهُ يَفْعَلُ: شَايِدَ انْجَامَ بَدَهْدَ وَ لِيَفْعَلُ: بَايِدَ انْجَامَ بَدَهْدَ
- مُعَادِلُ الْمُضَارِعِ الْمُسْتَمِرِّ = يَفْعَلُ: دَارِدَ انْجَامَ مِى دَهْدَ
- مُعَادِلُ الْمُسْتَقْبَلِ = سَيَفْعَلُ وَ سَوْفَ يَفْعَلُ: انْجَامَ خَوَاهْدَ دَادَ
- مُعَادِلُ الْمُسْتَقْبَلِ الْمَنْفِيِّ = لَنْ يَفْعَلُ: انْجَامَ نَخَوَاهْدَ دَادَ

أَيُّهَا الْأَحِبَّاءُ،
نَسْتَوِدُّعُكُمْ اللَّهَ،
وَ نَرْجُو لَكُمْ حَيَاةً مَلِيئَةً بِالنَّجَاحِ
مَعَ السَّلَامَةِ،
فِي أَمَانِ اللَّهِ.



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحوّل بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه‌دستی مّلی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلّمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقّق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه‌ی تعاملی برخط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلّمان درباره‌ی کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را در اوّلین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلّمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی و دبیرخانه‌ی راهبری درس و مدیر محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیرانی که تلاش مضاعفی را در این زمینه داشته و با ارائه‌ی نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود:

اسامی دبیران شرکت‌کننده در اعتبارسنجی کتاب عربی، زبان قرآن (۳) - کد ۱۱۲۲۰۸

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محلّ خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محلّ خدمت
۱	خدیدجه حسینی	سمنان	۲۰	مهديه مرتضوی فر	کرمان
۲	فاطمه زهرا گندم‌کار	خراسان رضوی	۲۱	حدیثه متوّلی	سمنان
۳	علیرضا صحیحی	اصفهان	۲۲	علی میرزایی	کرمانشاه
۴	زهرا علی‌آبادی	خراسان جنوبی	۲۳	فاطمه نظری	گلستان
۵	یعقوبعلی آقاعلی‌پور	آذربایجان شرقی	۲۴	محمّدرضا سلمانی	زنجان
۶	معصومه حسن‌زاده	شهر تهران	۲۵	مرضیه رضایی	البرز
۷	آذر فیلی	ایلام	۲۶	زهرا فصیحی	اصفهان
۸	سحر تمهیدی	شهرستان‌های تهران	۲۷	محسن شبستانی	همدان
۹	باقر جبریلی	مازندران	۲۸	زهرا اشرفی‌زاده	خوزستان
۱۰	سیدرضا موسوی‌نژاد	خراسان جنوبی	۲۹	کمال فلاّحی	فارس
۱۱	محمّد طایفه‌خانی	شهرستان‌های تهران	۳۰	بهجت نانکلی	همدان
۱۲	ابوبکر یوسفی لاجی	خراسان رضوی	۳۱	ملیحه صالح قمری	خراسان شمالی
۱۳	پانته‌آ امیرپاشایی	شهر تهران	۳۲	رضا شیروانی	فارس
۱۴	فهیمه ورزدار	البرز	۳۳	زهرا قموشی‌فرد	قزوین
۱۵	مهدی شفایی	آذربایجان شرقی	۳۴	قیس خزاعل	خرمشهر
۱۶	رضا نیرآبادی	خراسان رضوی	۳۵	مجید بیگلری	مازندران
۱۷	آمنه آقایی نعمتی	شهر تهران	۳۶	آیدا فردوس مقدّم	ایلام
۱۸	احسان نیک‌ورز	کرمان	۳۷	غلامرضا یرشی	بوشهر
۱۹	فرزانه جتّاری	کرمانشاه			